

زبان و ادبیات فارسی

در

بوسنی و هرزگوین

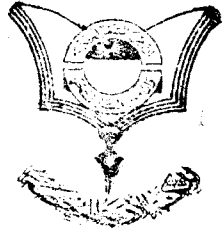
از

دکتر احمد صفار مقدم

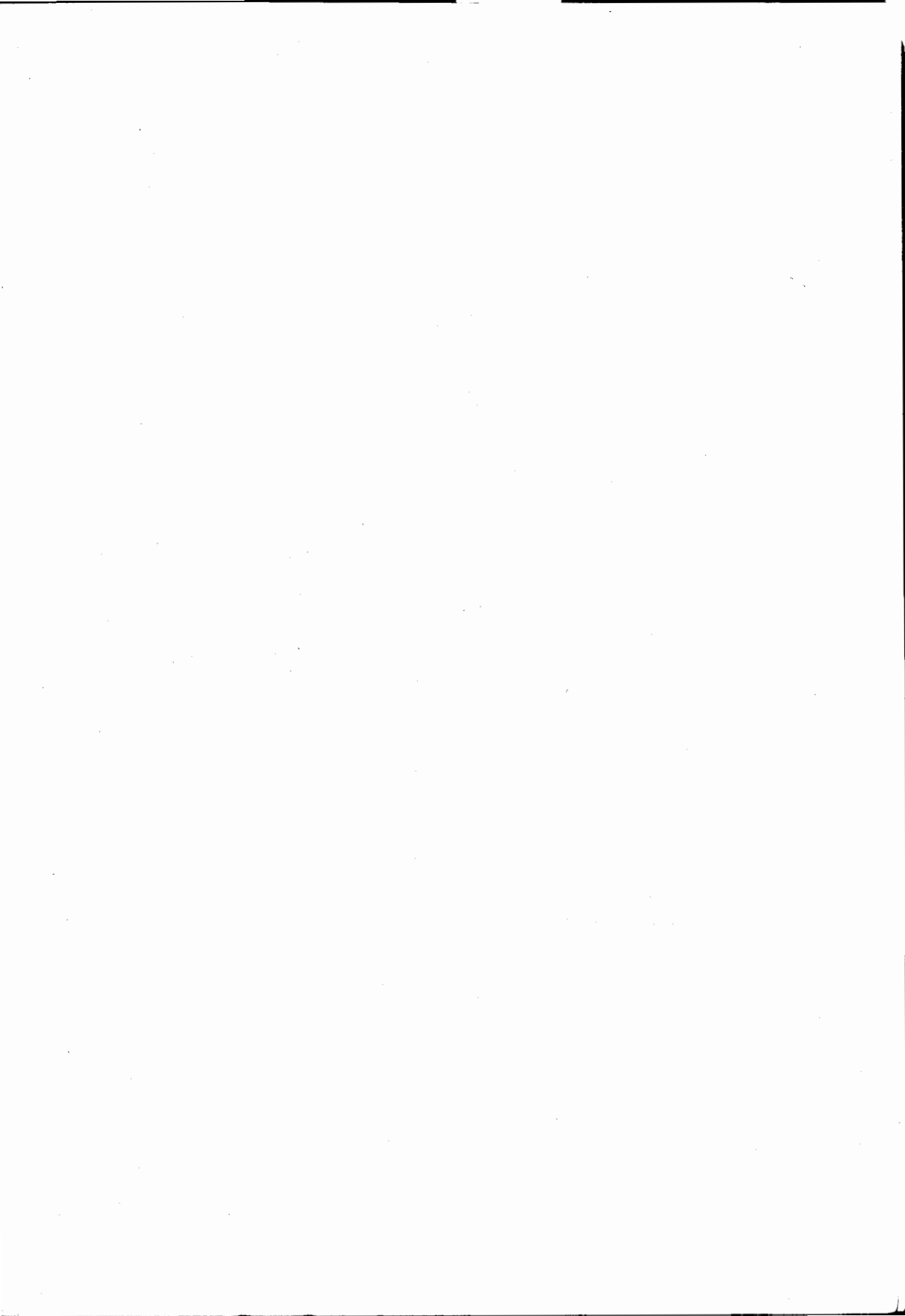


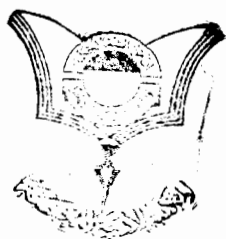
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

(پروینشگاه)



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





زبان و ادبیات فارسی

در

بوسنی و هرزگوین

از

دکتر احمد صفار مقدم



مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)

تهران: ۱۳۷۲

موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)

وابسته

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

شماره ۷۴۲

زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین

مؤلف: دکتر احمد صفار مقدم

تاریخ انتشار: ۱۳۷۲، چاپ اول، تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

طرح روی جلد: قبادشیرا، ناظر چاپ: ابوالفضل صحتی

حروفچینی: پارسی، لیتوگرافی پیچاز، چاپ و صحافی: چاپ بهمن

بها: ۵۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی مؤسسه: خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ۶۴، تهران ۱۴۳۷۴

تلفن: ۸-۶۸۶۲۷۶، ۶-۶۸۸۰۳۵، ۳-۶۸۳۲۲۲، ۶۸۶۱۵۲، ۶۸۶۳۸۱

فاکس: ۶۸۶۳۱۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۰	کشور یوگسلاوی
۲۳	جمهوری بوسنی و هرزگوین
۳۰	سارایوو از نظر تاریخی
۳۶	سارایوو امروز
۴۰	دانشگاههای یوگسلاوی
۶۳	دانشکده فلسفه سارایوو و رشته خاورشناسی
۷۰	تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین
۹۴	آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه سارایوو
۱۲۷	کلاسهای فارسی وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۱	زبان فارسی در دانشگاه بلگراد
۱۴۱	مشاهیر زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین و دانشگاه بلگراد
۱۵۵	زبان صربوکرواتی
۱۶۱	دانشکده الهیات اسلامی سارایوو
۱۶۴	مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی سارایوو
۱۷۲	کتابخانه غازی خسروبیگ سارایوو
۱۷۶	مسلمانان بوسنی و هرزگوین
۱۸۹	بوگومیلیسم، آیین پیش از اسلام در بوسنی و هرزگوین
۱۹۵	فهرست مآخذ

به نام خدا

سرزمین مسلمان نشین و زیبای بوسنی و هرزگوین، با کمال تأثر، امروز دچار یکی از بزرگترین فجایع دوران حیات خویش است و مسلمانان این جمهوری کوچک به دلیل استقلال طلبی خود متحمل صدمات و لطماتی فوق تصور گردیده اند.

آگاهی و اطلاع هموطنان ارجمند درمورد ستارایوو و به طور کلی بوسنی و هرزگوین طبیعتاً محدود است و می توان عامل معرفی و شناخته شدن این سرزمین را، بیش از هر چیز، شعله ور شدن آتش جنگ اخیر دانست در صورتی که این جمهوری یکی از مهمترین مراکز رشد و رواج زبان و ادب فارسی در شبه جزیره بالکان بوده و رایحه خوش ادبیات فارسی و کلاً فرهنگ ایرانی بوضوح در آن استشمام می شود.

مسلمانان عثمانی که بیش از چهار قرن بر این خطه از بالکان حکومت داشته و خود زیر نفوذ شعرا و ادبای برجسته ایران و به طور کلی فرهنگ ایرانی بوده اند به معرفی و ترویج زبان و ادبیات فارسی پرداخته اند. طبقات تحصیل کرده و ادب دوست بوسنی و هرزگوین به نگهداری و مطالعه آثار معتبر ادب فارسی علاقه وافری داشته اند و برخی از شعرای این سرزمین به زبان فارسی شعر سروده اند. تعدادی از آثار بزرگ ادبیات فارسی به زبان صربو کرواتی ترجمه، شرح و تفسیر گردیده است. آموزش فارسی و سخن گفتن به آن در طی قرون گذشته عامل فرهنگی ارزشمندی

محسوب شده و این ضرب‌المثل حاکی از علاقهٔ مسلمانان به فراگیری این زبان است: «در بهشت به زبان عربی تکلم می‌کنند لیکن اگر بخواهی به بهشت بررسی باید زبان فارسی بدانی.»

نام سارایوو از «سرای» فارسی گرفته شده و کلمات و اصطلاحات فارسی در میان واژگان صربوکرواتی فراوان یافت می‌شود. اسامی ایرانی همچون بهمن، کیوان، زیبا، فرهاد، فیروز، شاهین و خسرو در میان مسلمانان رایج است. تا پیش از آغاز جنگ، پنجشنبه شب هر هفته، شیفتگان مولانا جلال‌الدین رومی دوره‌م جمع شده و به خواندن اشعار مثنوی به زبان فارسی و ترجمه و تفسیر آن به صربوکرواتی می‌پرداختند. علاوه بر اینها، وجود واژگان مشترک عربی، ترکی و فارسی در صربوکرواتی و اصولاً نفوذ فرهنگ اسلامی عامل مهم برقراری رابطهٔ نزدیک بین ملت‌های ایران و بوسنی و هرزگوین است. نکتهٔ قابل توجه این که انتقال ادب و فرهنگ ایران به طور مستقیم و توسط ایرانیان صورت نیافته است.

در طول سال‌های تحصیلی ۷۱-۱۳۶۹ مأموریت تدریس فارسی در دانشگاه سارایوو از سوی مؤسسهٔ محترم مطالعات و تحقیقات فرهنگی، با نظارت دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی، به این جانب واگذار شد. اثر حاضر طی مدت مذکور دربارهٔ تاریخچهٔ زبان و ادبیات فارسی و نحوهٔ آموزش آن در جمهوری بوسنی و هرزگوین تدوین شده و با مطالبی در معرفی برخی جنبه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی یوگسلاوی، بوسنی و هرزگوین و مسلمانان این جمهوری همراه است.

در اینجا لازم می‌دانم که کمال تشکر و احترام خود را به خاطر تلاش‌های صمیمانه و برخورد‌های مهرآمیز ریاست محترم و همکاران ارجمند در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی «پژوهشگاه» و دفتر محترم همکاری‌های علمی و بین‌المللی، مقامات مسئول و برادران و خواهران گرامی در سفارت جمهوری اسلامی ایران و وابستگی فرهنگی در بلغراد و مدیریت و کارکنان مهربان دانشکدهٔ فلسفهٔ سارایوو اعلام دارم.

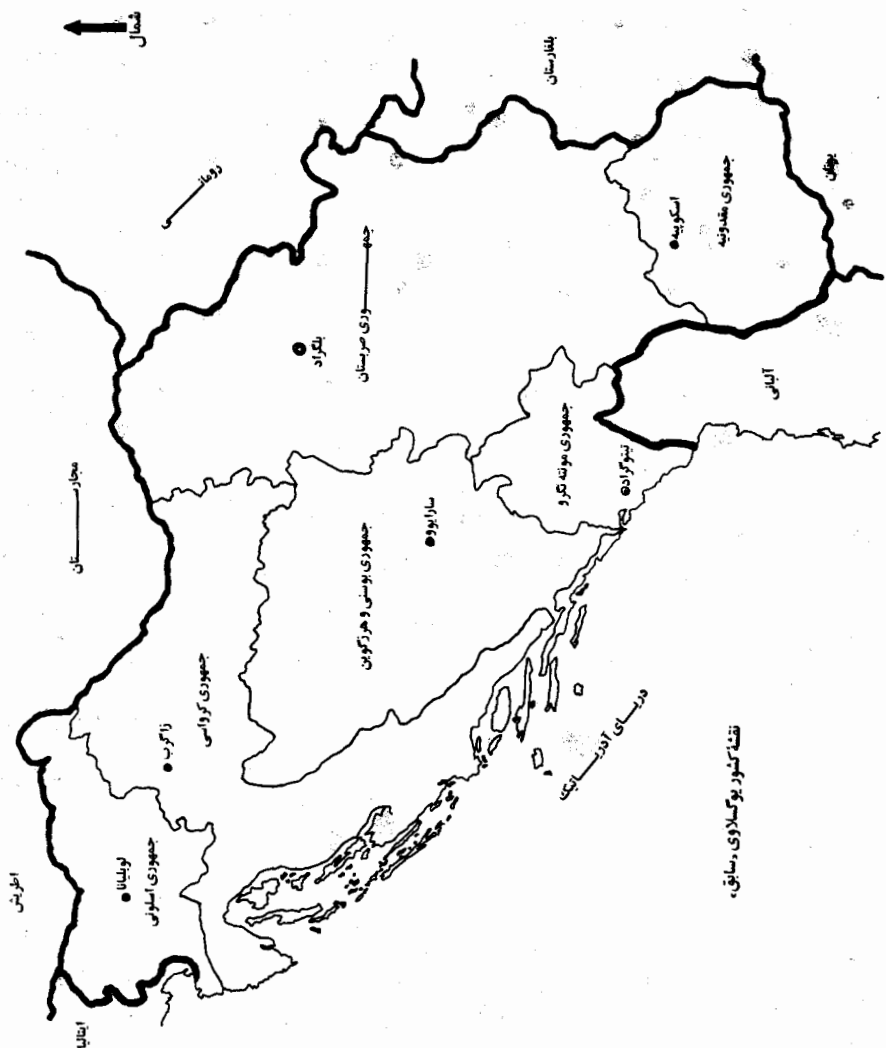
شرایط متشنج و بحرانی بوسنی و هرزگوین در خلال مأموریتم، بویژه در سال دوم، مشکلاتی برای من و خانواده‌ام ایجاد کرد که تحمل آن با کمک برادرانه آقای سید محمد باقر بهشتی، رئیس بخش فارسی دفتر همکاریهای علمی و بین‌المللی، خانم آیدا داماجیچ، مربی زبان فارسی دانشکده فلسفه سارایوو، خانم آشیدا ایتو و خانواده محترم ایشان از اهالی سارایوو که در زمره دوستان صديق فرهنگ و ادب ایران هستند، آقایان ستار سلطان شاهی و پرویز محمدی، دانشجویان ارجمند دانشکده فلسفه سارایوو و آقای محمد تیرت، دانشجوی دکتری کشاورزی اهل سوریه برایمان آسان گردید. از این عزیزان و نیز از همکاران گرامی مدیریت نشر و ویرایش پژوهشگاه که برای چاپ این مجموعه متحمل زحمت شده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

کشور یوگسلاوی

نام یوگسلاوی به معنی سرزمین اسلاوهای جنوب است و از آنجا ناشی می شود که اقوام اسلاو از جنوب سرزمینهای اسلاونشین اتحاد شوروی و لهستان کنونی به این ناحیه مهاجرت نمودند و بیشتر جمعیت فعلی کشور را تشکیل می دهند. این اقوام به شش ملت تعلق دارند که عبارتند از مسلمانان، کرواتها، مونته نگروییها، صربها و اسلونیاویها. گروههایی از ملیتهای دیگر از جمله آلبانیاییها، آلمانیها، مجارها، اسلواکها و ترکها نیز در کشور یوگسلاوی سکونت دارند.

کشور کوهستانی یوگسلاوی که در شبه جزیره بالکان و کناره دریای آدریاتیک قرار دارد دارای ۲۵۵۸۰۴ کیلومتر مربع مساحت است و محدود می شود از شمال به اتریش و مجارستان، از مشرق به رومانی و بلغارستان، از جنوب به یونان و از مغرب به دریای آدریاتیک و ایتالیا. طول سواحل کشور یوگسلاوی در دریای آدریاتیک به ۲۰۹۲ کیلومتر بالغ می شود.

یوگسلاوی مرکب از شش واحد اصلی به نام جمهوری سوسیالیستی است که باتوجه به مرزهای تاریخی ملیتهای عمده آن تشکیل یافته و عبارتند از بوسنی و



نقشه کشور یوگسلاوی سابق،

هرزگوین Bosna i Hercegovina* (مرکز آن سارایوو Sarajevo)، کرواسی Hrvatska (مرکز آن زاگرب Zagreb)، مقدونیه Makedonija (مرکز آن اسکوپیه Skopje)، مونته نگرو Monte Negro (مرکز آن تیتوگراد Titograd)، صربستان Srbija (مرکز آن بلگراد Beograd) و اسلونی Slovenija (مرکز آن لوبلیانا Ljubljana). صربستان دو ایالت خودمختار کوزوو Kosovo (مرکز آن پریشتینا Priština) و ویودینا Vojvodina (مرکز آن نوپسادی Novi Sad) را که اقلیتهای قومی متعددی دارند دربر می گیرد.

وجود اقوام مختلف در یوگسلاوی موجب غنا و تنوع فرهنگی آن گردیده است اما اختلافات مذهبی، زبانی و سنتی به منازعات تلخی در میان این اقوام منجر شده و وحدت آنها را دشوار ساخته است. این کشور دارای سه مذهب اصلی، سه زبان رسمی و دو الفباست.

مناطق که اینک یوگسلاوی را تشکیل می دهند، بالاخره پس از قرنهای جدایی، در سال ۱۹۱۸ به عنوان یک کشور سلطنتی متحد شدند. در سال ۱۹۴۵ یوگسلاوی به رهبری یوسپ بروزتیتو Josip Broz Tito کشوری کمونیستی شد که کمونیسم خاص خود را داشت و از کنترل اتحاد شوروی خارج بود. تیتو تا هنگام مرگ خود در سال ۱۹۸۰ رهبری یوگسلاوی را در دست داشت. او همچنین سخننگوی کشورهای غیرمتعهد جهان سوم بود.

* در مورد تلفظ اسامی خاص و واژه هایی که از زبان صربوکروات با املاي آن زبان در این اثر نقل شده توجه خوانندگان گرامی به این نکته جلب می شود که حروف الفبای لاتین در زبان صربوکروات عموماً و به طور کلی صداهاى شناخته شده و رایج در ایران را دارند. چند علامت نوشتاری که معادل آوایی آنها نیاز به توضیح دارد عبارتند از ž، ǝ که برابر آنها در فارسی به ترتیب ی، ش، ژ می باشد. نزدیکترین معادل برای دو نشانه متفاوت Ć و Č صدای چ و معادل علائم دوگانه đz و dz و نیز D یا d صدای ج در فارسی است. ضمناً تکیه بر هجاویا یکی از هجاهای ماقبل آخر قرار می گیرد.

جمعیت

حدود ۸۵٪ مردم یوگسلاوی به شش ملیت اسلاو تعلق دارند. این ملیتها برحسب کثرت جمعیت عبارتند از صربها، کرواتها، مسلمانان، اسلونیاویها، مقدونیه‌ها و مونته‌نگروییها. مهمترین اقوام غیراسلاو در یوگسلاوی آلبانیاییها و مجارها هستند. اقوام دیگر این کشور عبارتند از چکها، آلمانیها، کولیها، ایتالیاییها، اسلواکها و ترکها. یوگسلاوی جمعیتی در حدود ۲۵ میلیون دارد. حدود ۴۶٪ مردم در شهرها سکونت دارند. جمعیت شهری با هجوم روستائیان به شهرها برای اشتغال در صنایع روبه افزایش است. تقریباً یک و نیم میلیون نفر در بلغراد زندگی می‌کنند. زاگرب، دومین شهر بزرگ، حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. دیگر شهرهای عمده عبارتند از اسکوپیه، سارایوو، لوبلیانا، نویساد، اسپلیت Split، نیش Niš و پریشتینا.

زبان

یوگسلاوی سه زبان رسمی و دو الفبا دارد. یکی از زبانهای رسمی به‌لادو شکل متفاوت صربوکروات یا کرواتو صربی است و دو زبان دیگر عبارتند از اسلونیاوی و مقدونی. این زبانها باهم پیوستگی نزدیک دارند. صربوکروات رایجترین زبان یوگسلاوی است که صربها، مونته‌نگروییها و بیشتر اهالی بوسنی بدان تکلم می‌کنند و آن را با الفبای سیریل و لاتین می‌نویسند. کرواتها به کرواتو صربی سخن می‌گویند و با الفبای لاتین می‌نویسند. اسلونیاوی که عمدتاً در اسلونیا به کار می‌رود به لاتین نوشته می‌شود و بالاخره زبان مقدونی بیشتر در مقدونیه تکلم می‌شود و حروف آن سیریل است.

ملیتهای دیگر یوگسلاوی از زبانهای خود نیز استفاده می‌کنند. قانون اساسی یوگسلاوی حق استفاده از زبانهای بومی توسط این ملیتها در تجارت، دادگاه و مدارس را به رسمیت می‌شناسد. بسیاری از یوگسلاوها به بیش از یک زبان سخن

می‌گویند.

مذهب

مذهب در زندگی بسیاری از مردم بخصوص در مناطق روستایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. حدود ۴۰٪ کل جمعیت از جمله اکثریت مقدونیها، مونته‌نگرویها و صربها از کلیسای ارتدوکس شرقی پیروی می‌کنند. تقریباً ۳۰٪ مردم پیرو کاتولیک رومی هستند که بیشتر کروواتها و اسلونیاییها را دربر می‌گیرد. حدود ۱۰٪ مسلمان هستند که بیشتر در بوسنی و هرزگوین زندگی می‌کنند.

اقتصاد

از زمان جنگ جهانی دوم، کمونیستها تلاش داشتند که یوگسلاوی را از یک کشور کشاورزی به یک کشور صنعتی تبدیل کنند. دولت برنامه‌هایی اقتصادی برای تشویق رشد صنعت و ارتقاء سطح زندگی مردم ارائه داد. این برنامه‌ها ابتدا توسط مقامات دولتی به اجرا گذاشته می‌شد ولی در دهه ۱۹۵۰ دولت روش مدیریت خودگردانی را متداول ساخت. مطابق این روش، برنامه‌ریزی اقتصادی در مؤسسات، کارخانجات و معادن توسط کارگران انجام می‌شود. یک شورای کارگری در هر مؤسسه وظیفه تعیین اهداف تولید، نرخها و دستمزدها در چارچوب خط‌مشی دولتی را برعهده دارد.

قبل از جنگ جهانی دوم ۵۰٪ کلیه کالاها و خدمات تولیدی در یوگسلاوی به کشاورزی تعلق داشت و حدود $\frac{3}{4}$ کل کارگران کشاورز بودند. امروز حدود ۱۵٪ کل تولیدات کشور در مقایسه با ۵۰٪ صنعت و ۳۵٪ خدمات صنعتی در زمینه کشاورزی است. هنوز ۳۰٪ کل کارگران در بخش کشاورزی به کار مشغولند ولی تعداد این کارگران رو به کاهش است زیرا کشاورزان به‌طور فزاینده‌ای در پی مشاغل پردرآمد در شهرها هستند.

منابع طبیعی

۵۸٪ سطح کشور زمین کشاورزی است و ۳۵٪ جنگل. یوگسلاوی معادن آلومینیوم، آنتیموان، ذغال سنگ، مس، آهن، سرب و سنگ منیزیم دارد. نفت و گاز هم در دشتهای پانونیان (در شمال مرکزی و مهمترین منطقه کشاورزی یوگسلاوی) و دریای آدریاتیک استخراج می شود. بیش از ۵۰٪ نیروی برق یوگسلاوی تولید نیروگاههایی است که از ذغال سنگ، نفت و یاز گاز طبیعی استفاده می کنند. نیروگاههای هیدروالکتریک حدود ۴۰٪ نیروی برق را تأمین می کنند و بقیه برق مورد نیاز کشور در نیروگاه اتمی نزدیک زاگرب تولید می شود.

صنعت

حدود ۸۵٪ تولیدات صنعتی یوگسلاوی محصول کارخانجات دولتی است و بقیه از واحدهای غیردولتی به دست می آید. بیشتر صنایع یوگسلاوی در اسلونی و کرواسی فعالیت دارند و آلومینیوم، اتومبیل، سیمان، مواد شیمیایی، پوشاک، آهن، فولاد، ماشین آلات، محصولات چوبی و فلزی، غذاهای آماده و منسوجات تولید می کنند. محصول کارخانجات دشتهای پانونیان آرد، شکر، منسوجات و دخانیات است و بالاخره شهرهای ساحلی ریکا Rijeka و اسپلیت مرکز کشتی سازی می باشد.

صنعتگران در کارگاههای کوچک و شخصی خود به سبدهافی، قالی بافی، صنایع چوبی و انواع کالاهای دستی دیگر مشغولند. صنایع کاردستی یوگسلاوی با رشد جهانگردی به سرعت افزایش یافته است. بسیاری از خارجیان برای کارهای دستی که معرف فرهنگ بومی است ارزش زیادی قائلند.

کشاورزی

حدود ۸۵٪ زمینهای قابل کشت یوگسلاوی در مالکیت شخصی است. دولت سطح مزارع شخصی را به ده هکتار محدود کرده است. مزارع بزرگ به صورت تعاونی دولتی اداره می شود. در تعاونیها کارگران در مورد نوع محصول تصمیم می گیرند و در درآمد آن سهیمند. مزارع دولتی در مالکیت دولت بوده و توسط دولت اداره می شود. در تعاونیها و مزارع دولتی تجهیزات مدرنی وجود دارد ولی بسیاری از خرده مالکان از روشها و ابزارهای ابتدایی استفاده می کنند. در نتیجه، با این که فقط ۵٪ نیروی کار کشاورزی در تعاونیها و مزارع دولتی به کار مشغولند این نهادها تولیدات بیشتری نسبت به بخش خصوصی دارند. محصولات عمده کشاورزی یوگسلاوی عبارت است از غله، چغندر قند، گندم، جو، سیب زمینی، تنباکو، انگور، زیتون، آلو و سایر میوه ها. پرورش گاو و گوسفند و خوک هم در این کشور رواج دارد.

تجارت

کشور یوگسلاوی تا چند سال گذشته بیش از همه با شوروی، ایتالیا و آلمان غربی داد و ستد داشته است. اقلام مهم صادراتی این کشور عبارت است از آلومینیوم، پوشاک و منسوجات، محصولات جنگلی، ماشین آلات، گوشت، کالاهای فلزی و وسایل نقلیه. واردات مهم کشور مواد شیمیایی، نفت خام، آهن و فولاد و ماشین آلات غیربرقی می باشد.

ارزش واردات یوگسلاوی بیش از صادرات آن است. درآمد صنعت توریسم این نابرابری را تا اندازه ای جبران می کند. گذشته از این، بسیاری از مردم که در خارج به کار مشغولند به کشور ارز وارد می کنند. کشتی های باربری یوگسلاوی که برای سایر کشورها بار حمل می کنند ارز آورند. مجموعه درآمد ارزی از این منابع ارزش صادرات یوگسلاوی را با واردات آن برابر می کند.

تاریخ

سرزمینی که اینک یوگسلاوی نام دارد از هزاران سال پیش مسکونی بوده است. نخستین ساکنان این ناحیه که از آنها در تاریخ نام برده شده ایلیریا و تراچیا بودند که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش در اینجا می‌زیستند. یونانیان در سده هفتم قبل از میلاد درکناره دریای آدریاتیک ساکن شدند و قبایل سلت ۱۰۰ سال بعد به این سرزمین کوچ کردند.

رومیان از سده چهارم قبل از میلاد به شبه جزیره بالکان هجوم آوردند و تا زمان میلاد مسیح تمامی شبه جزیره را به تصرف خود درآوردند. در سال ۳۹۵ میلادی امپراطوری روم به دو بخش غربی و شرقی تقسیم شد. امپراطوری روم غربی مناطقی را که اکنون کرواسی و اسلونی نام دارد و نیز قسمتی از بوسنی را در اختیار داشت و امپراطوری روم شرقی یا بیزانس بر مقدونیه، مونته نگرو و صربستان کنونی حکومت می‌کرد. تقسیم‌بندی فوق بر تاریخ این سرزمین تا امروز اثر گذاشته است. مردمی که در نواحی تحت حکومت امپراطوری بیزانس سکونت داشتند مذهب ارتدوکس شرقی و الفبای سیریل را پذیرفتند و ساکنان دیگر نقاط پیرو کاتولیک رومی شدند و الفبای رومی را اختیار کردند.

در قرن ششم گروه‌هایی از اسلاوها کم کم به ناحیه یوگسلاوی کنونی نقل مکان کردند. آنها از مناطقی مهاجرت کردند که اینک جنوب لهستان و اتحاد شوروی می‌باشد و به اسلاوهای جنوب معروف شدند. هر گروه اسلاو که رهبران و فرهنگ خاص خود را داشتند برای خود کشور مستقلی تشکیل دادند. مثلاً کرواتها کرواسی را بنا نهادند و صربها صربستان را تأسیس کردند ولی تا سال ۱۴۰۰ قدرتهای خارجی تمامی سرزمینهای اسلاوهای جنوب را تحت کنترل خود درآوردند. اطریش بر اسلونی حکومت داشت و مجارستان بر کرواسی. ترکها صربستان را که مقدونیه و مونته نگروی کنونی را دربر می‌گرفت در اختیار داشتند و بر بوسنی و هرزگوین نیز فرمانروایی می‌کردند، و بالاخره ونیزها ناحیه ساحلی دالماسی را که

اکنون قسمتی از کرواسی است در کنترل خود داشتند.

جنبش وحدت اسلاوهای جنوب در اوایل قرن نوزدهم آغاز شد. اسلونی و کرواسی از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۵ تحت حکومت ناپلئون اول، امپراتور فرانسه، متحد شدند. این مدت کوتاه وحدت الهامبخش اسلونیاییها و کرواتها شد تا در جهت اتحاد و یکپارچگی تمامی اسلاوهای جنوب تلاش نمایند. صربستان که در سال ۱۸۷۸ از ترکیه مجزا شد به این وحدت علاقمند گردید ولی امپراطوری اتریش - مجارستان* که بر اسلونی و کرواسی حاکمیت داشت نه تنها از اعطای استقلال به آنها خودداری ورزید بلکه با تصرف بوسنی و هرزگوین سرزمینهای تحت حکومت خود را در منطقه توسعه بخشید.

در اوایل قرن بیستم جنبش وحدت اسلاوهای جنوب اوج یافت. در روز ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۴ گاوریلو پرینتسپ Gavrilo Princip، میهن پرست صرب و اهل بوسنی، فرانتس فردیناند، ولیعهد اتریش - مجارستان را در سارایوو از پای درآورد. امپراطوری اتریش - مجارستان بر این عقیده بود که نقشه قتل توسط صربستان طراحی شده و از این رو به صربستان اعلان جنگ داد و همین امر شروع جنگ جهانی اول را در پی داشت. اتریش - مجارستان در سال ۱۹۱۸ شکست خورد و اسلاوهای جنوب برای تأسیس کشور مستقل خود آزاد شدند.

در تاریخ اول دسامبر ۱۹۱۸ کشور جدیدی با رژیم پادشاهی به نام پادشاهی صربها، کرواتها و اسلونیاییها شکل گرفت که بوسنی و هرزگوین، کرواسی، دالماسی، مونته نگرو، صربستان و اسلونی را در برداشت. پتر اول، حاکم صربستان، پادشاه کشور جدید شد ولی به علت کهولت و بیماری، فرزندش الکساندر به عنوان نایب السلطنه زمام امور را در دست گرفت. پتر در سال ۱۹۲۱ درگذشت و الکساندر به پادشاهی رسید.

* امپراطوری اتریش - مجارستان: حکومت مشترک دو کشور اتریش و مجارستان از سال ۱۸۶۷ تا سال ۱۹۱۸.

اندکی بعد در کشور پادشاهی جدید مشکلاتی بروز کرد. اسلونیاییها و کرواتها براین عقیده بودند که صربها از قدرت حکومتی بیش از حدی برخوردارند و به این جهت خواستار اختیارات بیشتری در امور داخلی خود شدند. از این گذشته، تعدد ملیتها وحدت را دشوار ساخته بود.

رژیم سلطنتی در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۱ مشروطه تعیین شده بود ولی پطر قانون اساسی را لغو و دیکتاتوری آغاز کرد. نام کشور را به «یوگسلاوی» تغییر داد و کوشید تا اقوام مختلف را با اجبار به کاربرد یک زبان واحد متحد سازد. بعلاوه، تقسیمات سیاسی جدیدی ایجاد کرد که در آن مرزهای تاریخی ملیتها در نظر گرفته نشده بود. همچنین احزاب سیاسی را منحل و مطبوعات را محدود ساخت. اعمال الکساندر تنها به وخامت بیشتر روابط بین ملیتها انجامید. وی در سال ۱۹۳۴ به دست تروریستهای کروات به قتل رسید و چون فرزندش، پطردوم، بیش از یازده سال نداشت پسرعمویش پرنس پل به جای او حکومت را در دست گرفت. پل سیاست الکساندر را دنبال کرد و به این ترتیب منازعات بین اقوام ادامه یافت.

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ بین نیروهای متحدین به رهبری آلمان و ایتالیا، و نیروهای متفقین به رهبری انگلستان و فرانسه آغاز شد. از آنجا که یوگسلاوی آماده جنگ نبود دولت این کشور تصمیم گرفت که با هر دو طرف روابط دوستانه داشته باشد ولی تحت فشار آلمانها در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۱ به نیروهای متحدین پیوست. در پی این جریان ارتش طغیان کرد، حکومت پل را واژگون ساخت و پطر ۱۷ ساله بر تخت نشست. در تاریخ ششم آوریل ۱۹۴۱ آلمان به یوگسلاوی حمله کرد و ارتش این کشور پس از ۱۱ روز تسلیم شد. آلمان و دیگر نیروهای متحدین یوگسلاوی را به تصرف خود درآوردند و در نتیجه نهضتهای مقاومت در بین مردم یوگسلاو شکل گرفت. بخشی از مردم به پارتیزانها به رهبری تیتو و حزب کمونیست پیوستند و بقیه به چتتیکها به رهبری دراژا میخایلوویچ ملحق شدند. پارتیزانها از تأسیس حکومت

کمونیستی در یوگسلاوی طرفداری می‌کردند و چتینیکاها از حکومت پطر. بالاخره پارتیزانها به کمک متفقین بر چتینیکاها پیروز شدند و با حمایت مردم در نوامبر سال ۱۹۴۳ حکومتی موقتی در یائیتسه Jajce تشکیل دادند. آنها با یاری نیروهای متفقین در سال ۱۹۴۴ بلگراد را از اشغال متحدین خارج ساختند و تا پایان جنگ در سال ۱۹۴۵ تمامی یوگسلاوی تحت کنترل کمونیستها درآمد.

در تاریخ ۲۹ نوامبر سال ۱۹۴۵ یوگسلاوی به صورت جمهوری درآمد و جمهوری فدرال مردم یوگسلاوی لقب یافت. یوگسلاوی متحد نزدیک شوروی بود ولی تیتو مانع اعمال کنترل شوروی بر یوگسلاوی شد. در سال ۱۹۴۸ ژوزف استالین، دیکتاتور شوروی، روابط خود را با یوگسلاوی قطع کرد و سازمان ملتهای کمونیست یوگسلاوی را اخراج و کمکهای خود را قطع نمود. بنابراین یوگسلاوی برای دریافت کمکهای نظامی و اقتصادی به غرب روی آورد و این کمکها را از سال ۱۹۵۱ از آمریکا دریافت نمود. روابط شوروی و یوگسلاوی در سال ۱۹۵۵، دوسال پس از مرگ استالین، از سر گرفته شد.

تحولات اخیر

در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ تغییرات قانون اساسی یوگسلاوی اختیارات بیشتری به جمهوریها تفویض کرد ولی خواست بسیاری از کرواتها استقلال کامل بود. از دهه ۱۹۶۰ برخی گروههای کروات برای قبولاندن خواسته‌هایشان به روشهای تروریستی متوسل شدند. در اوایل دهه ۱۹۷۰ تعدادی از رهبران کمونیست کروات به دلیل حمایت از جنبش استقلال از حزب کمونیست اخراج شدند.

در سال ۱۹۷۴ یک شورای نه نفره از نمایندگان جمهوریها و ایالات خودمختار به نام «ریاست جمهوری» برای اداره حکومت کشور تشکیل شد و تیتو سمت رهبر و رئیس شورا را داشت. این شورا از آن جهت تشکیل شد که پس از استعفا یا مرگ تیتو رهبری کشور را برعهده گیرد. تیتو در ماه مه ۱۹۸۰ درگذشت و هریک از

نمایندگان در نوبتهای یک ساله مسئولیت ریاست شورا را عهده دار شدند. رهبران یوگسلاوی راه مستقل تیتورا در امور بین المللی ادامه دادند.

اقتصاد یوگسلاوی از اواخر دهه ۱۹۷۰ قوس نزولی پیمود و کشور دچار تورم شدید گردید. بین مناطق کوزوو، مقدونیه و مونته نگرو از یک طرف و نواحی پیشرفته و ثروتمندتر کشور شکاف قابل توجهی به وجود آمد.

در طول دهه ۱۹۸۰ نظام آینده سیاسی کشور مورد بحث و گفتگوی فراوان قرار گرفت. بسیاری از مردم خواهان تحولات عمده ای شدند به عنوان مثال درخواست تأسیس احزاب سیاسی جدید در مقابل حزب کمونیست و اعطای حق انتخاب به رأی دهندگان را مطرح ساختند.

دگرگونیهای سیاسی سالهای اخیر در دنیای کمونیسم به رهبری میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد شوروی، که عملاً به حصول آزادیهای سیاسی در کشورهای لهستان، چکسلواکی و مجارستان و نیز اضمحلال پیمان ورشو و برچیده شدن دیوار برلین انجامید، تضعیف و انحلال حزب کمونیست یوگسلاوی را به دنبال داشت به طوری که جلسه فوق العاده این حزب در سال ۱۹۸۹ هرگز رسمیت نیافت. به دنبال این امر در جمهوریهای مختلف یوگسلاوی احزاب متعددی تأسیس شد و انتخابات آزاد برای تعیین مقامات جدید سیاسی کشور برگزار گردید. اسلونی و کرواسی حتی قانون اساسی خود را تغییر دادند. در صربستان و مونته نگرو نام حزب کمونیست به حزب سوسیالیست تغییر یافت ولی کمونیستها عملاً در رأس امور باقی ماندند. در بوسنی و هرزگوین و نیز مقدونیه هنوز قانون اساسی قبلی برجاست ولی کمونیستها در حکومت این دو جمهوری فاقد نقش سیاسی می باشند.

در حال حاضر کشور یوگسلاوی با دو مشکل اساسی روبروست: اول، نابسامانی سیاسی و دوم، رکود اقتصادی. معضل سیاسی امروز، اداره جمهوریهای کشور

به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز است. صربها که مقامات حساس حزب کمونیست را در چند دهه گذشته در اختیار داشته‌اند و عملاً در اداره امور همه مناطق کشور ارای اختیاراتی بوده‌اند برایجاد حکومت مرکزی و تبعیت جمهوریها از این حکومت اصرار دارند و مخالف حاکمیت عملی جمهوریها می‌باشند. اسلونی، کرواسی و مقدونیه برحاکمیت هریک از جمهوریها تأکید می‌ورزند و حتی اسلونی درصدد جدا شدن از کشور یوگسلاوی است. جمهوری بوسنی و هرزگوین ضمن ترجیح حاکمیت هریک از جمهوریها، با تجزیه و تلاشی کشور شدیداً مخالفت می‌نماید. این اختلافات به درگیریهای سیاسی شدیدی انجامیده و اوضاع کشور را آشفته کرده است.

اقتصاد یوگسلاوی رویهمرفته به گونه‌ای وخیم درآمده است. دو دهه ۶۰ و ۷۰ در برنامه بازسازی اقتصادی یوگسلاوی به سرمایه‌گذاری و تولید اقتصادی اختصاص یافته بود و پیش‌بینی می‌شد که وام بیست و چند میلیارد دلاری این کشور از سال ۱۹۸۰ بازپرداخت شود درحالی که پرداخت بخش عمده این وام به تعویق افتاده است. در این کشور، طبق نظام کمونیستی، سیستم اقتصاد غیررقابتی دولتی حاکم بوده که از نظر روابط اقتصادی مشکلاتی پدید آورده است و بالاخره در یکی دو سال گذشته درآمد سیاحت و جهانگردی یوگسلاوی که بخشی از درآمد ارزی کشور را تشکیل می‌دهد به دلیل اغتشاشات سیاسی آسیب فراوان دیده است.

جمهوری بوسنی و هرزگوین

شهرت جمهوری بوسنی و هرزگوین بیشتر به خاطر قتل فرانسیس فردیناند، ولیعهد اتریش به سال ۱۹۱۴ در سارایوووست که آتش جنگ جهانی اول را برافروخت. این جمهوری با این که تلاشهایی در جهت مدرن و صنعتی کردن آن به عمل آمده اصولاً کشاورزی باقی مانده و جزو نواحی غیر ثروتمند یوگسلاوی محسوب می شود ولی به خاطر غنای تاریخ و تنوع مذاهب آن نسبت به پنج جمهوری دیگر کشور یوگسلاوی دارای درخشندگی خاصی است.

بوسنی و هرزگوین مساحتی در حدود ۵۱۲۸۰ کیلومتر مربع دارد و جمعیت آن مطابق سرشماری یکی دوماه گذشته * ۴۳۵۵۰۰۰ نفر است. غالباً از آن به عنوان «قلب یوگسلاوی» یاد می کنند و عملاً واقع در مرکز کشور و متمایل به غرب است و به طور تقریب شکل مثلث قائم الزاویه ای را دارد که قاعده آن در سمت جنوب غربی یوگسلاوی است. این جمهوری محدود است از مشرق به مونته نگرو و صربستان و از دو طرف دیگر به کرواسی و دالماسی و ضمناً دارای باریکه ای در

ساحل دریای آدریاتیک در جنوب غربی است. رودهای ساوا و درینا Drina به ترتیب بخش عمده‌ای از مرزهای شمالی و شرقی آن را تشکیل می‌دهند. پایتخت و بزرگترین شهر بوسنی و هرزگوین سارایوووست که در بوسنی قرار دارد و شهر مهم و مرکز ایالت هرزگوین موستار است.

جمعیت

جمعیت این جمهوری اصولاً اسلاوی جنوب است. در سرشماری سال ۱۹۶۱، ۴۲٪ خود را صربی، ۲۵٪ مسلمان، و ۲۱٪ خود را کروات معرفی کردند. ۸٪ دیگر مایل بودند که فقط یوگسلاو خوانده شوند. این ارقام نمایانگر وضعیت خاص منطقه از نظر مذهبی است. در دوران تسلط عثمانیها (۱۸۷۸-۱۴۶۳) خیلی از اهالی بوسنی به اسلام گرویدند و امروز دارای هویت اسلامی هستند. نتیجه سرشماری ۱۹۹۱ به این شرح است: مسلمانان ۴۴٪، صربها ۳۱٪، کرواتها ۱۷٪ و یوگسلاو ۵٪. مقایسه این دو آمار رشد جمعیت مسلمان این جمهوری را بخوبی نشان می‌دهد. ضمناً چند درصد باقی مانده از آمار فوق مربوط به اقوام و ملیتهای دیگر ساکن بوسنی و هرزگوین است.

زبان و مذهب

صربوکرواتی زبان رسمی بوسنی و هرزگوین است که به دو الفبای سیریل و لاتین نوشته می‌شود و یکی از زبانهای رسمی یوگسلاوی به شمار می‌رود. مذاهب اصلی عبارتند از ارتدوکس، کاتولیک و اسلام که هر کدام فعالیتها و نهادهای خاص خود را دارند.

منابع طبیعی و اقتصادی

سرزمین بوسنی و هرزگوین بیشتر کوهستانی و دارای آب و هوای سرد است.

مناطق غربی بخصوص در نزدیکی سواحل دریای آدریاتیک و رودخانه نرتوا Neretva آب و هوای مدیترانه‌ای دارد. رودخانه‌های اونا Una، ورباس Vrbas، بوسنا و درینا قابل کشتیرانی نیست و می‌توان تنها با قایق‌های کوچک در آنها رفت و آمد کرد. بوسنی و هرزگوین از نظر منابع جغرافیایی از جمله دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های آب معدنی غنی است.

حدود نیمی از این سرزمین پوشیده از جنگل است. یک چهارم مناسب کشت و بقیه بایر بوده و یا به عنوان مرتع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در هرزگوین و نواحی محفوظ‌تر بوسنی ذرت، زیتون، انگور، توت، انجیر، انار، خربزه، پرتقال، لیمو، برنج و تنباکو به عمل می‌آید. منطقه بوسنی و هرزگوین از مراکز عمده گله‌داری محسوب می‌شود. بوسنی دارای کانیهای متنوع از جمله ذغال سنگ، آهن، مس، کروم، منگنز، نمک، روی و بخصوص مرمر و سنگ ساختمانی عالی است. در زمان رومیها و نیز در قرون وسطی طلا و نقره در مناطق کوهستانی استخراج می‌شده است.

بوسنی و هرزگوین در دوران حکومت عثمانی به طور کلی منطقه کم‌ثروتی بوده و اتکای زیادی بر کشاورزی داشته است. درآمد سرانه مردم این جمهوری در سالهای اخیر حدود دوسوم درآمد سرانه ملی و نصف درآمد سرانه پیشرفته‌ترین جمهوری یوگسلاوی یعنی اسلونی بوده است. اتکا به کشاورزی رویه کاهش گذاشته و به معادن و تولیدات صنعتی توجه بیشتری مبذول می‌شود.

به خاطر وجود جنگلهای فراوان، صنعت چوب در جمهوری بوسنی و هرزگوین از اهمیت اقتصادی زیادی برخوردار است.

تاریخ

با این که سرزمین بوسنی و هرزگوین جزئی از امپراطوری روم بوده است تاریخ این سرزمین در واقع از قرون وسطی شروع می‌شود که پادشاهی جداگانه‌ای در بوسنی از نظر قدرت و مقام با دولتهای همسایه مجار، کروات، صرب و بیزانس

به رقابت پرداخت. در دوران حکومت استفان تورتکو Stjepan Tvrtko (۱۳۵۲-۱۳۹۱) بوسنی به اوج قدرت رسید. منطقه بوسنی در این دوره بویژه به خاطر کشمکشهای مذهبی مورد توجه قرار داشت. مردم بوسنی که در میان دو منطقه رواج کاتولیک و ارتدوکس می زیستند نه تنها بین این دو مذهب تقسیم شدند بلکه به شدت تحت تأثیر فرقه جدید بوگومیل Bogomil قرار گرفتند. اذیت و آزاری که نسبت به پیروان این فرقه اعمال می شد راه را برای پیروزی مسلمانان گشود. در سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه در برابر ارتش امپراطوری عثمانی سقوط کرد و در نیمه دوم این قرن هم بوسنی و هم هرزگوین به اشغال نیروهای مسلمان عثمانی درآمد. (بوسنی در سال ۱۴۶۳ و هرزگوین در سال ۱۴۶۷ و اندکی بعد)

نفوذ مسلمانان (۱۴۶۳-۱۸۷۸)

برخلاف وضعیت سایر نواحی شبه جزیره بالکان اکثر نجبای کشور و سران طبقه کشاورز که از فرقه مذهبی بوگومیل پیروی می کردند دین اسلام را پذیرفتند. بنابراین نجبا توانستند تحت حکومت اسلام هم زمینها و هم نفوذ سیاسی خود را حفظ نمایند. بقیه ساکنان عمدتاً مسیحی ماندند. به این ترتیب در بوسنی و هرزگوین نجبای مسلمان اسلاو که به صربوکرواتی تکلم می کردند بر جمعیت روستایی مسیحی و مسلمان تسلط یافتند.

از قرن چهاردهم تا هفدهم ارتش مسلمان عثمانی در اروپا تاخت و تاز می کرد. از آن پس روسیه و اطریش بتدریج توانستند مرزهای عثمانی را به عقب برگردانند. پس از چندین جنگ، بین سالهای ۱۶۸۸ و ۱۷۳۹، امپراطوری اطریش توانست مرز خود را به بوسنی برساند که تا سال ۱۸۷۸ باقی بود. در طول این مدت ولایات بوسنی و هرزگوین تحت تسلط اشراف مسلمان بود که با محافظه کاری حکومت می کردند، نسبت به اختیارات محلی خود حساس بودند و از مداخله قسطنطنیه رنجش داشتند.

قرن نوزدهم شاهد شورشهایی در این منطقه بود. اولین شورشها را در سالهای ۱۸۲۱، ۱۸۲۸، ۱۸۳۱ و ۱۸۳۹ زمین‌داران بزرگ که مخالف اصلاحات اداری و اعمال محدودیت در قدرت محلی خود بودند به راه انداختند. در سال ۱۸۵۰ ارتش عثمانی برای اعمال قدرت حکومت مرکزی وارد ولایات بوسنی و هرزگوین شد. طغیانهای نیمه دوم قرن در سالهای ۱۸۵۸، ۱۸۶۱ و ۱۸۶۲، برعکس، حاصل نارضایتی دهقانان بود. هدف آنها این بود که اصلاحاتی را که امپراطوری عثمانی در اثر فشار مردم وعده داده بود عملی سازد.

در سال ۱۸۷۵ شورش هرزگوین به بحرانی عمومی در اروپا انجامید. در آن سال دهقانان مجدداً شورش کردند و دولت عثمانی از سرکوب جنبش ناتوان ماند. قدرتهای بزرگ وساطت کردند ولی با شکست روبرو شدند. صربستان و مونته نگرو در حین مذاکرات با امپراطوری عثمانی اعلان جنگ دادند و این جنگ در سال ۱۸۷۷ به شکست عثمانیها انجامید. روسیه نیز با امپراطور عثمانی وارد جنگ شد و ضمناً برای بی طرف ماندن امپراطوری اتریش - مجارستان وعده حکمروایی بر ولایات بوسنی و هرزگوین به آن امپراطوری داده شد. در سال ۱۸۷۸ در کنفرانس برلین حق اشغال و اداره بوسنی و هرزگوین به امپراطوری اتریش - مجارستان واگذار شد و این دو ولایت به تصرف اتریش - مجارستان درآمد.

حکومت اتریش - مجارستان (۱۸۷۸-۱۹۱۸)

امپراطوری اتریش - مجارستان در اداره ولایات با مشکلات بزرگی مواجه شد. علیرغم تمایل جمعیت کروات پیرو کاتولیک نسبت به وضعیت جدید، صربهای ارتدوکس و مسلمانان به شدت به مخالفت برخاستند. ارتدوکسها مایل بودند که به صربستان بپیوندند و مسلمانان قصد داشتند که به حکومت عثمانی بازگردند. در سال ۱۸۸۱ مردم هرزگوین شورش کردند ولی توسط ارتش اتریش - مجارستان سرکوب شدند.

دوران تسلط اطریش - مجارستان با بهبود سریع اوضاع داخلی همراه بود ولی اصلاحات انجام شده نتوانست مشکلات اصلی از جمله مسئله زمین را حل نماید. مردم از اقتدار مأموران اطریش - مجارستان که معمولاً به کلیسای کاتولیک تعلق داشتند و نیز از نداشتن رهبران بومی در حکومت ناراضی بودند.

در سال ۱۹۰۸ دولت اطریش - مجارستان دو ولایت بوسنی و هرزگوین را به هم منضم کرد و به صورت یک واحد سیاسی درآورد. به علت نارضایتی مردم از حکومت اطریش - مجارستان آشوبهای سیاسی آغاز شد. جنبش ملی بوسنی و هرزگوین فعالیت دامنه‌داری را در پیش گرفت. یکی از سازمانهای مخفی به نام «بوسنای جوان» بویژه بین دانشجویان دانشگاهها و محصلین دبیرستانها محبوبیت داشت و گاوریلو پرینتسپ، عضو همین سازمان، در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ فرانکس فردیناند، ولیعهد اطریش را در سارایوو از پای درآورد و این حادثه موجب بروز جنگ جهانی اول شد.

در سال ۱۹۱۸ بوسنی و هرزگوین به پادشاهی صربها، کرواتها و اسلونیا بیها پیوست و به این ترتیب دوران حکومت اطریش - مجارستان در این سرزمین خاتمه یافت. در فاصله جنگ جهانی اول و دوم بوسنی و هرزگوین از یکدیگر منفک شدند و در طول جنگ جهانی دوم تابع حکومت کرواسی که دست‌نشانده آلمان و ایتالیا بود گردیدند. در سال ۱۹۴۶ پس از شکست آلمانها و به قدرت رسیدن کمونیستها بوسنی و هرزگوین یکی از جمهوریهایی تشکیل دهنده کشور یوگسلاوی شد.

تحولات اخیر

به دنبال فروپاشی حزب کمونیست یوگسلاوی فعالیت این حزب در جمهوری بوسنی و هرزگوین نیز متوقف گردید و متعاقباً تعداد ۴۸ حزب سیاسی در این

جمهوری تشکیل شد. در انتخاباتی که سال گذشته* در سطح جمهوری برگزار شد سه حزب زیر بیشترین آرا را به دست آوردند:

حزب اقدام دموکراتیک (مسلمانان بوسنی و هرزگوین) ۴۱٪ آرا

حزب دموکراتیک صربها (عملاً انشعاب حزب سوسیالیستی بلغراد) ۳۴٪ »

جامعه دموکراتیک کرواتها (عملاً شاخه همین حزب در کرواسی) ۲۰٪ »

به این ترتیب در سال گذشته حکومت مردمی جدید جایگزین حکومت کمونیستها شد و اداره امور جمهوری بوسنی و هرزگوین را در دست گرفت. از آن تاریخ، مقامات حساس دولتی به تناسب آرای حزبی بین اعضای سه حزب تقسیم شده است. به عنوان مثال رئیس جمهور از حزب مسلمانان می باشد.

مشکلات اقتصادی بوسنی و هرزگوین تابع مسایل اقتصادی کل کشور است و آن هم در گرو حل مشکلات عمده سیاسی. در حال حاضر اوضاع سیاسی و اقتصادی بوسنی و هرزگوین با تشنجات و آشفتگیهای قابل ملاحظه ای همراه است.

سارایوو از نظر تاریخی

شهر سارایوو که ۵۳۷ تا ۷۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد پایتخت جمهوری بوسنی و هرزگوین و مرکز سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی این جمهوری است که در دامنه کوه تریبویچ Trebević و دره وسیع سارایوو - زنیسا Zenica واقع است. شهر زنیسا از شهرهای بوسنی و در فاصله حدود ۸۰ کیلومتری سارایوو قرار دارد.

سابقه تاریخی سرزمینی که شهر کنونی سارایوو در آن واقع است به عصر نوسنگی بالغ می شود. آثار باارزش زیادی که حکایت از سکونت انسانها در این ناحیه دارد از آن دوران بازمانده است. در فاصله بین سالهای ۲۴۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد اقوام عصر نوسنگی در بوتمیر Butmir، حوالی سارایوو امروزی، که در سالهای ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۶ حفاریهایی در آن انجام گرفت سکونت داشتند. در این منطقه بقایای حدود ۹۰ غار خاکی با ابزارها و سلاحهای سنگی فراوان، استخوان حیوانات و بخصوص آثار و مجسمه های تزینی از جنس سفال به دست آمد.

ساکنان بعدی این سرزمین بیشتر به جنگ و گله داری و شکار می پرداختند و ابزارها و سلاحهای سنگی و فلزی در اختیار داشتند و بالاخره قوم جدید و نیرومند

ایلیری که با فلز آشنایی داشته و از آن استفاده می‌کردند آنجا را به‌اشغال خود درآوردند.

در سال نهم میلادی، زمان امپراطوری آگوستوس، رومیان بر ایلیریا غلبه کردند و در اطراف چشمه‌های ایلیریا Ilidža که در فاصله حدود دوازده کیلومتری مرکز سارایوو قرار دارد استقرار یافتند. بین قرنهای اول تا چهارم میلادی این نقطه به مرکز اداری و فرهنگی منطقه تبدیل شد. آثار حضور و حکومت رومیان بخصوص در نقاطی از سارایووی امروز حفظ شده است.

مدارک مکتوب مربوط به وضعیت سرزمین سارایوو تنها از قرن دهم میلادی برجای مانده است. در قرون دهم تا سیزدهم میلادی بود که نخستین بار ایالت مستقل بوسنی در دره سارایوو به وجود آمد.

حکومت عثمانی (۱۴۶۳-۱۸۷۸)

در سال ۱۴۶۳ سلطان محمد فاتح سلطان نشین بوسنی را به تصرف خود درآورد و مسلمانان در ناحیه سارایووی امروز استقرار یافتند و بنابه ضرورت، هسته شهر جدید سارایوو شکل گرفت. سارایووی امروز به فرمان حاکم ترک درکنار رودخانه میلیاتسکا ساخته شد. حاکم ترک کاخی برای خود و حکمرایان بعدی بنا نهاد که Seraj، از کلمه فارسی «سرای»، نام داشت. واژه سارایوو که اولین بار در سال ۱۵۰۷ کاربرد یافته از این نام و از ترکیب Saraj-ovasi یعنی محوطه اطراف کاخ حاکم گرفته شده است.

با فاصله گرفتن شعله‌های جنگ از مرزهای بوسنی، شهر امن سارایوو به سرعت توسعه یافت و به مرکز مهم صنعت و بازرگانی تبدیل شد و طولی نکشید که به صورت یکی از بزرگترین و ثروتمندترین شهرهای این منطقه از بالکان درآمد به طوری که از قرن شانزدهم به بعد مورد تحسین سیاحان بود و با زیباترین شهرهای غرب و شرق برابری می‌کرد.

عصر طلایی سارایوو و معماری شکوهمند آن دوران غازی خسروبیگ، سپهسالار توانا و ثروتمند بود که از سال ۱۵۲۱ تا ۱۵۴۱ بر بوسنی حکومت داشت و در زمان او بود که بناهای عالی بسیار ساخته شد و پس از مرگش سارایوو به صورت بزرگترین و زیباترین شهر امپراطوری عثمانی در اروپا درآمد. در طی چند قرن بعد مصائب و بلایای بسیار شامل جنگ مجارها و کرواتها، سیلها و حریقهای متعدد بر قدرت و عظمت سارایوو ضربه های سهمگین وارد کرد. بزرگترین واقعه مصیبت باری که بر سارایوو حادث شد به آتش کشیده شدن این شهر به فرمان اوگن ساوی Evgen von Savoja، شاهزاده و فرمانده قوای اطریشی بود به طوری که کسب دوباره موقعیت و قدرت گذشته هرگز ممکن نشد.

تسلط اطریش - مجارستان (۱۸۷۸-۱۹۱۸)

جنبش مردم بوسنی و هرزگوین برای دستیابی به استقلال ملی و اقتصادی در سال ۱۸۷۵ به برخوردهای مسلحانه با دولت عثمانی منجر گردید. دولتهای بزرگ اروپا در سال ۱۸۷۸ در کنگره برلین توافق کردند که دولت اطریش - مجارستان برای برقرار کردن نظم و اصلاحات ارضی به اشغال بوسنی و هرزگوین مبادرت نماید. ارتش اطریش - مجارستان در همان سال وارد این کشور شد و در نوزدهم اوت ۱۸۷۸ شهر سارایوو را به تصرف خود درآورد. به این ترتیب ۴۱۵ سال حکومت مسلمانان عثمانی به پایان رسید و دولت اطریش - مجارستان مدت چهل سال جای آنها را گرفت.

در سال ۱۹۰۸ بوسنی و هرزگوین به هم ملحق شدند و پس از آن جنبشهای مردمی برای کسب استقلال از دولت اطریش - مجارستان شدت یافت. در روز بیست و هشتم ژوئن ۱۹۱۴ هنگامی که فرانسیس فردیناند، ولیعهد اطریش در خیابانهای سارایوو ظاهر شد گاوریلو پرینتسپ وی و همسرش را در کناره رودخانه میلیاتسکا به ضرب گلوله از پای درآورد و به این ترتیب مردم بوسنی و هرزگوین بر

تسلط اجنبی خاتمه دادند و خود را از قید اربابان خارجی رها ساختند. ضمناً با این سوء قصد اولین جرقه جنگ جهانی اول برافروخته شد.

میراث تاریخی و فرهنگی

موقعیت جغرافیایی سارایوو در حوضه رودخانه میلیاتسکا و معماری جذاب آن ویژگی فوق العاده ای به این شهر بخشیده است. در قرنهای پانزده و شانزده میلادی ساختمانهای گنبددار بسیاری در آن ساخته شد و امروز حدود ۷۰ ساختمان از این نوع به جای مانده است. تعداد زیادی اماکن عمومی از جمله مهمانخانه ها، کتابخانه ها، مساجد، کلیساها، کنیسه ها، مدارس اسلامی و غیره بنا گردید. گورستانهای مسلمانان با سنگهای سفید عمودی بر فراز تپه های اطراف و نقاط مختلف شهر جزو اماکن تاریخی سارایوو محسوب می شود. هریک از موارد فوق جای شرح و بحث خاصی را دارد ولی در اینجا صرفاً به ذکر نام و یا توضیح کوتاهی درباره مهمترین این اماکن و بناها اکتفا می شود.

گورستانهای قدیمی بوگومیل

گورستانهای قدیمی بوگومیلها که در اوایل قرون وسطی در این ناحیه می زیستند به گورستانهای یونانی یا رومی نیز مشهور بوده و در صدها نقطه از تپه ها و جلگه های بوسنی و هرزگوین پراکنده است. بر سنگهای این مقابر که تعدادشان به چند هزار می رسد تصویر گیاهان، جانوران، انسانها و صحنه های شکار، و ندرتاً شرحی کوتاه از زندگی صاحبان مقابر نقش بسته است.

شهر نظامی هودیدید Hodidjed

در مشرق سارایوو، بر فراز تپه ای مشرف بر محل تلاقی دو سرچشمه رودخانه میلیاتسکا، بقایای شهر قدیمی هودیدید که در قرن چهاردهم میلادی بنا شده

به چشم می خورد. از این شهر در زمان حکومت مسلمانان عثمانی برای دفاع و نیز به عنوان زندان و احتمالاً مرکز ضرب سکه استفاده می شده است.

اماکن تاریخی دوران حکومت عثمانیها

مهمترین این اماکن عبارت است از مسجد غازی خسرو بیگ، مسجد فرهاد پاشا یا فرهادیه (فرهاد پاشا از بزرگان عثمانی و بانی مسجد)، مسجد باش چارشیا (باش چارشیا میدان اصلی در منطقه مسلمان نشین ساریوو و از نقاط قدیمی و مراکز اصلی خرید است. بیشتر آثار تاریخی شهر ساریوو در این ناحیه قرار دارد و دارای جذابیت تاریخی و معماری خاصی است. ضمناً اصطلاح باش چارشیا از «باش» ترکی به معنی سرو «چارشیا» فارسی از واژه «چهارسو»، روی هم به معنی چهارسوی اصلی تشکیل شده است)، مسجد چکرکچیا (Čekrkčija نام بانی مسجد است)، مسجد سلطان (عیسی بیگ، حاکم معروف عثمانی)، مسجد علی پاشا (حاکم عثمانی)، کلیسای قدیمی ارتدوکس، کنیسه قدیم، تکیه حاجی سنان (محل برگزاری مراسم ذکر پیروان قادریه)، مدرسه غازی خسرو بیگ، گورستان قدیمی مسلمانان در بالای کواچی (Kovači نام خیابانی در نزدیکی باش چارشیا)، گورستان الیفاکواچ (از تپه های اطراف ساریوو. این گورستان به Musafirski mezaristan یا «مزار مسافران» نیز معروف است زیرا مسافرانی که در ساریوو فوت می کردند در این گورستان دفن می شدند)، گورستان یهودیان، کاخ قدیمی وزیر (اقامتگاه یکی از وزرای عثمانی که به «سرای» معروف بوده است)، عمارت غازی خسرو بیگ (آشپزخانه رایگان فقرا)، حمام (حمام عمومی غازی خسرو بیگ)، برج ساعت (به ارتفاع سی متر)، بازار سرپوشیده، کولوباراخان (خان به معنی خانه، مهمانسرا و کاروانسرا)، موریچاخان، پل بزغاله (وجه تسمیه آن از عبور بزهاست)، پل لاتین یا پرینتسیپ (ضارب ولیعهد اطریش)، پل شهرچایا (چایای شهردار)، چشمه های قدیمی (به عنوان شیرآب برای استفاده مردم در نقاط مختلف شهر

ساخته شده و در حال حاضر حدود ده چشمه مورد حفاظت می باشد)، قلعه قدیمی سارایوو، بنای ژوتا تابیا (Žuta Tabija) بنایی چندگوشه برای شلیک توپ در جشنها، اعلام وقت ظهر، اعلام حریق و جنگ)، مغازه ها و انبارهای سنگی، بازار مسگرها و بالاخره چند منزل قدیمی.

اماکن تاریخی دوره تسلط اطریش - مجارستان
ساختمان کتابخانه ملی بوسنی و هرزگوین و ساختمان موزه سارایوو.

سارایووی امروز

وضعیت طبیعی و جغرافیایی سارایوو از یک طرف و شکل ساختمانی آن از طرف دیگر، شهری باز و دلگشا به وجود آورده است. کف نسبتاً هموار شهر از مؤسسات دولتی، مجتمعهای مسکونی فراوان و ساختمانهای بلند پوشیده شده درحالی که تمامی تپه‌های اطراف را خانه‌های شخصی دو تا چهار طبقه با سقفهای شیروانی قرمز فرا گرفته است. تقریباً تمام این خانه‌ها دارای باغچه‌های درختکاری شده است و بسیاری از خانواده‌ها در آنها سبزیکاری می‌کنند. خیابانهای آسفالت کم‌عرض و پیچ در پیچ، نقاط اصلی را بر فراز تپه‌ها به هم وصل می‌کند و از این خیابانها کوچه‌های تنگ و باریک آسفالت و یا سنگفرش انشعاب یافته است. در این مناطق بلند، مایحتاج مردم با مغازه‌ها و کیوسکهایی که تا دورترین نقطه‌ها ساخته شده تأمین می‌شود. علاوه بر آن می‌توان در ارتفاعات به مدارس، درمانگاهها، تعمیرگاهها و برخی تأسیسات عمومی دیگر نیز برخورد. به این ترتیب شهر سارایوو در داخل دره و میان تپه‌ها قرار گرفته و بخش زیادی از قله‌ها و مناطق غیرمسکونی بر فراز تپه‌ها پوشیده از درختهای جنگلی است.

سارایوو را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد. یک بخش که مرکز قدیمی و

اسلامی شهر محسوب می شود و در شمال شرق قرار دارد. بیشتر بناهای تاریخی و اسلامی سارایوو در این بخش واقع است و میدان با شچارشیا مرکز و سنبل این منطقه از شهر به شمار می رود. بخش دوم شهر قسمتهای گسترش یافته و نوساز است و مشخصه آن ساختمانهای جدید و بلندی است که تا اطراف ایللیجا واقع در ۱۲ کیلومتری باشچارشیا در غرب سارایوو ادامه دارد. هردو بخش تقریباً به یک اندازه مورد توجه و علاقه مردم می باشد.

شبکه ارتباطی شهر را خطوط تراموا، اتوبوسهای برقی و غیربرقی و مینی بوسها تشکیل می دهد. ترامواها، در مسیری ثابت مراکز عمده را به هم پیوند می دهند. اتوبوسها در خیابانهای اصلی فاقد تراموا رفت و آمد می کنند و بالاخره مینی بوسها به رفت و آمد در نقاط بلند و پربیچ و خم اختصاص دارند. از نظر ایاب و ذهاب در مسیر حرکت ترامواها و اتوبوسهای برقی کمبود زیادی احساس نمی شود ولی در نقاطی که از اتوبوسهای غیربرقی و مینی بوسها استفاده می شود و نیز در نقاط دورتر شهر مشکلاتی وجود دارد. بیشتر مردم از کارتهای عکس دار مخصوص استفاده از وسائط نقلیه که ماهیانه خریداری می شود استفاده می کنند. کارت یا بلیط سرنشینان به طور نامنظم و پراکنده توسط بازرسان کنترل می شود. مقررات عبور و مرور معمولاً توسط رانندگان و عابران رعایت می شود. با این حال آویزان شدن پسران و گاه دختران به دنباله تراموای و یا درهای آن از نکات غیرعادی است.

تلویزیون سارایوو از سه کانال برنامه پخش می کند. بیشتر برنامه ها جنبه سرگرمی و تماشا دارد و اغلب شامل اخبار، موسیقی، ورزش، سریالها و فیلمهای سینمایی و برنامه کودکان می شود. بخشی از برنامه ها تولید داخلی است و ضمناً تبادل برنامه های داخلی با سایر جمهوریهای یوگسلاوی معمول است. سریالها و فیلمها اغلب از آمریکا و شوروی وارد می شود. علاوه بر سه کانال مذکور، برنامه های ماهواره نیز از شش کانال پخش می شود که قابل استفاده مردم می باشند. هدف از این برنامه ها سرگرمی برای بینندگان و تبلیغات برای بازارهای اروپا و آمریکاست.

محتوای برنامه‌ها اغلب با فرهنگ اسلامی منافات دارد. شهروندان ساریوو که از برنامه‌های رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند ملزم به پرداخت هزینه ماهیانه می‌باشند.

هوای ساریوو در تابستان معتدل و در فصلهای دیگر سرد است. درجه هوا در تابستان تا ۳۰+ و در زمستان به حدود ۲۰- می‌رسد. در فصل تابستان مردم از کولر استفاده نمی‌کنند. به علت کوهستانی بودن منطقه و برف زیاد، ورزشها و بازیهای زمستانی در ساریوو رواج دارد و المپیک ورزشهای زمستانی سال ۱۹۸۴ در این شهر برگزار شد. عموم ساختمانهای بزرگ به دستگاههای حرارت مرکزی مجهزند. در این ساختمانها برای روشن کردن شفاژ از گاز استفاده می‌شود و برای گرم کردن آب مصرفی از برق. تعداد کمی از منازل شخصی به لوله کشی گاز و دستگاه شفاژ مجهزند بقیه برای گرم کردن خانه از هیزم و برای گرم کردن آب از برق استفاده می‌کنند. گاز مورد نیاز از شوروی و به هزینه زیاد تأمین می‌شود و همراه بهای آن افزایش می‌یابد. کلیه ساختمانهای دولتی که بخش بزرگی از جمعیت ساریوو را در خود جای داده‌اند دستگاههای شفاژ را در طول زمستان به خاطر صرفه جویی در مصرف گاز از ساعت ۱۱ هر شب تا پنج صبح خاموش می‌کنند. ضمناً سوزاندن چوب و ذغال یکی از عوامل آلودگی نسبی هوا در ساریوو است.

گورستانهای مسلمین از دوران حکومت عثمانی که اینک ارزش و اهمیت تاریخی یافته از مشخصه‌های بارز ساریوو و دیگر شهرهای بوسنی و هرزگوین است. ساریوو دارای مساجد فراوان است و در کنار بیشتر مساجد گورستانی وجود دارد. بر هر گور، سنگی از مرمر سفید که به صورت مکتب مستطیل و یا استوانه چند ضلعی تراشیده شده به طور عمودی نصب گردیده است. ارتفاع این سنگها یکسان نیست ولی اغلب از یک متر تجاوز می‌کند. رأس بسیاری از سنگها شکل عمامه عثمانیان را نشان می‌دهد. گورستانها محدود به مساجد نیست بلکه در برخی نقاط دیگر نیز که مسجدی وجود ندارد گورستان بنا شده، از جمله بر فراز تپه‌ها.

سارایوی امروز

سنگ قبرهای انفرادی را می توان در نقاط مختلف مانند چمنها و پارکها مشاهده کرد. امروزه برای دفن اموات هیچ یک از این گورستانها استفاده نمی شود. گورستان وسیع خارج شهر به این امر اختصاص دارد. جمعیت سارایوو مطابق سرشماری سال جاری * ۵۷۳۰۰۰ نفر است.

دانشگاههای یوگسلاوی

اطلاعات این بخش درباره دانشگاههای کشور یوگسلاوی به ترتیب برحسب جمهوریهای بوسنی و هرزگوین، کرواسی، مقدونیه، مونته نگرو، صربستان، ایالتهای کوزوو و ویودینا (تابع صربستان) و جمهوری اسلونی تنظیم شده است. این اطلاعات تعداد و نام دانشگاهها، دانشکدهها، آکادمیها، مؤسسات تحقیقاتی، مدارس عالی و مراکز مطالعاتی را دربر میگیرد.

فعالیت آکادمیها که در سطح دانشکده قرار دارند به هنر و موسیقی مربوط می شود و مدارس عالی دوره های دوساله کاردانی را دربر می گیرند. به دلیل تشنجات سیاسی و بحرانهای اخیر به نظر نمی رسد که در برخی آمار دانشجویان که بیشتر به سال ۱۹۷۷ مربوط می شود تفاوت چشمگیری حاصل شده باشد.

دانشگاههای جمهوری بوسنی و هرزگوین

دانشگاههای این جمهوری عبارتند از دانشگاه سارایوو، دانشگاه جورو پوتسار

ستاری Djuro Pucar-Stari، دانشگاه جمال بیدیچ Džemal Bijedić و دانشگاه توزلا Tuzla. زبان آموزش در این دانشگاهها صربوکرواتی یا کرواتو صربی است.

دانشگاه سارایوو

دانشگاه سارایوو نخستین دانشگاه در جمهوری بوسنی و هرزگوین و چهارمین دانشگاه یوگسلاوی است که در دوم دسامبر سال ۱۹۴۹ با چهار دانشکده و یک مدرسه عالی تأسیس گردید و از سه سال بعد شعبه‌های آن در شهرهای بانیالوکا، موستار و توزلا گشایش یافت.

آمار هیأت علمی

در سال تحصیلی ۹۰-۱۹۸۹ جمعاً ۲۰۴۹ نفر به شرح زیر در واحدهای تابعه دانشگاه به فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی اشتغال داشته‌اند:

اعضای هیأت علمی تمام وقت	۷۵۶ نفر
اعضای هیأت علمی نیمه وقت	۳۷۲ نفر
دستیاران تمام وقت	۵۸۷ نفر
دستیاران نیمه وقت	۳۳۴ نفر

آمار دانشجویان

در دانشگاه سارایوو دانشجویان به دو طریق به تحصیل اشتغال دارند:

- ۱- به صورت دائم که در این صورت شهریه نمی‌پردازند و ملزم به شرکت در کلاسهای درس می‌باشند. (دانشجویان خارجی ملزم به پرداخت شهریه می‌باشند).
- ۲- به صورت غیردائم که در این صورت ملزم به شرکت در کلاسهای درس نیستند ولی بابت شهریه و شرکت در امتحانات باید وجوهی پرداخت نمایند.

در سال تحصیلی ۹۰-۱۹۸۹ تعداد دانشجویان دائم دانشگاه ۲۱۵۵۵ نفر و
تعداد دانشجویان غیردائم ۱۰۵۷۳ نفر، جمعاً ۳۲۱۲۸ نفر بوده است. تعداد ۸۰۰
نفر دانشجویان خارجی از ۵۰ کشور جهان جزو این آمار می باشد.

آمار فارغ التحصیلان

تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه از تاریخ تأسیس تا پایان سال تحصیلی
۹۰-۱۹۸۹ به شرح زیر است:

دکتری	۱۴۲۰ نفر
کارشناسی ارشد	۲۰۰۰ نفر
کارشناسی و کاردانی	۸۶۵۸۰ نفر
جمع	۹۰۰۰۰ نفر

دانشکده های دانشگاه ساریوو

دانشکده معماری

اقتصاد	»
تربیت بدنی	»
داروسازی	»
فلسفه	»
ساختمان	»
مکانیک	»
مکانیک زینتسا	»
پزشکی	»
متالورژی زینتسا	»
الکترو تکنیک	»

دانشکده علوم سیاسی و لیکو و لاخویچ Veljko Vlahović

- » کشاورزی
- » حقوق
- » طبیعی ریاضی
- » ترابری
- » دندان پزشکی
- » جنگلداری
- » دامپزشکی
- » متالورژی زینتسا

آکادمیهای دانشگاه سارایوو

- آکادمی هنرهای تجسمی
- » آکادمی هنرهای نمایشی
- » هنرهای موسیقی

مؤسسات تحقیقاتی دانشگاه سارایوو

مؤسسه زراعت

- » زیست شناسی
- » اقتصاد
- » معماری، شهرسازی و فضای سازی
- » علوم مالی
- » الکتروانرژی
- » خاورشناسی
- » جوشکاری

مؤسسه سازمان‌دهی و اقتصاد

- » ترمونکنیک و تکنیک هسته‌ای
- » حمایت از کارگر
- » تحقیقات و علوم تخصصی اونیس * Unis

مدارس عالی دانشگاه سارایوو

- مدرسه عالی تعلیم و تربیت
- » پزشکی

دانشگاه جوو و پوتسار ستاری

دانشگاه جوو و پوتسار ستاری در سال ۱۹۷۵ در شهر بانیالوکا تأسیس شده و در سال ۱۹۸۷ حدود ۱۵۰ دانشجوی خارجی داشته است. این دانشگاه مرکب از شش دانشکده و سه مدرسه عالی می‌باشد.

دانشکده‌های دانشگاه جوو و پوتسار ستاری

دانشکده مهندسی مکانیک

- » مهندسی برق
- » فن شناسی **
- » پزشکی
- » اقتصاد
- » حقوق

* شرکت بازرگانی معتبری که در زمینه‌های تحقیقاتی با دانشگاه همکاری می‌نماید.

** Technology

مدارس عالی دانشگاه جوو پوتسارستاری

مدرسه عالی تربیت معلم

» اقتصاد در بیهاچ Bihać

» فنی در بیهاچ

دانشگاه جمال بیدیچ

دانشگاه جمال بیدیچ در سال ۱۹۷۷ در موستار تأسیس شده و مرکب از یک

مدرسه عالی تربیت معلم و چهار دانشکده به شرح زیر است:

دانشکده مهندسی ساختمان

» مهندسی مکانیک

» اقتصاد

» حقوق

دانشگاه توزلا

دانشگاه توزلا در سال ۱۹۷۶ تأسیس شده و در سال ۱۹۸۷ حدود ۱۷۰

دانشجوی خارجی داشته است. این دانشگاه مرکب از یک مدرسه عالی

تربیت معلم و پنج دانشکده به شرح زیر است:

دانشکده مهندسی برق

» معدن و زمین شناسی

» فن شناسی

» پزشکی

» اقتصاد برچکو Brčko

» فن شناسی

دانشگاههای جمهوری کرواسی

این جمهوری دارای چهار دانشگاه است که عبارتند از دانشگاه زاگرب، دانشگاه ریکا، دانشگاه اسپلیت و دانشگاه اوسیک Osijek. زبان آموزش در این دانشگاهها صربی یا کرواتی است.

دانشگاه زاگرب

زاگرب پایتخت جمهوری کرواسی است. تأسیس دانشگاه زاگرب از نظر تاریخی به سال ۱۶۶۹ مربوط می شود و حال آن که دانشگاه جدید این شهر در سال ۱۸۷۴ بنیاد یافته است. این دانشگاه در سال ۱۹۸۷ دارای ۲۶۰۰۰ دانشجو بوده که از آن میان ۱۷۵۴ نفر خارجی بوده اند. هر ساله حدود ۸۰۰۰ نفر از دانشگاه زاگرب فارغ التحصیل می شوند.

دانشکده های دانشگاه زاگرب

دانشکده معماری

- » علوم مهندسی ساختمان
- » مهندسی مکانیک و کشتی سازی
- » مهندسی برق
- » ترابری و ترافیک
- » معدن، زمین شناسی و نفت
- » نقشه برداری
- » فن شناسی
- » فن شناسی غذا و فن شناسی زیست

دانشکده علوم کشاورزی

- » فلسفه
- » جنگلداری
- » علوم دامی
- » پزشکی
- » دندان پزشکی
- » داروسازی و بیوشیمی
- » اقتصاد
- » حقوق
- » علوم سازمان و اطلاعات
- » علوم طبیعی و ریاضیات
- » نقصان شناسی*
- » ورزش

آکادمیهای دانشگاه زاگرب

- آکادمی هنرهای موسیقی
- » هنرهای نمایشی
- » هنرهای زیبا

مؤسسات تحقیقاتی دانشگاه زاگرب

مؤسسه کشاورزی کریژوچی Križevci

- » روجر بوشکویچ Ruđer Bošković
- » پزشکی

* Defectology

مراکز مطالعاتی دانشگاه زاگرب

مرکز مطالعات آموزشی پترینیا Petrinja

» آموزشی چکواتس Čakovac

مدارس عالی دانشگاه زاگرب

مدرسه عالی فنی رادکنچار Rade Končar

» ژئوتکنیک

» پرستاری و پیراپزشکی

» گرافیک

» خلبانی

دانشگاه ریکا

دانشگاه ریکا در سال ۱۹۷۳ تأسیس یافته و از زمان تأسیس تا سال ۱۹۸۵ تعداد ۳۵۷۳۰ نفر از آن فارغ التحصیل شده‌اند که ۵۵۰ نفرشان دانشجویان خارجی از کشورهای غیرمتعهد بوده‌اند. در سال ۱۹۸۷ تعداد ۶۳۵۳ نفر در دانشگاه ریکا به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۲۴۰ نفر آنان خارجی بوده‌اند. این دانشگاه مرکب از یک مرکز مطالعات مهندسی برق، یک مدرسه عالی اقتصاد و هشت دانشکده به شرح زیر است:

دانشکده مهندسی ساختمان

» فنی

» ترافیک و ترابری دریایی

» پزشکی

» اقتصاد

» حقوق

دانشکده مدیریت هتل

» آموزش

دانشگاه اسپلیت

دانشگاه اسپلیت در سال ۱۹۷۴ تأسیس یافته و از آن زمان تا سال ۱۹۸۷ ۱۳۴۳۴ نفر فارغ التحصیل داشته است. در سال ۱۹۸۷ تعداد ۵۶۷۹ دانشجو در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشته اند که ۶۷ نفر از آنان خارجی بوده اند.

دانشکده های دانشگاه اسپلیت

دانشکده مهندسی ساختمان

» مهندسی برق

» فن شناسی

» اقتصاد

» حقوق

» سیاحت و تجارت خارجی

» علوم طبیعی و ریاضیات و تعلیم و تربیت

» فلسفه

مدارس عالی دانشگاه اسپلیت (مراکز آموزش نیروی دریایی)

مدرسه عالی نیروی دریایی دوبرونیک Dubrovnik

» نیروی دریایی اسپلیت

دانشگاه اوسیک

دانشگاه اوسیک در سال ۱۹۷۵ تأسیس یافته و از آن زمان تا سال ۱۹۸۷ تعداد

۱۱۶۷۳ نفر فارغ التحصیل داشته است. در سال ۱۹۸۷ تعداد ۷۸۵۵ دانشجو در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ۸۵ نفر آنان خارجی بوده‌اند. دانشگاه اوسیک دارای یک مرکز مطالعات مهندسی برق و هفت دانشکده به شرح زیر است:

دانشکده مهندسی ساختمان

» مهندسی مکانیک

» فن شناسی غذا

» کشاورزی

» اقتصاد

» حقوق

» آموزش

دانشگاههای جمهوری مقدونیه

جمهوری مقدونیه دارای دو دانشگاه زیر است که در اسکوپیه و بیتولی واقعند. زبان آموزش در این دانشگاهها مقدونی است.

دانشگاه کریل و متودی Kiril & Metodij

دانشگاه کریل و متودی در سال ۱۹۴۹ در شهر اسکوپیه تأسیس شد. از میان ۳۳۶۴۹ دانشجوی این دانشگاه در سال ۱۹۸۷ تعداد ۷۸۰ نفر دانشجوی خارجی از ۴۳ کشور مختلف بوده‌اند. تا سال ۱۹۸۷ تعداد ۴۳۸ نفر دانشجوی خارجی از دانشگاه کریل و متودی فارغ التحصیل شده‌اند.

دانشکده‌های دانشگاه کریل و متودی

دانشکده معماری

- » مهندسی ساختمان
- » مهندسی مکانیک
- » مهندسی برق
- » معدن و زمین شناسی
- » فن شناسی و متالورژی
- » کشاورزی
- » جنگلداری
- » پزشکی
- » ورزش
- » دندان پزشکی
- » اقتصاد
- » حقوق
- » علوم طبیعی و ریاضیات
- » فلسفه
- » زبان شناسی
- » موسیقی
- » هنرهای نمایشی
- » هنرهای زیبا

مراکز مطالعاتی دانشگاه کریل و متودی

مرکز مطالعات آموزشهای فنی و تولید

روزنامه نگاری »

مدارس عالی دانشگاه کریل و متودی

مدرسه عالی تربیت معلم در کلیمنت اوریدسکی Kliment Ohridski

تربیت معلم در گوتسه دلچو Goce Delčev »

کشاورزی »

دانشگاه بیتولی

دانشگاه بیتولی در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد. در سال ۱۹۸۷ این دانشگاه ۵۹۱۱ نفر دانشجو داشته است که تعدادی از آنان خارجی بوده‌اند. تا سال مذکور تعداد ۶۵۲۲ نفر از این دانشگاه فارغ التحصیل شده‌اند.

دانشکده‌های دانشگاه بیتولی

دانشکده علوم فنی

» اقتصاد

» حقوق

» سیاحت

مدارس عالی دانشگاه بیتولی

مدرسه عالی تربیت معلم

» کشاورزی

دانشگاههای جمهوری مونته‌نگرو

جمهوری مونته‌نگرو تنها دارای یک دانشگاه به نام ولیکو ولاخویچ است که در تیتوگراد، پایتخت این جمهوری قرار دارد. دانشگاه ولیکو ولاخویچ در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد. تا سال ۱۹۸۷ حدود

دانشگاههای یوگسلاوی

۱۱۰۰۰ نفر از این دانشگاه فارغ التحصیل شده‌اند که تعداد قابل توجهی از آنان دانشجویان خارجی بوده‌اند. در سال ۱۹۸۷ بیش از ۷۰۰۰ نفر در دانشگاه فوق ثبت‌نام کرده‌اند. زبان آموزش در دانشگاه ولیکو و لاخویچ صربوکرواتی است.

دانشکده‌های دانشگاه ولیکو و لاخویچ

دانشکده مهندسی ساختمان

- » مهندسی مکانیک
- » مهندسی برق
- » متالورژی
- » مهندسی دریایی (با دوره‌های یک ساله)
- » حقوق
- » فرهنگ شناسی
- » اقتصاد
- » آموزش (با دوره‌های دو ساله)

مدارس عالی دانشگاه ولیکو و لاخویچ

مدرسه عالی فیزیوتراپی

» توان بخشی دکتر سیمو میلوشویچ Simo Milošević

دانشگاههای جمهوری صربستان

جمهوری صربستان دارای چهار دانشگاه و یک مجتمع مدارس عالی است. در این جمهوری به زبان صربوکرواتی تدریس می‌شود.

دانشگاه بلگراد

قدمت دانشگاه بلگراد به سال ۱۸۰۸ می‌رسد ولی زمان تأسیس رسمی آن سال ۱۹۰۵ است.* هر ساله حدود ۶۰۰۰۰ دانشجوی در این دانشگاه ثبت‌نام می‌کنند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۷ حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند که تعداد زیادی از آنان دانشجویان خارجی بوده‌اند.

دانشکده‌های دانشگاه بلگراد

دانشکده معماری

- » مهندسی ساختمان
- » مهندسی مکانیک
- » مهندسی برق
- » مهندسی ترابری و ترافیک
- » معدن و زمین‌شناسی
- » فنی
- » فن‌شناسی و متالورژی
- » کشاورزی
- » جنگلداری
- » پزشکی
- » دندان پزشکی
- » دامپزشکی
- » داروسازی

* به تاریخهای مهم دانشکده زبان و ادبیات، صفحه ۱۳۴، رجوع کنید.

دانشکده اقتصاد

- » علوم سیاسی
- » حقوق
- » دانشکده علوم سازمانی
- » علوم طبیعی و ریاضیات
- » فلسفه
- » زبان شناسی
- » نقصان شناسی
- » ورزش

دانشگاه هنر بلگراد

آکادمی هنر بلگراد در سال ۱۹۵۷ گشایش یافت و به دنبال آن، دانشگاه هنر در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد. تا سال ۱۹۸۷ چند هزار نفر دانشجو از این دانشگاه فارغ التحصیل شده اند.

دانشکده های دانشگاه هنر بلگراد

دانشکده موسیقی

- » هنرهای زیبا
- » هنرهای نمایشی
- » هنرهای کاربردی

دانشگاه نیش

دانشگاه نیش در سال ۱۹۶۵ تأسیس شد و تا سال ۱۹۸۷ بیش از ۱۰۰۰۰ فارغ التحصیل داشته است.

دانشکده‌های دانشگاه نیش

دانشکده مهندسی ساختمان

» مهندسی مکانیک

» الکترونیک

» ایمنی کار

» فن‌شناسی

» پزشکی

» اقتصاد

» حقوق

» فلسفه

دانشگاه سوتوزار مارکویچ Svetozar Marković

دانشگاه سوتوزار مارکویچ در سال ۱۹۷۶ در شهر کراگویواتس Kragujevac تأسیس شد و تا سال ۱۹۸۷ چند هزار نفر فارغ‌التحصیل داشته است.

دانشکده‌های دانشگاه سوتوزار مارکویچ

دانشکده مهندسی مکانیک

» فنی - آموزشی

» زراعت

» اقتصاد

» حقوق

» علوم طبیعی و ریاضیات

مدارس عالی دانشگاه سوتوزار مارکویچ

مدرسه عالی پلی تکنیک

مهندسی مکانیک	»
مهندسی برق و مکانیک	»
فن شناسی کانیهای غیرفلز	»
فنی - فن شناسی	»
اقتصاد	»
خلیبانی	»
پزشکی پروتاماتیا Prota Mateja	»
پروتاماتیاننادویچ Prota Mateja Nenadović	»
مهندسی مکانیک نادادیمیچ Nada Dimić	»
کشاورزی	»
نقشه برداری	»
ترافیک راه آهن	»
بافندگی	»
فن شناسی بافندگی	»
کارگران	»
انفورماتیک و آمار کاربردی	»
سیاحت	»

دانشگاه ایالت خودمختار کوزوو

ایالت کوزوو دارای یک دانشگاه است که در مرکز آن، پریشتینا قرار دارد و به نام پریشتینا معروف است.

دانشگاه پریشتینا در سال ۱۹۷۰ تأسیس شده و تا سال ۱۹۸۷ حدود ۵۰۰۰۰

فارغ التحصیل داشته است که ۲۰۰ نفر آن خارجی بوده‌اند. در سال ۱۹۸۷ حدود ۳۰۰۰۰ دانشجو در این دانشگاه مشغول تحصیل بوده‌اند که ۵۲۰ نفر از آنان را دانشجویان خارجی تشکیل داده‌اند. زبان آموزش در دانشگاه پریشتینا صربوکرواتی یا آلبانیایی است.

دانشکده‌های دانشگاه پریشتینا

دانشکده فنی

- » معدن و متالورژی
- » کشاورزی
- » پزشکی
- » اقتصاد
- » حقوق
- » علوم طبیعی و ریاضیات
- » فلسفه
- » هنر
- » ورزش

مدارس عالی دانشگاه پریشتینا

مدرسه عالی تربیت معلم پریشتینا

- » تربیت معلم چودت دودا
- » تربیت معلم اسکندریگ
- » فنی
- » تعلیم و تربیت
- » اقتصاد و بازرگانی

دانشگاه ایالت خودمختار ویودینا

ایالت ویودینا تنها دارای یک دانشگاه است که در مرکز آن، نویساد قرار دارد و به نام نویساد معروف است. در سال ۱۹۶۰ تأسیس شده و تا سال ۱۹۸۷ بیش از ۶۳۰۰۰ فارغ التحصیل داشته است که حدود ۳۰۰ نفر آن خارجی بوده اند. در سال ۱۹۸۷ تعداد ۳۲۱۹۳ دانشجو در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشته اند که ۷۱۸ نفر آنان خارجی بوده اند. دانشگاه نویساد دارای ۱۱ دانشکده، ۱۰ مدرسه عالی تربیت معلم و یک آکادمی هنر می باشد و زبان آموزش در آن صربو کرواتانی است.

دانشکده های دانشگاه نویساد

دانشکده مهندسی ساختمان

» علوم فنی

» کشاورزی

» پزشکی

» حقوق

» علوم طبیعی و ریاضیات

» فلسفه

» ورزش

» اقتصاد

» فنی میخایلو پوپین Mihajlo Pupin

» فن شناسی که دارای بخش مهندسی فرابری چوب* در سرمسکامیتر-

* Wood Processing Engineering

ویتسا Sremska Mitrovica می باشد.

مدارس عالی دانشگاه نویساد

مدرسه عالی تربیت معلم

» تربیت معلم

» تربیت معلم

» تربیت معلم

» تربیت معلم

» تربیت معلم

» فنی

» فنی

» اقتصاد و بازرگانی

» اقتصاد و بازرگانی

دانشگاههای جمهوری اسلونی

جمهوری اسلونی دارای دو دانشگاه است به نامهای ادوارد کاردلی Edvard Kardelj و ماریبور Maribor که به ترتیب در شهرهای لوبلیانا، مرکز این جمهوری، و ماریبور واقعند. زبان آموزش در این دو دانشگاه اسلونایی است. تا سال ۱۹۸۷ حدود ۵۳۰۰۰ دانشجو که ۱۰۰۰ نفر آنان خارجی بوده اند از این دانشگاهها فارغ التحصیل شده اند. در سال ۱۹۸۷ حدود ۳۰۰۰۰ دانشجو در دو دانشگاه مذکور به تحصیل اشتغال داشته اند که ۵۵۰ نفرشان خارجی بوده اند.

دانشگاههای یوگسلاوی

دانشکده‌های دانشگاه ادوارد کاردلی

دانشکده معماری

- » مهندسی مکانیک
- » مهندسی برق
- » فن‌شناسی زیستی
- » پزشکی
- » اقتصاد
- » علوم طبیعی و فن‌شناسی
- » فلسفه
- » تربیت معلم
- » ورزش
- » جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روزنامه‌نگاری

آکادمیهای دانشگاه ادوارد کاردلی

آکادمی موسیقی

- » تآتر، رادیو، فیلم و تلویزیون
- » هنرهای زیبا

مدارس عالی دانشگاه ادوارد کاردلی

مدرسه عالی مهندسی ایمنی

- » بهداشت کارگران
- » کارگران
- » نیروی دریایی

دانشکده‌های دانشگاه ماریبور

دانشکده فنی

» آموزش

» اقتصاد و بازرگانی

مدارس عالی دانشگاه ماریبور

مدرسه عالی علوم سازمانی

» زراعت

» حقوق

دانشکده فلسفه سارایوو ورشته خاورشناسی

در تاریخ دوازدهم نوامبر برابر با ۲۱ آبان ۱۳۶۹، مراسم چهلمین سالگرد تأسیس دانشکده فلسفه دانشگاه سارایوو در سالن آمفی تآثر این دانشکده برگزار شد. پروفیسور دکتر ناظف کاستوریتسا، رئیس دانشکده، درگزارش مشروح خود، از تاریخچه تأسیس دانشکده، فعالیت‌های گذشته و وضع موجود آن سخن گفت که چکیده گفتار ایشان در اینجا نقل می‌شود.

«در چهل سالی که از تأسیس دانشکده فلسفه سارایوو، تنها دانشکده فلسفه در جمهوری بوسنی و هرزگوین می‌گذرد ۴۰۱۵۲ دانشجو در آن به تحصیل پرداخته‌اند که ۸۴۹۹ نفر در دوره‌های کارشناسی، ۱۹۸ نفر در کارشناسی ارشد و ۸۴ نفر در دوره‌های دکتری فارغ‌التحصیل شده‌اند. کادر آموزشی دانشکده در سال تحصیلی جاری عبارت است از ۹۴ نفر هیأت علمی دکتر، ۳۶ نفر کارشناس ارشد و تعدادی دستیار. تعداد دانشجویان به حدود ۳۰۰۰ نفر بالغ می‌شود. در چهل سال گذشته به ۴۴ دانشجو مدال طلا و به ۴۷۰ نفر مدال نقره اهدا شده است. ۷۳ نفر از

دانشجویان بورسیه بنیاد «حسن برکیچ»^{*} هستند و به ۲۶ اثر علمی جایزه تعلق گرفته است.

در حال حاضر ۱۲ گروه آموزشی به شرح زیر در این دانشکده دایر می باشد:

۱- فلسفه و جامعه‌شناسی

۲- تعلیم و تربیت

۳- روانشناسی

۴- تاریخ

۵- زبانهای جنوب اسلاو

۶- تاریخ و ادبیات اقوام یوگسلاو

۷- زبانها و ادبیات اسلاو

۸- زبان انگلیسی

۹- زبانهای رومیایی

۱۰- زبان آلمانی

۱۱- کتابداری

۱۲- خاورشناسی

فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی می‌توانند در مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های تاریخ، فلسفه، تعلیم و تربیت، زبانشناسی، و ادبیات تحصیل نمایند. ضمناً کارشناسی ارشد رشته ادبیات خارجی از سال تحصیلی آینده دایر خواهد شد. بعلاوه، فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد می‌توانند با انتخاب استاد راهنما و موضوع پایان‌نامه به تحصیلات خود در مقطع دکتری ادامه دهند. درمقطع دکتری تشکیل کلاس درس پیش‌بینی نشده است.

سالنامه «اسلاویست» درارتباط با زبان و ادبیات اسلاو و نشریه «آثار» در

* حسن برکیچ، مبارز معروف مسلمان اهل سارایوو

دانشکده منتشر می شود و مجله Prizma در زمینه زبانشناسی آماده انتشار است. تعداد انتشارات دانشکده از بدو تأسیس تاکنون به ۵۰۰ جلد می رسد. کتابخانه دانشکده دارای حدود ۱۰۰۰۰۰ جلد کتاب و یک سالن مطالعه می باشد. دو آزمایشگاه آواشناسی در رشته های زبان و زبانشناسی و تعداد هفت کامپیوتر در زمینه های مختلف آموزشی مورداستفاده دانشجویان و هیأت علمی است. آزمایشگاه روانشناسی قریباً تأسیس خواهد شد و تعداد کامپیوترها به دوازده افزایش خواهد یافت تا کلیه قسمت ها بتوانند از آن بهره مند گردند.

دفتری از شرح زندگی و فعالیتهای علمی کلیه استادان دانشکده از زمان تأسیس تاکنون تهیه گردیده که آئینه عملکرد دانشکده در چهل سال گذشته می باشد.

دو مشکل عمده دانشکده عبارت است از: ۱- کمبود فضای آموزشی ۲- مسکن برای کارکنان.

رشته خاورشناسی

رشته خاورشناسی علاوه بر دانشگاه ساریوو در دانشگاههای بلغراد، پریشینا و اسکوپیه تدریس می شود. دوره این رشته در دانشگاه ساریوو حداقل چهارسال و حداکثر شش سال است. هر سال تحصیلی از دو نیمسال تشکیل می شود. نیمسال اول از ابتدای اکتبر و نیمسال دوم از نیمه فوریه شروع شده و سال تحصیلی در ماه ژوئن خاتمه می یابد. جلسات درس هفتگی دوساعته است که در دویخش جدا ازهم تدریس می شود. شروع هر بخش دقیقه پانزدهم هرساعت و مدت آن چهل و پنج دقیقه است.

در پایان نیمسال اول معمولاً امتحان برگزار نمی شود بلکه همه امتحانات در پایان نیمسال دوم انجام می گیرد. دانشجویانی که نمره قبولی کسب نمی کنند می توانند در امتحانات سپتامبر شرکت نمایند و چنانچه مجدداً تنها در یک یا دو درس قبول نشوند بار دیگر در ماه نوامبر و حتی در ژانویه امتحان خواهند داد. نمره

امتحانی حداکثر ده و حداقل ۵ است ولی کمترین نمره قبولی شش می باشد. فارغ التحصیلان این رشته به کسب مدرک کارشناسی «خاورشناسی» نایل می شوند. زبانهای شرقی در چهارگرایش تحصیلی به شرح زیر در رشته خاورشناسی تدریس می شود:

۱- زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات ترکی

۲- زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی

۳- زبان و ادبیات ترکی و زبان و ادبیات عربی

۴- زبان و ادبیات ترکی و زبان و ادبیات فارسی

در هر گروه، اولین زبان، زبان A محسوب می شود و مدت تدریس آن چهار سال است. زبان دوم، زبان B می باشد که مدت تدریس آن سه سال است. بنابراین، زبان عربی در گروههای ۱ و ۲، و زبان ترکی در گروههای ۳ و ۴ هر یک به مدت چهار سال تدریس می شود ولی مدت تدریس فارسی در گروههای ۲ و ۴ سه سال است. علاوه بر این، در گروههای ۱ و ۳، زبان فارسی به عنوان زبان C به مدت یک سال تدریس می شود و همینطور زبان عربی در گروه ۴ که مدت تدریس آن به عنوان زبان C یک سال است.

مواد درسی و برنامه هر یک از چهارگرایش مذکور در زیر آورده شده است. توضیح این که مواد درسی هر نیمسال ثابت بوده و از روش واحدی استفاده نمی شود.

گرایش تحصیلی زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات ترکی

سال اول: زبان عربی ۱، زبان ترکی ۱، زبان فارسی C، زبان صربوکروات، اصول مارکسیسم ۱، دفاع ملی، تربیت بدنی

ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۲۰ جمع: ۳۲ ساعت در هفته

سال دوم: زبان عربی ۲، زبان ترکی ۲، ادبیات قدیم عرب، ادبیات عثمانی ۱،

اصول مارکسیسم ۲، دفاع ملی ۲

ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۵ جمع: ۲۷ ساعت در هفته
سال سوم: زبان عربی ۳، زبان ترکی ۳، ادبیات کلاسیک عرب، ادبیات
عثمانی ۲، تمدن خاور و اسلام

ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۶ جمع: ۲۶ ساعت در هفته
سال چهارم: زبان عربی ۴، ادبیات جدید عرب، تاریخ زبان عربی و مقدمه‌ای بر
سامی‌شناسی، سبک‌شناسی و اصول عروض، تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۸ جمع: ۲۸ ساعت در هفته

گرایش تحصیلی زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی

سال اول: زبان عربی ۱، زبان فارسی ۱، زبان صربو کرواتی - کرواتو صربی، اصول
مارکسیسم ۱، دفاع ملی ۱، تربیت بدنی

ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۶ جمع: ۲۶ ساعت در هفته
سال دوم: زبان عربی ۲، زبان فارسی ۲، ادبیات قدیم عرب، ادبیات فارسی ۱،
اصول مارکسیسم ۲، دفاع ملی ۲

ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۸ جمع: ۳۰ ساعت در هفته
سال سوم: زبان عربی ۳، زبان فارسی ۳، ادبیات کلاسیک عرب، ادبیات
فارسی ۲، تمدن خاور و اسلام

ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۶ جمع: ۲۶ ساعت در هفته
سال چهارم: زبان عربی ۴، ادبیات جدید عرب، تاریخ زبان عربی و مقدمه‌ای بر
سامی‌شناسی، سبک‌شناسی و اصول عروض، تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۲ جمع: ۲۲ ساعت در هفته

گرایش تحصیلی زبان و ادبیات ترکی و زبان و ادبیات عربی

سال اول: زبان ترکی ۱، زبان عربی ۱، زبان فارسی C، زبان صربوکرواتى -
کرواتوصربى، اصول مارکسیسم ۱، دفاع ملی ۱، تربیت بدنی
ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۸ جمع: ۳۰ ساعت در هفته
سال دوم: زبان ترکی ۲، زبان عربی ۲، ادبیات عثمانی ۱، ادبیات قدیم عرب،
اصول مارکسیسم ۲، دفاع ملی ۲
ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۵ جمع: ۲۷ ساعت در هفته
سال سوم: زبان ترکی ۳، زبان عربی ۳، ادبیات عثمانی ۲، ادبیات جدید عرب،
تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۶ جمع: ۲۶ ساعت در هفته
سال چهارم: زبان ترکی ۴، ادبیات جدید ترکی، اسناد و نوشته‌های قدیم ترکی،
زبان عثمانی، تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۲ جمع: ۲۲ ساعت در هفته

گرایش تحصیلی زبان و ادبیات ترکی و زبان و ادبیات فارسی

سال اول: زبان ترکی ۱، زبان فارسی ۱، زبان عربی C، زبان صربوکرواتى -
کرواتوصربى، اصول مارکسیسم ۱، دفاع ملی ۱، تربیت بدنی
ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۸ جمع: ۳۰ ساعت در هفته
سال دوم: زبان ترکی ۲، زبان فارسی ۲، ادبیات عثمانی ۱، ادبیات فارسی ۱،
اصول مارکسیسم، دفاع ملی ۲
ساعات درس: ۱۲ ساعات تمرین: ۱۴ جمع: ۲۶ ساعت در هفته
سال سوم: زبان ترکی ۳، زبان فارسی ۳، ادبیات عثمانی ۲، ادبیات فارسی ۲،
تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۵ جمع: ۲۵ ساعت در هفته

دانشکده فلسفه ساریوو و رشته خاورشناسی

سال چهارم: زبان ترکی ۴، ادبیات جدید ترکی، زبان عثمانی، اسناد و
نوشته‌های قدیم ترکی، تمدن خاور و اسلام
ساعات درس: ۱۰ ساعات تمرین: ۱۲ جمع: ۲۲ ساعت در هفته

تاریخچه زبان و ادبیات فارسی

در بوسنی و هرزگوین

اگر بدون مطالعه قبلی در تاریخ و فرهنگ بالکان و رابطه تاریخی و ادبی ایران با کشورهای این منطقه به سارایوو وارد شویم از تأثیر زبان و ادب فارسی در بوسنی و هرزگوین و به طور کلی سرزمینهای بالکان در شگفت می شویم. ما با «سارایوو» به عنوان نام زیبایی که جزء اصلی آن را «سرای» فارسی تشکیل می دهد برمی خوریم*^۱. با واژه «باش چارشیا» به معنی چهارسوی بزرگ که سمبل منطقه مسلمان نشین سارایوو بوده و بناهای تاریخی و شکوهمند قرون گذشته را در خود دارد آشنا می شویم. اصطلاح ادبی «شهر سارایوو» را در مفهوم این منطقه تاریخی زیبا می شنویم. کلمات فارسی زیادی همچون چسمة (چشمه)، زومبول (سنبل)، جول (گل)، پاپوچا (کفش راحتی)، دوشمن (دشمن) و بهار (شکوفه) را در زبان رایج مردم سارایوو می یابیم. بر ستونهای رستوران ایرانی، نزدیک باش چارشیا،

* برای معنی سارایوو رجوع کنید به صفحه ۳۱

رباعیات حکیم عمر خیام و ترجمه آن به صربو کرواتى را مى بینیم. در کتابخانه ها نسخ بسیاری از دستنوشته های ارزشمند و ترجمه آثار بزرگ ادب فارسی را مشاهده مى کنیم. به وجود شارحان و شاعران فارسی گوی بوسنیایی پی مى بریم و بالاخره مى توانیم در مراسم پنجشنبه شب پیروان طریقه قادریه و شیفتگان مولانا جلال الدین که گرد استاد مثنوی خوان بوسنیایی مى نشینند و مجذوب اشعار فارسی حضرت مولانا و ترجمه و تفسیر آن به صربو کرواتى مى شوند شرکت کنیم. این نمونه ها علاوه بر سابقه دهها سال تدریس فارسی در دانشگاه سارایوو حکایت از نفوذ و دیرپایی زبان و ادب فارسی در بوسنی و هرزگوین دارد و آنگاه با بعد مسافتى که بین سرزمین ادب خیز ایران و این نقطه از جهان وجود دارد و با عدم رابطه مستقیمى که میان کشورمان با ممالک بالکان مى بینیم این سؤال برایمان پیش مى آید که زبان و ادبیات فارسی و آوازه شعرا و علمای ایرانی و آثار و نوشته های آنان چگونه به بوسنی و هرزگوین راه یافته و به چنین مقام رفیعی رسیده است؟ پاسخ این سؤال را باید در عظمت و غنای ادبیات فارسی و در شخصیت شعرای نامدار ایران جستجو کرد که از مرزهای این سرزمین علم و ادب فراتر رفت و به بسیاری از کشورهای جهان از جمله به اقصی نقاط آسیای صغیر و امپراطورى عثمانی رسید و شدیداً در زبان و ادبیات ترکی نفوذ یافت.

در تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران تألیف عباس مهرین نفوذ فارسی در ادبیات ترکیه چنین بیان شده است: «مرحله نخستین ادبیات ترکیه از آغاز سلطنت آل عثمان ۱۲۳۰ م تا سلطنت محمودخان ۱۸۲۹-۱۸۰۸ م ادامه داشت و در این زمان طولانى ترکی عثمانی آمیخته به الفاظ فارسی بود. سلطان سلیم اول معاصر شاه اسماعیل صفوی به زبان فارسی شعر مى سرود و دیوان اشعار فارسی او تاکنون وجود دارد. دربار سلطان عثمانی شعرای فارسی زبان را به گرمی مى پذیرفت. از متقدمین شعرای فارسی زبان که در ترکیه زندگی مى کردند و همانجا در خاک آرמידند مولانا جلال الدین بلخی است. پس از او شعرایی پدید آمدند که

هم به فارسی و هم به ترکی شعر می سرودند و قهرمانان بزم و رزمشان همانها بودند که شعرای ایران می ستودند مانند رستم و سام و گرشاسپ و عاشقانی چون فرهاد و شیرین و لیلی و مجنون. عروض ترکی با فارسی اختلافی نداشت. کمال پاشازاده از شاهنامه فردوسی تقلید می کرد و داستان یوسف و زلیخا را به سبک شاهنامه می سرود و کتابی به تقلید گلستان سعدی به نام نگارستان نوشت. همچنین از خمسه نظامی تقلید می شد. شاعر معروف فضولی که یکی از چهار شاعر بزرگ ترک شمرده می شد اصلاً ایرانی آذربایگانی بود که به بغداد رفت و سپس به آسیای صغیر هجرت کرد. نبی زاده نایلی (متوفی ۱۶۶۸ م) به سبک ایرانیان شعر می گفت و الفاظ فارسی را به کثرت استعمال می کرد که شنونده و خواننده اشعارش اگر زبان فارسی نمی دانست به افکار او پی نمی برد و همچنین نسیمی دیوانی به زبان ترکی و دیوانی به زبان فارسی دارد. از تصانیف ذاتی (۱۵۴۶-۱۳۷۱ م) کتابهایی به نام شمع و پروانه، احمد و محمود، و فرخ نامه است. نشأت احمد فرزند رفیع (۱۷۳۵ م) به زبان فارسی و ترکی شعر می سرود و همچنین عبدالرزاق نورسی معاصر شاه حسین صفوی و نادرشاه به فارسی و ترکی دیوان دارد. و نیز همین مؤلف می نویسد «بیشتر شاهان عثمانی نه تنها به فارسی آشنا بودند بلکه در آن زبان شعر می سرودند و از خود دیوان اشعار داشتند چون سلطان محمد اول و بایزید ایلدرم و سلطان سلیم اول و سلطان قانونی و سلطان محمد فاتح، و ارکان دولت عثمانی فارسی می دانستند و به فرهنگ ایران علاقه داشتند. برخی از ادبای ترک به دو زبان فارسی و ترکی شعر می سرودند. ضیا باشا تذکره ای به نام شاعران فارسی گو نوشت.»

در همین زمینه، دکتر محمد امین ریاحی که زمانی نماینده فرهنگی ایران در ترکیه بوده است در اثر خود به نام نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی چنین آورده است: «زبان و ادبیات فارسی در آسیای صغیر و سایر سرزمینهای قلمرو عثمانی جلال و شکوهی دیگر داشت که وضع هیچ کشوری جز شبه قاره هند قابل قیاس با آن نیست.»

در آسیای صغیر چندین قرن زبان فارسی زبان رسمی منحصر به فرد مملکت بود. طبقه مبرز بدان سخن می گفتند و شعر می سرودند و کتاب می نوشتند. نامه نویسی به فارسی بود، وعظ و تدریس به فارسی بود و طی آن مدت علاوه بر کتابهایی که در محل تألیف شده هزاران نسخه از دیگر متون فارسی را در آن دیار استنساخ کرده اند که اینک تعداد قابل ملاحظه ای از آنها چه در کتابخانه های ترکیه و چه در مراکز علمی ایران و اروپا و آمریکا موجود است و همه اسناد گویای نفوذ زبان فارسی در آن سرزمین است.»

فتح بوسنی و هرزگوین به دست مسلمانان در زمان سلطان محمد فاتح صورت گرفت که اوج رواج زبان و ادبیات فارسی در امپراطوری عثمانی بود. دکتر امین ریاحی در اثر فوق چنین نوشته است: «به سال ۸۵۷ با فتح استانبول به دست محمد دوم معروف به فاتح دوره امپراطوری عثمانی آغاز گردید. در نیمه اول این دوره زبان فارسی زبان رسمی و زبان مکاتبه و تألیف و شعر و ادب بود. در همه تاریخهای عثمانی نوشته اند که در همان روز فتح که سلطان محمد قدم بر کاخ امپراطوران بیزانس نهاد این بیت را می خواند:

بوم نبوت می زند بر طارم افراسیاب

پرده داری می کند در قصر قیصر عنکبوت
محمد دوم می خواست جامی را از خراسان به استانبول ببرد و چون این منظور عملی نشد مستمری سالیانه درباره او برقرار کرد و مکاتبات جامی و بایزید دوم موجود است.

در آن دوره شعر و ادب فارسی در اوج رواج بود. دیوان فارسی دوشاعر از معاصران فاتح به نامهای حامدی و قبولی به مناسبت پانصدمین سال فتح استانبول به صورت عکسی چاپ شده است. سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی هم دیوان فارسی دارند.

نامه های پادشاهان عثمانی اکثر به فارسی بود و تعداد مهمی از آنها در

منشآت السلاطین فریدون بیگ جمع آوری شده است.»

پذیرش اسلام از سوی ساکنان بوسنی و هرزگوین با رغبت و به سرعت صورت گرفت چه مردم این سرزمین از یک طرف به دلیل پیروی از مذهب بوگومیل از مدتها قبل مورد ظلم و شکنجه و تعدی فراوان قرار گرفته بودند و از طرف دیگر سلطان محمد فاتح با آنان رفتاری انسانی داشت. در تاریخ گسترش اسلام تألیف سر توماس آرنولد در این باره چنین آمده است: «فشار و ناراحتیهای وارده بر بوگومیلها به اندازه ای طاقت فرسا و غیر قابل تحمل بود که برای نجات از وضع ناهنجار خویش به ترکان متوسل شدند زیرا پادشاه بوسنی و روحانیون مسیحی فشار و شکنجه و کشتار بوگومیلها را به جایی رسانده بودند که شاید تا آن موقع در تاریخ سابقه نداشت.» و نیز در همان اثر: «ترکان، همان طور که رسم آنان بود، برای تشویق مردم بوسنی به پذیرش اسلام از اعطای هیچ گونه امتیاز خودداری نمی کردند. تمام کسانی که اسلام را می پذیرفتند حق داشتند زمین و اموال خود را حفظ نمایند و یک پنجم ثروت آنان از پرداخت هرگونه مالیات معاف بود. محتمل است که بسیاری از وراث واقعی خانواده های اصیل قدیمی که به علت عقاید بدعتی خود به وسیله کاتولیکها از میراث خود محکوم شده بودند اینک از فرصتی که برای تصاحب اموال سابق برای آنان دست داده بود با پذیرش دین پیروز اسلام استفاده نمودند. مسلمانان بوسنیایی ملیت خود را حفظ کردند و هنوز هم در مناطق زیادی از اسامی صربی استفاده می نمایند و تنها به زبان ملی تکلم می کنند. آنان همواره در عین حال شور و علاقه مخصوصی نسبت به دین جدید خود داشته اند و به علت قدرت نظامی، علاقه به اسلام و نفوذ وسیع آنان، بزرگان بوسنیایی به سرعت در قسطنطنیه به احترام رسیدند و به مقامات عالی نایل آمدند و بسیاری از آنان در مناصب مهم دولتی گمارده شدند. مثلاً در سالهای ۱۵۴۴ تا ۱۶۱۱ م نه نفر از سیاستمداران بوسنیایی به پستهای وزارت اعظم رسیدند.»

همچنین در جلد دوم تاریخ عثمانی تألیف اسماعیل حقی اوزون چارشلی

در زمینه کیفیت گرایش مردم بوسنی به اسلام چنین نقل شده است: «سلطان محمد فاتح، پس از تسخیر بوسنی، در مورد مسیحیان بوسنی که مذهب بوگومیل داشتند گذشته‌های زیادی از خود نشان داد و تعلیم و تربیت آنها را زیر نظر دولت و حکومت عهده دار شد. به علت احترام ترکها به آزادی عقیده، همه آنان که چندین قرن تحت فرمان کلیسای کاتولیک و دچار مظالم پادشاهان مخالف مذهب بوگومیل بودند به نحوی ناگهانی از اعتقادات خویش برگشته مسلمان شدند. حتی به روایتی تاریخی، سلطان محمد فاتح به علت قبول اسلام از طرف همه آنها بسی خوشحال شده و از آنان پرسیده بود که چه آرزو و خواسته‌ای دارند. آنها نیز خواهش کرده بودند که به خدمت دولت گرفته شوند و با قبول درخواستشان هم در ارتش، هم در دربار و هم در خدمات دولتی با صداقت و شرافت به انجام وظیفه پرداختند.»

به این ترتیب بود که دین اسلام و فرهنگ ملت فاتح بر زندگی مردم بوسنی و هرزگوین چیره شد. زبان و ادبیات فارسی که مورد علاقه شدید حکام و بزرگان عثمانی بود مدت چند قرن در میان اهل علم و ادب و طبقات تحصیلکرده بوسنی و هرزگوین مقامی ارجمند یافت و برای فراگرفتن آنان اهتمام فراوان مبذول گردید. خواندن و ترجمه و تفسیر آثار بزرگ ادبیات فارسی، بخصوص اشعار مولانا جلال‌الدین، سعدی، حافظ، خیام و جامی مورد توجه خاص قرار گرفت. نسخ خطی بسیاری به کتابخانه‌های بوسنی و هرزگوین انتقال یافت و یا توسط کاتبان محلی فراهم گردید. به خاطر علاقه فراوان مردم این دیار نسبت به شعر و ادب فارسی، از میان آنان شعری برخاستند که اشعار خود را به فارسی سرودند.

تعلیم فارسی حتی در برنامه مدارس، تکیه‌ها و دیگر مراکز آموزشی جای گرفت و به عنوان درس اجباری تدریس شد. پس از دست یافتن عثمانیان بر بوسنی و هرزگوین و برخی نواحی دیگر یوگسلاوی، مراکز آموزشی در سطوح زیر تأسیس گردید:

۱- مکتب برای تحصیلات مقدماتی در سه سطح

الف - مکتب صبیان برای کودکان که برنامه معینی نداشته و در روستاها و شهرهای کوچک دایر بود.

ب - مکتب ابتدایی که برنامه معینی داشته و مدت آن سه سال بود.

ج - رشديه که حدواسط بین مکتب ابتدایی و مدرسه بود.

۲- مدرسه برای تحصیلات عالی. شاگردانی که دوره مکتب را تمام می کردند وارد مدرسه می شدند. در دوره تسلط عثمانیان در مکتبهای ابتدایی و رشديه، علاوه بر دروس دیگر، دستور زبان فارسی تعلیم داده می شد. در مدرسه غازی خسروبیگ و مدرسه آت میدان ساریوو و مدارس چند شهر دیگر آثار مشهور ادبیات فارسی از قبیل گلستان، بهارستان، دیوان حافظ و مثنوی معنوی خوانده و تشریح می شد. مدرسه حاجی ابراهیم پاشا در شهر تراونیک در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی برای ترویج زبان و ادبیات فارسی فعالیت زیادی به عمل آورد. این مدرسه در اوایل قرن هجدهم از طرف شخص مذکور که والی بوسنی بود وقف مسلمانان این شهر گردید که بزودی شهرت بسزایی یافت و طالبان علوم از تمام نقاط بوسنی و هرزگوین به آنجا می آمدند.

اغلب آموزشگاههای بوسنی و هرزگوین تا سال ۱۸۷۸ میلادی طبق اصول و سنن مذهبی اداره می شد.

متأسفانه اطلاعات دقیق و مشروحی درباره دیرینه ادبی مسلمانان بوسنی و هرزگوین وجود ندارد. در ذایرة المعارف اسلام آمده است: «تاکنون در مورد آثار ادبی مسلمانان بوسنی و هرزگوین، چه به زبان صربوکرواتی و چه به زبانهای شرقی، بررسی جامعی به عمل نیامده است. از نتیجه مطالعاتی که تا این تاریخ انتشار یافته چنین برمی آید که شعرای مسلمان بوسنی و هرزگوین که به زبانهای شرقی شعر می سرودند بیشتر از زبان ترکی استفاده می کردند و به میزان کمتری از فارسی و در چند مورد از عربی.» این منبع سپس از درویش پاشا، محمد نرگسی و شیخ فوزی موستاری، شعرای مسلمان بوسنی و هرزگوین به عنوان مثال نام می برد و از احمد

سودی، مفسر مشهور ادبیات کلاسیک فارسی یاد می‌کند.

علاوه بر مطالبی که درباره تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین به شرح فوق ذکر شد سخنرانی آقای دکتر بشیر جاکا، استاد ادبیات فارسی دانشگاه سارایوو که در مراسم افتتاح کلاس فارسی بلغراد ایراد گردید و نیز سخنرانی آقای جمال لاتیج، شاعر و سردبیر نشریه صدای مسلمان در مراسم افتتاح کلاس فارسی سارایوو حاوی اطلاعات مفیدی در این زمینه است. متن این دو سخنرانی و در همین ارتباط، مطالب این جانب در دانشکده الهیات اسلامی سارایوو در زیر نقل می‌شود. امید است که انجام بررسیهای بیشتر در آینده، وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین را روشنتر سازد.

زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین

(سخنرانی دکتر بشیر جاکا)

تاریخ‌نویسان از تأثیر ادبیات فارسی و کلاً تمدن ایرانی در بالکان و علاقه به فراگیری این زبان در بوسنی و هرزگوین متعجب هستند. این تعجب وقتی بیشتر خواهد شد که بدانیم بین ملتهای بوسنی و هرزگوین و ایران تماس مستقیمی برقرار نبوده است. در پیگیری ریشه‌های این پدیده نباید راههای نفوذ میراث فرهنگ ایرانی در مناطق ما را پیش از تسلط ترکهای عثمانی فراموش کرد. به عنوان مثال انعکاس و نفوذ تمدن ایرانی در بالکان از دوران سکنی گزیدن اولین اسلاوها در این منطقه به چشم می‌خورد. آن چیزی که مسلم است این است که اسلاوهای نخستین بخشی از میراث مشترک آریایی را از وطن اولیه با خود به بالکان آوردند.

همچنین نباید نقش واسطه‌ای عثمانیها و یونانیها را فراموش کرد، هرچند بخش اعظم سنت و فرهنگ ایرانی از طریق مانویها و نومانویها و فرقه مانوی به نام بوگومیل به بالکان رسید. این تأثیرات با آمدن امپراطوری عثمانی به بوسنی و هرزگوین درخشانتر شد زیرا همانطور که می‌دانید عثمانیها از ایرانیها اسلام را

پذیرفتند و تمدن قبل خود را نیز به آن آمیختند. «اسلام از سنت ایرانی و شاید به طور غیرمستقیم از طریق مذهب یهود، مانوی و تصوف بهره برده است.» این کلمات را ژاک دوشسن گیلمن در کتاب خود تحت عنوان *La religion de l'Iran ancien* نوشته است. در جریانات و روند تاریخی بعدی، نفوذ فرهنگ ایرانی در بوسنی و هرزگوین از طریق تعلیم نومانوی بویژه جنبش نومانوی بوگومیل بوده است. هنگامی که بوسنی و هرزگوین به تسلط عثمانیها درآمد مستقیماً زیر نفوذ فرهنگ ایرانی نیز قرار گرفت. در دوران حکومت پانصدساله ترکها در بوسنی و هرزگوین سه زبان شرقی وجود داشت: زبان ترکی که زبان اجرایی و اداری بود، زبان عربی به عنوان زبان الهیات و شریعت، و زبان فارسی به عنوان زبان ادبیات بویژه شعر بود. در بوسنی و هرزگوین شعرایی بودند که به هر سه زبان شعر می سرودند. در حقیقت ترکها در زندگی عادی از روشهای خود استفاده می کردند لیکن در علم، فلسفه و بویژه در ادبیات تحت تأثیر بسیار شدید ادبیات فارسی و ایرانیها بودند. می توان گفت که زبان و ادبیات فارسی به دلیل تأثیرپذیری ادبیات عثمانیها از ادبیات ایرانی و نفوذ ادبیات پارسی بر ادبیات ترکی در شهرهای بزرگی چون استانبول، بغداد، دمشق، قونیه و حتی نواحی ما، بویژه بوسنی و هرزگوین، درخشش پیدا کرد و بدین خاطر دانستن زبان فارسی در دربارهای عثمانی از اعتبار زیادی برخوردار بود. سلطان سلیم یاووز نه تنها زبان فارسی را خوب تکلم می کرد بلکه با آن شعر نیز می سرود.

پس از آمدن ترکها و اسلام در بوسنی و هرزگوین، و حتی قبل از آن، در برخی از شهرها تکایایی باز شدند و در محافل درویشی، مساجد، مدارس و در خانه های شخصی به تفسیر اشعار باستانی تصوف بویژه جلال الدین رومی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ، بهارستان عبدالرحمن جامی، پندنامه عطار و غیره پرداختند. در شهر موستار در بوسنی و هرزگوین، شاعر و دولتمرد مشهور، درویش پاشا بایزید آگیچ (قرن شانزدهم) پس از بازگشت از استانبول، علاوه بر مؤسسات خیریه،

بخشی برای تدریس و مطالعهٔ مثنوی رومی احداث نمود. به عنوان ثمرهٔ ویژهٔ علاقه به ادبیات فارسی، بویژه ادبیات کلاسیک، آثار تفسیری با ارزشی به وجود آمد. در واقع ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین از لحاظ کمی با ادبیات دوزیان شرقی دیگر یعنی ترکی و عربی قابل مقایسه نیست لیکن از لحاظ کیفی بسیار بالاتر از آنهاست. به همین خاطر است که تمام آثار این دوره مهر تمدن ایرانی را به همراه دارند. «امروزه اکثر نویسندگان و پژوهشگران بر این عقیده هستند که منشاء تصوف از هندوستان و فلسفهٔ نوافلاطونی نیست بلکه از ایران سرچشمه گرفته است.» این کلمات بیانات پروفیسور ویکنر، استاد دانشگاه کمبریج است.

محمد خانجیچ اولین پژوهشگر بوسنیایی است که در کتاب خود آثار ادبی مسلمانان بوسنی و هرزگوین، سارایوو، ۱۹۳۴، فصل ویژه‌ای را به شعرا و نثرنویسان زبان فارسی اختصاص داده است که در مورد شاهکارهای عمده و آثار ادبی زبان فارسی است و فصل دیگری به تفسیر اختصاص دارد. خانجیچ در اثر خود به ۱۴ شاعر که آثار خود را در قرون ۱۵ تا ۱۸ به زبان فارسی نوشته‌اند اشاره می‌کند. آنها عبارتند از:

- ۱- محمود پاشا عدنی (متوفی در اواخر قرن پانزدهم)
- ۲- درویش پاشا با یزید آگیچ (متوفی به سال ۱۶۰۲)
- ۳- توکلی دده (متوفی در قرن هفدهم)
- ۴- محمد نرگسی (متوفی در قرن هفدهم)
- ۵- خسرو پاشا سکولو (متوفی در قرن هفدهم)
- ۶- احمد صبوچی (متوفی در قرن هفدهم)
- ۷- احمد طالب (متوفی به سال ۱۶۷۴)
- ۸- احمد رشدی (متوفی به سال ۱۶۹۹)
- ۹- محمد رشید (متوفی در اوایل قرن هجدهم)
- ۱۰- علی زکی کیمیاگر (متوفی به سال ۱۷۱۱)

۱۱- احمد یسری (متوفی به سال ۱۶۹۳)

۱۲- مصطفی لدنی (متوفی به سال ۱۷۲۰)

۱۳- حاجی مصطفی مخلصی (متوفی به سال ۱۷۴۹)

۱۴- شیخ فوزی موستاری (متوفی به سال ۱۷۴۷)

مشهورترین مفسر ادبیات کلاسیک فارسی احمد افندی سودی از روستای سودیچ نزدیک چابینیچه است که در قرن شانزدهم می زیسته است. براساس اطلاعات واصله، او تفسیرهایی بر غزلیات حافظ، گلستان و بوستان سعدی و مثنوی رومی نوشته است.

عشق به شعر فارسی مخصوصاً تصوف و رسم قرائت و خواندن و تفسیر این اشعار در بوسنی و هرزگوین، بویژه در مورد جلال الدین رومی تا به امروز ادامه دارد. در دوران معاصر یعنی اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم، افراد ذیل مثنوی خوانان و مفسرین برجسته اشعار صوفیانه هستند: حاجی محمد جلال الدین افندی چاوشویچ که در استانبول تحصیل کرد و زبان فارسی و آشنایی با تصوف را نزد شیخ فرقه مولویه، حاجی محمد اسد دده، در استانبول آموخت. او مثنوی را از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۸ تفسیر نمود و مدتی به خاطر جنگ جهانی اول در این کار اختلال به وجود آمد. هنگامی که درگذشت تدریس مثنوی را به دوست جوانتر خود فیض الله افندی حاجی بایریچ امانت گذارد. حاجی بایریچ زبان فارسی را نزد شیخ برجسته و نامی در سارایوو و بخش شرق شناسی وابسته به دانشکده فلسفه، استاد شاکر سیکیریچ، آموخت. به خاطر عشق و علاقه به زبان و ادبیات فارسی، در دانشکده فلسفه سارایوو در سال ۱۹۵۰ بخش زبان فارسی دایر گردید و در سال ۱۹۷۰ به یک واحد عمده درجه دوم رسید. حاجی بایریچ هنگام اقامت دومش در مرکز طریقت مولوی در ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ با استاد عبدالباقی گولپینارلی، دانشمند معروف ترکیه و متخصص مولویه و مثنوی، در تماس بود. وی تا مرگ خود در سال ۱۹۹۰ با موفقیت تفسیر مثنوی مولوی را در سارایوو انجام داد و به عنوان ثمره این

زحمات دو جلد کتاب ترجمه مثنوی با ۷۸۱۰ بیت به چاپ رسانید. وی در هنگام حیات خود حاجی خالداوندی مولیج را به عنوان مدرس و مفسر مثنوی تعیین نمود.

در آخر یک بار دیگر باید تکرار کرد که تعلیم زبان فارسی و ترجمه و تفسیر شعر تصوف بین قوم مسلمان بوسنی با آمدن ترکهای عثمانی در مناطق ما شروع شد و قرنهای باقی ماند و در دوران ما نیز ادامه دارد.

زبان و ادب فارسی در بوسنی

(سخنرانی جمال لاتیج)

به سختی می توان ارتباط مسلمانان بوسنی را با فرهنگ ایرانی مشخص نمود. گمان می رود که قبل از فتح بوسنی به وسیله امپراطوری عثمانی در سال ۱۴۶۳، مبلغین اسماعیلیه در فاصله دریای مدیترانه تا داخل این کشور و بالای رودخانه نرتوا فعالیت داشته اند. یکی از نخستین عنوانهای پیروان جدید اسلام در این منطقه «هاگاریانی» به معنی طرد شده ها و بیگانه ها بوده است که وضعیت مصیبت بار نودینان را می رساند. به عنوان مثال می توان از برده سیاهی به اسم هاجره نام برد که با پسرش از جامعه طرد شده بود.

هنگامی که سلطان محمد فاتح بر پادشاهی قرون وسطای بوسنی غلبه یافت بیش از ۳۶۰۰۰ خانوار بوگومیل بوسنیایی در یائیتسه به استقبال وی رفتند و به اسلام گرویدند. مکتب بوگومیل که مردم بوسنی قبل از رواج اسلام پیرو آن بودند بر نوعی جهان بینی دوخدایی (دوالیسم) مانی استوار گردیده و از ایران نشأت یافته است. فرقه های مختلفی داشته و در قرون وسطی از پروانس در فرانسه تا بلغارستان امروزی رایج بوده است، هر چند مرکز این مکتب مدیترانه بوده و از راه مدیترانه به کرانه های دوردست انتقال یافته است. کلیسای رسمی مسیحیان مکتب بوگومیل را الحاد اعلام نمود و از این رو پیروان آن تحت آزار قرار گرفتند. بوگومیل به طور

جدی قدرت و نفوذ سیاسی کلیسای فئودال را تکان داد. کتاب پرفروش نام گل سرخ اثر اومبرتو اکو Umberto Ecoa براساس این اختلافات قرون وسطایی به تحریر درآمده است. بوسنی مرکز بوگومیلها بود. آنها این سرزمین پرازتپه، با جویبارها و آبشارها و چشمه‌ها و رودخانه‌های بسیار را وطن خود می‌دانستند و از دسترس مفتشین روم و حاکمان بیزانس بدور بودند.

به سال ۱۴۶۳ بازگردیم. خداوند به سلطان فاتح عنایت فرمود و او را با ۱۲ تن از بهترین دانشمندانش به باغ بهشت برد. مسلمانان بوسنی تا به امروز یاد آنها را گرامی داشته‌اند. نامدارترین این دانشمندان عبارتند از آیواز ملقب به دِده به معنی جد، و ساری سالتوک. قوم مسلمان هر سال در حیاطهای قدیمی که به نام دانشمندان سلطان فاتح معروف است گرد هم می‌آیند. مشهورترین این حیاطها عبارتند از آیواتوویتسا، بالای پروستسا، نزدیک دونی واکوف کاریچی، در کوهستان بالای برزا، و دوم، بلاگای در نزدیکی سرچشمه سرسبز رودخانه بونا، نزدیک موستار. من در نزدیکی آیواتوویتسا متولد شده‌ام و برای دیدن سنگ نصف شده در کوهستان آیواتوویتسا، بالاتر از پروستسا، رفته‌ام. برای مسلمانان بوسنی، آیواتوویتسا حکم کعبه کوچکی را داشته است. (کمونیستها آمدن به این قدیمی‌ترین حیاط ما را در سال ۱۹۴۷ ممنوع ساختند و تازه سه سال پیش مجدداً آزاد شد و حیات یافت.) بنابراین، «آیواز» نام و لقب بهترین دانشمند سلطان محمد فاتح است که اسلام را در قلب بوسنی گسترش داد. آیا این نام گویای اصالت پارسی او نیست؟ وی از اهواز بود و خداوند به او لطف و عنایت کرد تا مردم ما از طریق او با اسلام کریم آشنا شوند.

در جلو مسجد علی پاشا در ساریوو مزاری وجود دارد که روی سنگ آن نقش کبوترهایی حک شده است. باتوجه به این که مسلمانان بوسنی به عنوان پیروان مذهب حنفیه از ترسیم هرگونه نقش و نگاری اکیداً پرهیز دارند آن کتیبه عجیب به نظر می‌رسد در حالی که حل این معما آسان است: زمانی در جلو راه این مسجد

تربت دوشهید ایرانی وجود داشت که روی آنها عبارت «فرزند شمس» و «فرزند توکلی» حک شده بود. پس از ویرانی این تربتها در پادشاهی یوگسلاوی، علائم جلو مسجد از میان رفت. قطعاً این دو شهید راه خدا تنها ایرانیهایی نبودند که زندگی خود را برای آزادی اسلام در سارایوو و بوسنی فدا کردند. کبوترها خاطره تمام شهدای شیعه از مناطق دوردست دنیای اسلام را گرامی می دارند.

با آمدن عثمانیها، اجداد ما در حوزه فرهنگ جهانی اسلام قرار گرفتند. با فرا گرفتن قرآن، اکثراً زبان عربی را آموختند. مسلمانان روشنفکر بوسنیایی، در مدارس مختلف روملیا Rumelija، واقع در قسمت اروپایی امپراطوری عثمانی یا مراکز علمی دیگر جهان اسلام، زبانهای عربی و ترکی را می آموختند. برخی از آنها حتی از بخارا و سمرقند می آمدند. قشر زبده این مردم که به تصوف و شعر علاقه داشت فارسی را نیز فرا گرفت. همراه با این زبان، اشکال ادبی شرقی، بویژه شعر فارسی به صورت غزل، رباعی، مثنوی و غیره وارد ادبیات بوسنی شد. شعرای کلاسیک ایرانی از قبیل فردوسی، خیام، سعدی، عطار و بویژه جلال الدین رومی به طور اجتناب ناپذیری در برنامه درسی مدارس، تکایا، خانقاهها و خانه های افراد برجسته و در هر جا که نوعی کلاسهای آموزش زبان فارسی و ادبیات عرفانی وجود داشت گنجانده شدند. مسلمانان بوسنی قرنهای گذشته ادبیات خود به زبانهای ترکی و فارسی، مجموعه ویژه ای به عنوان دیوان ادبیات فراهم آوردند که متأسفانه به خاطر کشتار فرهنگی که اولیاء امور پس از رفتن امپراطوری عثمانی به عمل آوردند به اندازه کافی مورد بررسی دقیق قرار نگرفت. برخی از شعرای مسلمان بوسنی به زبان فارسی شعر سروده بودند.

از طریق اسلام واژه های فارسی مختلفی وارد زبان بوسنیایی شد. نخستین آنها نماز است. دومین واژه زن است که قبل از اسلام و از طریق کوچ اقوام هند و ایرانی از فلاتهای ایران وارد زبان ما شده است. سپس پنجره، بزیستان (بازار سرپوشیده)، چارداک (طبقه دوم خانه)، چادر، آلبالو و غیره. علاوه بر اینها، اسامی غذا، پارچه و

زیورآلات نیز در زبان بوسنیایی وجود دارد. به هر صورت، بحث در مورد صدها کلمه است. یک ضرب‌المثل هم رابطهٔ مسلمانان بوسنی را با فرهنگ اسلامی ایران به بهترین وجهی تصویر می‌کند. در بوسنی می‌گویند: «در بهشت به زبان عربی تکلم می‌کنند لیکن اگر بخواهی به بهشت برسی باید زبان فارسی بدانی». این بدان معنی است که خردمندانه‌ترین آثار علوم اسلامی به زبان فارسی نوشته شده است و نخست باید آنها را خواند تا به بهشت رسید.

تا به حال کشور شما را آگاهانه پارس خطاب می‌کردم هرچند مطلع هستم که از سال ۱۹۳۵ این کشور به طور رسمی ایران خوانده می‌شود. تصور ما در بوسنی در مورد این کشور بزرگ هنگامی که امام خمینی (ره) نهضت اسلامی را در آن رهبری نمود تغییر یافت. ما تا آن زمان ملت ایران را بنابه رباعیات به اشتباه تفسیر شدهٔ عمرخیام و بنابه آن اشعار جادویی، با کاخها، رزها و بلبلهای شیراز می‌شناختیم. راجع به نسلهایی که پس از جنگ جهانی دوم رشد یافتند سخن می‌گویم. اواخر زمستان سال ۱۹۷۸، هنگامی که در مسافرت بودم، از دوستان خود در مورد تحولات ایران مطلع شدم. برای نخستین بار در تلویزیون اسپانیا مردی را با نهضت عظیمش دیدم که رویدادهای ایران را رهبری می‌کرد. از آن روزها تصور ما دربارهٔ این سرزمین کاملاً تغییر یافت. ایران دیگر آن پارسی نیست که از آن شراب می‌چکد بلکه سرزمین اسلام است. آزادی ناشی از انقلاب اسلامی که مردم ایران به دست آوردند و درک عمیق آنان از مذهب کریم ما که با شر و فساد سازش‌پذیر نیست یکباره بر ما آشکار گردید و ما انتظار چنین چیزی را در این قسمت از جهان اسلام نداشتیم. به خاطر شادمانی ما نسبت به انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۸۳ دستگیر شدیم. بنابراین، رابطهٔ ما با مردم مسلمان ایران به طریق تازه‌ای ادامه یافت و با عنایت خداوند امروز نیز پابرجاست.

فارسی و آموزش آن در بوسنی و هرزگوین

(سخنرانی مؤلف در دانشکده الهیات ساریوو)

بسم الله الرحمن الرحيم. برادران و خواهران گرامی

مسافرت به ساریوو اولین برخورد عملی من با زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران است. وقتی سال گذشته وارد ساریوو شدم آن را به عنوان شهری که از نظر تاریخی و طبیعی زیباییهای زیادی دارد تحسین کردم و هنگامی که با زبان و تاریخ ساریوو بیشتر آشنا شدم به ارتباطهای زبانی، ادبی و فرهنگی دلپذیری بین این سرزمین اسلامی و کشور اسلامی خودمان پی بردم و نکات جالبی توجه مرا جلب کرد.

یک مورد جالب برای من نام ساریوووست که اولین بار در سال ۱۵۰۷ به کار رفته و از ترکیب Saraj-ovasi یعنی «اطراف کاخ حاکم» به جای مانده است و اشاره دارد به بنای ساریووی امروز به فرمان حاکم ترک در کنار رودخانه میلیاتسکا، و این که حاکم ترک برای خود و حکمرانان بعدی کاخی ساخت به نام «سرای». «سرای یاسرا» واژه فارسی به معنی خانه، بنای عالی و قصر است که علاوه بر داشتن کاربرد ادبی، امروز یکی از فعالترین پسوندهای زبان فارسی است. «باش چارشیا» که سمبل ساریووی تاریخی و زیباست، با پیشوند ترکی، به معنی چهارسوی اصلی است. واژه چارشییای فارسی، امروز در زبان ما به صورت چهارسو یعنی گذرگاه چهارطرفه می باشد. ما در اطراف باش چارشیا، اشعار حکیم عمر خیام نیشابوری را بر دیوارهای رستوران ایرانی می بینیم و از «چشمه» فارسی آب می خوریم با این تفاوت که در چشمه های ایران آب از زمین خارج می شود ولی در اینجا از لوله. بازار و بازار برای ما کلمات زیبا و آشنایی هستند. واژه «شهر» فارسی به معنی grad شما هنوز به صورت ادبی بر ساریووی قدیم دلالت دارد. تعدادی از اسامی ایرانی بین مردم ساریوو رواج دارند از جمله بهمن، کیوان، فرهاد، فیروز، خسرو، خورشید،

درویش، جانان، رستم، شاهین، نیاز، نریمان و زیبا. این نمونه‌ها کم نیست و هریک از آنها پیوند زبانی جالبی را بین زبان ما و زبان شما تداعی می‌کند. از این گذشته کلمات عربی مشترک در فارسی و بوسنیایی بسیار زیاد است.

نسخه‌های خطی فارسی در سارایوو دلیل محکمی بر ارتباط علمی و ادبی گذشته این سرزمین با ایران به‌شمار می‌رود. استاد ارجمند دانشکده فلسفه، آقای صالح تراکو که گلستان سعدی شیرازی را به‌زبان بوسنیایی ترجمه کرده‌اند مشخصات نزدیک به ۵۰۰ نسخه خطی فارسی را در مؤسسه تحقیقات خاورشناسی تهیه کرده‌اند و مجموعه‌ای در این زمینه به‌چاپ رسیده است. این کتابها زمینه‌های ادبی، علمی و فرهنگی ایران اسلامی را دربر می‌گیرد. در کتابخانه غازی خسروبیگ که یکی از کتابخانه‌های بسیار معتبر و مهم است کتابهای قدیمی ارزشمندی به‌صورت خطی نگهداری می‌شود. قدیمی‌ترین کتاب خطی این کتابخانه احیاء علوم‌الدین اثر امام محمد غزالی، دانشمند ایرانی است. دومین کتاب قدیمی فردوس‌الخبار فی مآثور الخطاب از ابوشجاع شیرویه ابن شهردار، اهل همدان ایران است. سومین کتاب قدیمی الکشف والبیان فی تفسیر القرآن از ابواسحق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعالبی نیشابوری است. سه اثر قدیمی بعدی نیز از علمای ایرانی و عبارتند از جلدهای ششم و هفتم تفسیر قرآن کریم از ابوالقاسم جارالله زمخشری و تفسیر فاتحه، جزئی از مفاتیح‌الغیب رازی موسوم به تفسیر کبیر. علاوه بر اینها، کتابخانه غازی خسروبیگ یکی از زیباترین نمونه‌های خوش‌نویسی مشرق زمین را دارد و آن دیوانی است به‌نام تحفة‌الازهار از نورالدین عبدالرحمان جامی، و بالاخره یک اثر نادر مصور از دیوان خواجه حافظ شیرازی در این کتابخانه است. باید اضافه کنم که کار بررسی نسخه‌های خطی در کتابخانه غازی خسروبیگ توسط آقای صالح تراکو و همکارانشان ادامه دارد.

ترجمه و شرح و تفسیر آثار بزرگ ادبیات فارسی پیوسته مورد توجه ادبای

بوسنی و هرزگوین بوده است. در میان شرح‌نویسان، احمد سودی بوسنوی* در ایران شناخته شده و شهرت دارد. بعضی از تفسیرهای احمد سودی بوسنوی به زبان فارسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

به سادگی می‌توان فهمید که زبان و ادبیات فارسی در طول بیش از چهار قرن حکومت ترکان مسلمان عثمانی مقام ارجمندی در نزد مردم بوسنی و هرزگوین داشته و در این سرزمین زبان ادبیات بوده است. بعضی از شعرا به فارسی شعر می‌سروده‌اند و بزرگان و ادب‌دوستان به آموزش و تکلم فارسی علاقه فراوانی داشته‌اند.

در کتابی به نام اسلام و مسلمانان در بوسنی و هرزگوین تألیف مشترک دکتر محمد حاجی یاهیچ، محمود تراهیچ و نیاز شکرپیچ، چاپ ۱۹۷۷ ساریوو، از یک کلوب فارسی اسم برده شده است. در این کتاب نوشته شده که در قرن نوزدهم گروهی از علاقمندان به زبان و ادبیات فارسی در ساریوو اقدام به تشکیل نوعی کلوب کردند که حدود ۵۰ عضو داشت. آنها آثار کلاسیک ادبیات فارسی را به زبان فارسی می‌خواندند و همه اعضا موظف بودند بین خود به زبان فارسی صحبت کنند. اگر یکی از اعضا کلمه‌ای به صربی می‌گفت لازم بود مقداری پول به عنوان جریمه در کاسه‌ای بریزد و این پول صرف برنامه‌ای دسته‌جمعی می‌شد. استاد و مؤسس این گروه شیخ عارف صدقی بود که بین سالهای ۱۸۶۸ تا ۱۸۸۰ سمت استادی مدرسه مصری در ساریوو را داشت.

شیخ عارف صدقی علاوه بر اداره کلوب فارسی استاد مثنوی بود و آن را

* نام بوسنی در زبان اصلی آن کشور بوسنا Bosna است که از اسم رودخانه بوسنا گرفته شده و صفت آن قاعدتاً بوسنوی می‌شود. احمد سودی، شارح بزرگ ادبیات فارسی، در ایران به همین صفت بوسنوی شهرت یافته است. صورت بوسنی از Bosnie که تلفظ فرانسه Bosna است در فارسی رایج گردیده. ضمناً در زبان صربوکرواتی، Bosna در حالت فاعلی بوده که در حالت مفعولی بواسطه به شکل Bosni درمی‌آید. شاید این تغییر شکل علت دیگر رواج بوسنا به صورت بوسنی باشد.

به گروهی از شاگردان خود درس می داد. بعد از وی بهاءالدین سیکیریچ این سمت را به عهده گرفت. بعد از او رئیس العلما چاوشویچ، و بعد حاجی مویاگا مرحمیچ، و بعد فیض الله حاجی بایریچ این سمت را داشته اند و امروز حاجی خالد مولیچ مدرس مثنوی است.

در همین کتاب از شخصی به نام عیسوی محمد امین اهل ساریوو نام برده شده که در حدود نیمه قرن نوزدهم مثنوی را در مدرسه ای موسوم به مدرسه آت میدان در ساریوو تدریس می کرد. مدتی برای یاد گرفتن زبان فارسی به ایران رفت و پس از مراجعت مترجم و مفسر مثنوی گردید.

آنچه تاکنون گفته شد نشان دهنده رابطه دلپذیر زبانی و فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بوسنی و هرزگوین است و یقین دارم که به یمن برقراری حکومت اسلامی در ایران این پیوند عمق بیشتری خواهد یافت.

اینک اجازه می خواهم به بررسی تطبیقی کوتاهی در مورد زبانهای فارسی و بوسنیایی بپردازم تا معلوم شود که آموزش فارسی برای دانشجویان و علاقمندان این زبان در بوسنی به آسانی میسر است.

می دانید که دانشکده فلسفه دانشگاه ساریوو پیشرو و بزرگترین مرکز آموزش زبان فارسی در بالکان است. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ زبان فارسی به عنوان زبان C یعنی به مدت یک سال در دوره چهارساله رشته خاورشناسی تدریس شده است. از سال ۱۹۷۰ تاکنون مدت تدریس آن به عنوان زبان B به سه سال افزایش یافته است. ضمناً رشته خاورشناسی در دانشگاههای بلگراد، پریشتینا و اسکوپیه نیز تدریس می شود ولی تدریس زبانهای شرقی در آن دانشگاهها محدود به ترکی و عربی است. لازم است اشاره کنم که دانشجویان دانشگاه ساریوو به یادگیری زبان فارسی علاقه زیادی نشان می دهند و آن را زبانی شیرین و آسان توصیف می کنند.

فارسی و بوسنیایی به دلیل تعلق به خانواده زبانهای هند و اروپایی اصولاً دارای پیوندهای واژگانی و دستوری هستند بخصوص که زبانهای اسلاو در نخستین

مرحله تحول خود از نظر تاریخی به طور کلی از زبانهای هند و ایرانی تأثیر پذیرفته اند. زبانهای اسلاو کلاً حالت قدیمی و گذشته خود را حفظ کرده اند. همه این زبانها بجز بلغاری دارای نظام صرف اسم هستند. اسم در آنها هفت حالت و سه جنس دارد. ضمایر، صفات و افعال نیز تابع تغییرات صرفی زیادی هستند. بنابراین، زبانهای اسلاو از هر گروه دیگر خانواده هند و اروپایی به زبان اصلی هند و اروپایی نزدیکتر به نظر می رسند. زبان فارسی قدیم نیز دارای ویژگیهای تقریباً مشابهی از نظر صرف کلمات و جنسیت بوده است ولی با تحول به صورت فارسی میانه و سپس به شکل فارسی نو این ویژگیها را از دست داده و امروز از نظر یادگیری زبان ساده ای به شمار می رود.

هر دو زبان دارای تفاوتهای آوایی کم و بیش یکسانند در حالی که در برابر دو خط لاتین و سیریل که صربو کرواتی را به آن می نویسند زبان فارسی با خط واحدی نوشته می شود. خط صربو کرواتی که کاملاً آوایی است کمک زیادی در زمینه خواندن و یادگیری زبان به دانشجویان خارجی می نماید ولی برعکس، خط فارسی غیر آوایی است که در آن، تعدادی از حروف هریک نماینده دو یا چند صدا هستند و بعضی از حروف دارای صدای واحدی می باشند. بنابراین، تلفظ و خواندن فارسی دشوارتر از بوسنیایی است ولی در عین حال بافت کلمه و استفاده از سه نشانه آوایی در خط، خواندن آن را آسان می سازد.

یکی از مشکلات یادگیری بوسنیایی برای ایرانیان بی قاعده بودن محل تکیه در کلمات است. تنها قاعده ای که در این مورد وجود دارد قرار نگرفتن تکیه بر هجای آخر است. در زبان فارسی این مشکل در حد بسیار کمتری وجود دارد زیرا تکیه در این زبان معمولاً از قواعد خاصی پیروی می کند و به طور کلی بر هجای آخر قرار می گیرد جز در مواردی مشخص و استثنایی.

برای ایرانیانی که زبانهای اسلاو را می آموزند وجود همخوانهای متعدد بخصوص در آغاز هجا آموزش واژگان را دشوار می سازد. مثلاً Szczebrzeszyn در

لهستانی اسم یک مکان است و یا کلمه Žbžbto در این زبان به معنی «ساقه» و دارای پنج همخوان متوالی است. این ویژگی در زبان بوسنیایی نیز آشکار است. مثلاً smrskati به معنی «نابود کردن و خراب کردن» و crkva به معنی «کلیسا» به ترتیب دارای پنج و چهار همخوان متوالی می باشند و smrt به معنی «مرگ» چهار همخوان بدون واکه دارد. هجای کلمه در فارسی دارای ساختمان ساده‌ای است و بیش از یک همخوان نمی تواند در آغاز هجا واقع شود. این تفاوت در ساختمان کلمه سبب می شود که دانشجویان بوسنی هجاهای کلمات فارسی را درهم ادغام کنند مثلاً برادر را به صورت bradar تلفظ کنند.

زبان فارسی دارای دو گونه رسمی و محاوره‌ای است. گونه رسمی، زبان نوشتن و خواندن است در حالی که تکلم، فقط به گونه محاوره‌ای صورت می گیرد. علیرغم تفاوت بسیار این دو گونه، وجود قواعد مشخص، فراگیری تفاوتها را آسان می سازد. این دوگانگی اصولاً در بوسنیایی وجود ندارد با وجود این مثالهایی بسیار محدود از گونه گفتاری را می توان در آن یافت.

بین فارسی و بوسنیایی از نظر ساختمان نحوی شباهتهای قابل توجهی وجود دارد. جمله فارسی بخصوص در گونه محاوره‌ای از انعطاف پذیری زیادی برخوردار است. همین ویژگی در بوسنیایی نیز دیده می شود. مثلاً دو دسته جمله‌های زیر در دو زبان دارای معنای برابرند:*

Ja sam otišao kući.	من به خانه رفتم.
Otišao sam u kuću.	به خانه رفتم.
Otišao sam kući.	من خونه رفتم.
Kući sam otišao.	خونه رفتم.

* برای تلفظ کلمات بوسنیایی در این صفحه و صفحات بعد به پانوش صفحه ۱۲ رجوع نمایید.

U kuću sam otišao. من رفتم خونه.

(Danas (امروز sam otišao u kuću.

(Danas (امروز sam otišao kući.

Ja sam otišao u kuću.

در زمینه ساختارهای نحوی و آوایی تصادفاً به شباهتهای تقریبی جالبی در کلاسهای درس برخوردیم مانند نمونه‌های زیر که مؤید قرابت دو زبان است:

koje	کیه	nisam	نیستم
čemu (locative)	چه	nisi	نیستی
šeststo	ششصد	može	میشه
ako	اگه	nemože	نمیشه
		ново	نو

از این نمونه‌ها فراوان است.

واژگان زبان آخرین قسمت این بررسی است. دانشجویان زبان فارسی در دانشکده فلسفه سارایوو از برخورد با واژه‌های آشنای فارسی در زبان بوسنیایی و پی بردن به ساختمان و تغییرات معنایی آنها احساس لذت می‌کنند. ضمناً لغات و اصطلاحات عربی فراوانی از زمان گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام به زبان فارسی راه یافته است. تعداد قابل توجهی نیز واژه‌های ترکی در زبان ما وجود دارد. بنابراین بسیاری از واژگان زبان بوسنیایی با کلمات و اصطلاحات رایج در زبان فارسی اعم از فارسی، عربی و ترکی مشترکند و یا با تغییر معنایی به کار می‌روند و این نقطه قوتی است برای آموزش فارسی توسط علاقمندان و دانشجویان این جمهوری.

برای مثال این واژه‌های رایج در زبان بوسنیایی فارسی هستند:

durbin	دوربین	dušman	دشمن
namaz	نماز	nišan	نشان
oroz	خروس	pendžer	پنجره

زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین

pače	پاچه	ambar	انبار
taze	تازه	hava	هوا
terazije	ترازو	ćilim	گلیم
turšija	ترشی	duvar	دیوار
zumbul	سنبُل	meze	مزه
papuče	پاپوش	parče	تکه، قطعه، خرده
zerdelija یا rezdelija	زردالو	česma	چشمه
lala	لاله	hasta	بیمار
pirinač	برنج	behar	شکوفه
bakšiš	بخشش	abdest	وضو

این واژه‌های ترکی و عربی در زبانهای فارسی و بوسنیایی مشترکند ضمناً تعداد این نوع واژه‌ها بمراتب بیشتر از کلمات فارسی است.

insan	انسان	sofra	سفره
iman	ایمان	sunet	سنت
kadifa	قدیفه	halva	حلوا
rahat	راحت	čef, čeif	کیف
sedef	صدف	hajr	خیر
sevap	صواب	halal	حلال
dželat	جلاد	halka	حلقه
belaj	بلا	čarapa	جوراب
hajvan	حیوان	džep	جیب
mušterija	مشتري	duhan	دخانیات
inat	عناد	kalup	قالب
dučan	دکان	kutija	قوطی

šerbe	شربت	sat	ساعت
kašika	قاشق	zanat	صنعت
kavaz	قفص	baklava	باقلاوا
raja	رعایا	sanduk	صندوق

نمونه‌های زیر در بوسنیایی با تغییر معنایی همراهند:

raja = رعایا به معنی دوستان خودمانی

jaran = یار به معنی یک دوست نزدیک و صمیمی که معمولاً در مورد هم‌سن و سالها و بخصوص جوانها به کار می‌رود.

česma = چشمه به معنی آب لوله‌کشی شده در کوچه و خیابان برای مصرف

عموم

hasta = خسته به معنی بیمار

behar = بهار به معنی شکوفه میوه. از این کلمه فعل beharati به معنی شکوفه

کردن ساخته شده است.

از این نمونه‌ها نیز بسیار است.

آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه سارایوو

دکتر شاکر سیکیریچ، ایران‌شناس و استاد ارجمند زبان و ادبیات فارسی بوسنی و هرزگوین پس از تأسیس دانشگاه سارایوو، در سال ۱۹۵۰ بخش خاورشناسی را در دانشکده فلسفه آن دانشگاه بنیان نهاد و زبانهای عربی و ترکی به عنوان زبانهای اصلی شرقی در برنامه درسی بخش خاورشناسی قرار گرفت. زبان فارسی نیز به نام «عناصر زبان فارسی در ترکی» به صورت یک درس فرعی از دروس مربوط به زبان ترکی در برنامه گنجانیده شد.

زبانهای ترکی و عربی هرکدام به عنوان زبان A در تمام چهار سال دوره کارشناسی رشته خاورشناسی تدریس می شد ولی تدریس فارسی به عنوان زبان C فقط به یک سال محدود بود. از سال ۱۹۷۰، با شروع خدمت آقای دکتر بشیر جاکا که دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به پایان رسانیده بود، زبان فارسی به سطح B ارتقا داده شد که مدت تدریس آن سه سال است و ضمناً آموزش ادبیات فارسی همزمان آغاز گردید. از آن تاریخ تاکنون تدریس زبان فارسی به دانشجویان سالهای اول، دوم و سوم رشته خاورشناسی و تدریس ادبیات فارسی به دانشجویان سالهای دوم و سوم این رشته به طور منظم ادامه یافته است.

هیأت علمی زبان و ادبیات فارسی

در رشته زبان و ادبیات فارسی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۱ علاوه بر این جانب سه نفر به صورت تمام وقت و یک نفر استاد میهمان که همگی یوگسلاو هستند به تدریس مشغولند.

۱- آقای دکتر بشیر جاکا، اهل سارایوو، رئیس کرسی زبان فارسی، دارای درجه دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۹۶۹. رساله دکتری ایشان مقایسه شاهنامه فردوسی با حماسه ملی یوگسلاوی است. نامبرده تدریس بخشی از دروس زبان و کلیه دروس ادبیات را برعهده دارند.

۲- آقای صالح تراکو، همکار بازنشسته مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی که با زبانهای ترکی، عربی و فارسی آشنایی قابل ملاحظه‌ای داشته و به عنوان استاد میهمان در تدریس دروس ادبیات بویژه در زمینه خواندن و ترجمه اشعار با آقای دکتر جاکا همکاری دارند.

۳- خانم آیدا داماجیچ، اهل توزلا؛ لیسانسیه خاورشناسی از دانشکده فلسفه سارایوو و فوق لیسانس زبانشناسی از دانشگاه بلگراد در سال ۱۹۸۸. ایشان از سال ۱۹۸۴ تدریس زبان فارسی سالهای دوم و سوم را برعهده دارند.

۴- خانم وسنا جوکیچ، اهل سارایوو، لیسانسیه خاورشناسی از دانشکده فلسفه سارایوو و دانشجوی فعلی کارشناسی ارشد زبانشناسی در همین دانشکده. نامبرده از دو سال پیش تدریس زبان فارسی در سالهای اول و دوم را با همکاری خانم آیدا داماجیچ برعهده دارند.

لازم به یادآوری است که تا سال تحصیلی گذشته شادروان جمال چهاجیچ، از همکاران مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی با گروه فوق همکاری داشته‌اند. ضمناً در سال ۱۳۶۰ آقای دکتر محمد ترابی، استاد محترم گروه ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی به مدت چندماه و سپس در سالهای تحصیلی ۶۷-۱۳۶۵ آقای حسن مشتاق، همکار گرامی دانشگاه بوعلی سینای همدان، با بخش خاورشناسی

دانشگاه سارایوو در زمینه تدریس زبان و ادبیات فارسی همکاری نموده‌اند.

برنامه استاد ایرانی

وظایفی که برای استاد ایرانی زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

- ۱- تمرین قرائت و مکالمه در چهارچوب متونی که توسط استادان بومی به زبان صربوکرواتى به دانشجویان تدریس می‌شود با تأکید بر نکات دستوری و واژگان فنی و تخصصی مربوط
- ۲- تدریس و تمرین گونه گفتاری زبان با تأکید بر قواعد تبدیل گونه رسمی به گفتاری بویژه در زمینه آهنگ، تکیه و وجوه اختلاف ساختاری بین دوزبان فارسی و صربوکرواتى
- ۳- بحث گروهی و مکالمه آزاد براساس کتابهای داستانی و متون دیگری که علاوه بر برنامه کلاسی توسط استاد ایرانی در اختیار دانشجویان گذاشته می‌شود
- ۴- برگزاری جلسات سخنرانی توسط دانشجویان به زبان فارسی
- ۵- انتخاب قطعات و نمونه‌های شعری در ارتباط مستقیم با دروس ادبیات و خواندن و تمرین آنها با توجه به قواعد عروضی
- ۶- همکاری با استادان بومی در زمینه برنامه‌ریزی آموزش و کمک به پیشرفت دانش‌زبانی آنان
- ۷- آموزش خط فارسی به دانشجویان

دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰

باتوجه به نحوه برنامه‌ریزی در رشته خاورشناسی، گرفتن درس زبان و ادبیات فارسی یا به عنوان زبان B به مدت سه سال و یا حداقل به صورت زبان C در طول یک سال برای کلیه دانشجویان خاورشناسی اجباری است. از این رو تمامی

پذیرفته شدگان این رشته حداقل در سال اول تحصیلی خود در کلاسهای درس فارسی شرکت می نمایند. اسامی ۴۴ نفر دانشجویان زبان فارسی (۱۲ پسر و ۳۲ دختر) که طبق برنامه فوق در سالهای اول، دوم و سوم خاورشناسی در سال تحصیلی ۹۱-۱۹۹۰ (۷۰-۱۳۶۹) از کلاسهای فارسی استفاده کرده اند به شرح زیر است:

سال اول

۱- خانم	آسیما	آکاگیچ
۲- »	حوریا	آلیباشیچ
۳- »	مینِها	اسماعیل بگوچیچ
۴- »	مایا	اشتولیچ
۵- »	جنیتا	ایما مویچ
۶- »	آیدا	بشلاگیچ
۷- »	سانیا	چنگگیچ
۸- »	آیلا	حافیز
۹- »	گالینا	دوئیچ
۱۰- »	مایدا	دیزدارویچ
۱۱- »	عمرا	زوبچویچ
۱۲- »	آلیا	شوح
۱۳- »	داریا	شیمونویچ
۱۴- »	اسلاجانا	کیلباردا
۱۵- »	مینلا	گازبارا
۱۶- »	آیدا	مویزین
۱۷- »	آدیسا	مویکیچ

۱۸- خانم	مایا	میلوشویچ
۱۹- »	والریا	وِرانیکویچ
۲۰- »	آنِیسا	باهیچ
۲۱- آقای	امیر	بِگُویچ
۲۲- »	رونالد	یرمان
۲۳- »	جلال	ریضایی
۲۴- »	نِجاد	کاپتانویچ
۲۵- »	موصطفا	کاراحمت
۲۶- »	ایزیت	مصطافیچ
۲۷- »	بایرام	مولیچ
۲۸- »	میلوش	نینکویچ
۲۹- »	موحامد	یوسف اسپاهیچ

سال دوم

۱- خانم	زیلکا	ایدریزویچ
۲- »	ساجیده	بیلاک
۳- »	موبینا	چاتیچ
۴- »	سعیدا	خُدوتی
۵- »	آلیسا	رِجُویچ
۶- »	وِرا	میلانویچ
۷- »	آریانا	هوجیچ
۸- آقای	موحامد	استویچویچ
۹- »	محمی الدین	کشان

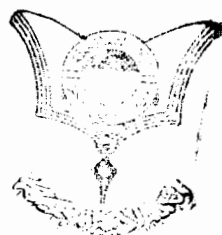
سال سوم

۱- خانم	رناتا	اونشچوک
۲- »	آلیسا	بالشیچ
۳- »	آمینا	جوویچ
۴- »	لیلا	چنگیچ
۵- »	إسمایلا	سینار
۶- آقای	عامیر	ایدریزوچ

دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در سال تحصیلی ۹۲-۱۹۹۱

۱۲ نفر از دانشجویان سال اول در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ که زبان فارسی را به عنوان زبان B (سه ساله) انتخاب کرده بودند در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به فارسی سال دوم راه یافتند و بقیه که فارسی C (فقط یک سال) داشتند در سال دوم به آموزش زبانهای عربی و ترکی ادامه دادند. دانشجویان سال دوم ۹۰-۹۱ طبعاً به سال سوم وارد شده و دانشجویان سال سوم دروس فارسی را به اتمام رسانیدند. در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تعداد ۲۹ نفر دانشجوی جدید در سال اول خاورشناسی ثبت نام کردند و ۲۰ نفر آنان (در مقایسه با ۱۲ نفر سال قبل) زبان فارسی را به عنوان زبان B انتخاب نمودند. اسامی دانشجویان جدید سال اول به این شرح است:

۱- خانم	سابینا	آودیچ
۲- »	سانلا	ایبراهیم اسپاهیچ
۳- »	نایلا	ایساگوچ
۴- »	آنيسا	بالتا
۵- »	آحمدینا	پورگوچ



ترالیو	زهره	۶- خانم
حاصلیچ	عذرا	۷- »
رجویچ	عایشا	۸- »
زچیرویچ	المَدینا	۹- »
سوناگیچ	لیلا	۱۰- »
شاپارچویچ	نرمینا	۱۱- »
شاتارا	یاسنا	۱۲- »
شاریچ	ایردنیا	۱۳- »
کوزوانس	آمیلا	۱۴- »
کورِگیچ	سیلما	۱۵- »
کوزلیاک	انِیسا	۱۶- »
ماگلایلیچ	مرسیا	۱۷- »
میخایلوویچ	دیانا	۱۸- »
ناوریوتس	سامرا	۱۹- »
هوجیچ	عمرا	۲۰- »
هوسکیچ	ادینا	۲۱- »
یوتائویچ	مارینا	۲۲- »
آودیچ	بسیم	۲۳- آفای
اسپاهیچ	ادین	۲۴- »
حاجاگیچ	أرهان	۲۵- »
کالیبیچ	نیهاد	۲۶- »
مویبیچ	مونیر	۲۷- »
ولاجیچ	سامیر	۲۸- »
هوجیچ	مونیر	۲۹- »

متون آموزشی زبان فارسی

برنامه آموزش بخش فارسی دو زمینه مشخص زبان و ادبیات را دربر می گیرد. آموزش زبان با استفاده از کتابهای زیر انجام می شود:

کتاب زبان فارسی، متن اصلی برای سالهای اول و دوم
ما به فارسی حرف می زنیم، متن اصلی برای سالهای دوم و سوم
فارسی برای آلمانی، متن کمکی برای ترجمه
لاله زار فارسی، متن کمکی برای ترجمه
دستور زبان فارسی، برای مراجعات دستوری

A Modern Persian Prose Reader متن کمکی برای ترجمه

در زیر به معرفی و بررسی هریک از کتابهای مذکور پرداخته می شود.

کتاب زبان فارسی

تألیف ی. ک. اوچینی کوا و آ. ک. مامدزاده، استادان مؤسسه خاورشناسی مسکو - ۱۹۶۶. کتاب شامل ۴۵۰ صفحه است که فارسی را به کمک زبان روسی آموزش می دهد. ۳۴۰ صفحه آن به متن آموزشی و بقیه به واژه نامه فارسی - روسی و روسی - فارسی اختصاص دارد. تعداد واژه های آن به حدود ۲۵۰۰ بالغ می شود. این کتاب شامل هجده درس است و هر درس متون قرائت و گفتگو، دستور زبان، تمرین، واژگان و بعضی اشعار کوتاه فارسی را دربر می گیرد. جز یک درس که درباره آب و هوای ایران تنظیم شده بقیه دروس تماماً به شهر مسکو و زندگی و تحصیل در شوروی مربوط می شود. عناوین مهم دروس عبارت است از کلاس، دانشجو، کار روزانه، روز تعطیل، اقوام و خویشاوندان، روز تولد، فصلهای سال، فروشگاهها، شهر مسکو، عبادت مریض، نهارخوری، میوه و تره بار، باغ وحش، و مسافرت. در متون قرائت و گفتگو از جملات کوتاه و ساده فارسی امروز استفاده شده و از این جهت برای شروع آموزش زبان فارسی مناسب است.

حدود نصف کتاب در سال اول و بقیه در سال دوم تدریس می شود و ضمناً تنها متن اصلی درس برای دانشجویان سال اول است. بنابراین، از همین کتاب برای آموزش تکلم و نوشتن زبان فارسی استفاده می شود در حالی که روش نگارش و نیز گونه گفتاری زبان فارسی در آن ارائه نشده و ضعف اصلی کتاب همین است. فتوکپی صفحات ۴۶، ۴۷، ۲۴۰ و ۲۴۱ کتاب فوق پس از این صفحه ملاحظه می شود.

مابه فارسی حرف می زنیم

تألیف م. ا. راڈویلیسکی، مسکو - ۱۹۷۳. این کتاب در ۲۷۶ صفحه و بیست درس درباره ایران تنظیم شده و فارسی را به زبان روسی آموزش می دهد. دروس مذکور به چهاربخش زیر قابل تقسیم است:

درس اول، اصطلاحات عمومی محاوره ای

درسهای دوم تا هشتم به ترتیب درباره شهر تهران، هتلها، ترافیک، تلفن، رستورانها، مغازه ها و خیاطهای تهران

درسهای نهم تا دوازدهم به ترتیب درباره مسافرت با قطار، مسافرت با هواپیما، مسافرت دریایی، و شهرهای ایران

درسهای سیزدهم تا بیستم درباره پزشکی (بیمارستان شوروی)، کتاب و مطبوعات در ایران، سینما، تئاتر، موسیقی، هنر، جشنها و آیینها، و اخلاق و ظاهر ایرانیان

درس اول که باتوجه به عنوان آن باید به گفتگو و مکالمات روزمره اختصاص داشته باشد تا حد زیادی سنگین، نامفهوم و کم بهره است زیرا این درس پراز تعبیرات و اصطلاحات پیچیده و دشوار محاوره ای بوده و به سبکی غیر معمول ارائه شده است. مثال: تعظیم عرض می کنم - هزارحیف و صدافسوس - پارسال دوست امسال آشنا - نقاهتی عارض شده - سایه مبارک مستدام - خدا سایه حضرتعالی را از

آموزش زبان و ادبیات فارسی...

В конце сочетания	В середине сочетания	В начале сочетания	Изолированное написание
س ش	ـ ـش	ـ ش	س ش

Рукописная форма этих букв иногда отличается от печатной тем, что все зубцы вытянуты в одну линию, идущую наклонно сверху вниз по направлению строки. В срединном положении наклон может также отсутствовать:

В конце сочетания	В середине сочетания	В начале сочетания	Изолированное написание
			

Буква س обозначает согласный «с», а буква ش — согласный «ш».

بуквы ض و ص

Буквы ض و ص также состоят из основной части, повторяющейся во всех позициях: ض و, и росчерка, характерного только для изолированного и конечного написания:

В конце сочетания	В середине сочетания	В начале сочетания	Изолированное написание
ص ض	ـ ـض	ـ ض	ص ض

Рукописная форма этих букв в основном совпадает с печатной. Буквы ص و ض, каждая, обозначают один согласный звук: «с» — ص, «з» — ض.

زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین

Упражнение № 28. Прочтите и транскрибируйте следующие слова :

- فارسی شیرین بَس دوش بَس پَسِیار پاریس سر دانشیار شیر دَشت
پوست شیش دَشت
صابون صدا صد راضی ضحیح شَغْصِ آشغاص دَصویب

Упражнение № 29. Напишите арабско-персидской графикой :

а) (звук «с» обозначается буквой س, звук «з» — буквой ز):
шир, шэш, асан, сяр, дуст, бэсйар, ширин, пās, пāsар, лишани,
шотор, āсб, дāст, сиб, су, сāрд, сазэш, зэшти;

б) (звук «с» обозначается буквой ص, звук «з» ض, звук
h — ح):

сабун, рази, сāһиһ, сād, сēда, шāхс, āшхас, тāsвир, тāsвиб,
сурāt.

Слова для заучивания :

سر	сāр — голова
آسان	асан — легкий
دوست	дуст — друг
صابون	сабун — мыло
سير	сир I — чеснок
سير	сир II — сытый
ترش	торш — кислый
سرد	сāрд — холодный; холодно
دانشجو	данэшджу — студент
دانشيار	данэшйар — преподаватель вуза, доцент
صدا	сēда — голос
پس فردا	пāsфārда — послезавтра
سرخ	сорх — красный
استراحت	эстэраһāt — отдых
	fālāt — ошибка
	чэраf — лампа

Запомните :

дāфтāрһā-йэтан ра бэ мāн бэдāһид — сдавайте тетради
дорост нэвэштид — вы написали правильно
fālāt нэвэштид — вы написали неправильно
fālāt-āст — неправильно (написано), ошибка
чэраf ра роушāн конид — зажгите свет
чэраf ра хамуш конид — потушите свет

От таких сложений в свою очередь могут быть образованы с помощью суффикса **ی-ی** (یا مصدری **یا-یا** **مصدری**) имена существительные:

کتابفروشی (کتابفروشی **کتابفروشی**) — книжная торговля

لباسفروشی (لباسفروشی **لباسفروشی**) — торговля платьем

پارچه فروش (پارچه فروش **پارچه فروش**) — торговля тканями и т.п.

مغازه اونیورسال

من در بخش لنینگراد زندگی میکنم. در این بخش خیابانها و کوچه های تازه ای بعد از جنگ ساختند و حالا هم میسازند در این خیابانها و کوچه ها عمارات زیاد میسازند این عمارات بسیار زیباست و دارای ۸ - ۹ طبقه و آسانسور میباشد هر چند وقتی ساختمان عمارت بزرگ چند طبقه ای باتمام میرسد. یکی از این عمارات را نزدیک خانه ما ساختند. طبقه اول این عمارت مغازه بسیار بزرگی است. این مغازه اونیورسال است. شعبات زیادی دارد: شعبه کفش فروشی، شعبه خرازی، شعبه لباس فروشی، شعبه پارچه فروشی، شعبه کلاه فروشی، شعبه جوراب فروشی و شعبات دیگر.

دیروز باین مغازه رفتم خواستم کلاه بخرم. شعبه کلاه فروشی رفتم. از فروشنده خواش کردم کلاه نمرو ۵۷ بمن بدهد. او کلاهی بمن داد. کلاه را بسر گذاشتم، دیدم کمی کوچک است. از فروشنده خواش کردم يك نمرو بزرگتر بدهد. او کلاه دیگری بمن داد. این کلاه باندازه سرم بود. در آئینه نگه کردم دیدم کلاه بصورتم می آید. راضی شدم، کلاه را از سر برداشته و بفروشنده دادم تا در کاغذ بپیچد. قیمت کلاه را پرداختم و کلاه را گرفتم. پس از آن برای خرید جوراب و کفش بشعبات دیگر رفتم و شرح آنرا بعد حکایت خواهم کرد.

Лексический комментарий

Глагол آمدن **amādan** употребляется также в значении «идти» (о costume, причёске и т. п.). При этом он требует предлога **به** **бэ** (на вопрос «кому?»).

Например:

این پالتو به شما میاید **ин** **палто** **бэ** **шом** **миайад** — это пальто Вам идет; این کلاه بمن نمیاید **ин** **колаh** **бэ** **мән** **нāмиайад** — эта шляпа мне не идет.

В таких выражениях можно употребить также слова типа صورت сурāt — лицо, اندام ādam — фигура и т. п.

Например:

این کلاه بصورت شما میاید -- эта шляпа Вам к лицу.

Упражнение № 1. Проспрягайте глаголы ساختن — строить и حکایت — рассказывать в будущем категорическом времени, положительной и отрицательной формах.

Упражнение № 2. Раскройте скобки, употребив глаголы в будущем категорическом времени:

نزدیک خانه ما بزودی مغازه بزرگی (ساختن). برادرم در خانه چند طبقه ای (زندگی کردن). در طبقه اول این خانه مغازه خرازی (بودن). من آئینه (نگاه کردن). تو کلاه را (از سر برداشتن). فروشنده کلاه را در کاغذ (پیچیدن). مادرم از مغازه کفشی فروشی کفشی (خریدن). این کلاه بصورت (آمدن). من کلاه را (بسر گذاشتن). من در شعبه جوراب فروشی جوراب زنانه (خریدن). من ساعت ۵ خانه (برگشتن). قیمت کتاب را خودم (پرداختن).

Упражнение № 3. Заполните пропуски словами и словосочетаниями, данными в списке слов, употребив их в необходимой форме:

بعد از ... در مسکو خیابانها و کوچههای تازه ای	مغازه کفشی فروشی
میسازند. عمارات این خیابان دارای چند ... میباشد. در ...	کفشی مردانه
اول خانه ما ... است. در این مغازه نه فقط ... بلکه ... هم	بصورت آمدن — آئینه
میفروشند. من در ... نکه کردم، دیدم که کلاه ...	خرازی — کفشی زنانه
دانشجو کلاه را ... و وارد کلاس شد. پدرم کلاه را ...	بسر گذاشتن — جنگ
واز خانه بیرون آمد. من کتاب را از روی میز ... و به برادرم	از سر برداشتن
دادم. بفرمائید این کتاب را در کاغذ ... در مغازه ... چه	طبقه — پیچیدن
میفروشند؟ آیا در مغازه خرازی میشود ... خرید؟	برداشتن — جوراب

Упражнение № 4. Переведите на персидский язык:

Эта белая шляпа очень идет Вам. Если мне пойдет этот костюм, я обязательно его куплю. Если тебе не пойдет этот жакет, не покупай его. Если бы мне шло это платье, я не попросил бы продавца показать мне другое. Я взглянул в зеркало и увидел, что белая рубашка мне очень идет.

Упражнение № 5. Переведите на персидский язык:

Рядом с нашим домом построили большой красивый дом. В этом доме 9 этажей. На первом этаже расположен универмаг.

سر بنده کم نکند - عجبا - شگفتا - دریغا - خاک به سرم - خاطر مبارک مسبوق است. فتوکپی صفحات ۱۲ و ۱۳ کتاب مورد بحث پس از این صفحه ملاحظه می شود.

درسهای دوم تا هشتم، تهران (و ایرانی) را به تصویر می کشد که دانشجو و به طور کلی خواننده، پس از خواندن مطالب این دروس، اگر به اطلاعات جدید و درستی دسترسی نداشته باشد، دیگر رغبتی به دیدن ایران در خود نخواهد یافت زیرا پایتختی را مجسم می کند که سرشار از نقص و کمبود و عقب ماندگی است. اطلاعاتی که در این دروس ارائه شده کلاً قدیمی، کهنه و فاقد ارزش می باشد. در هر یک از متون و مکالمات معمولاً مشکلی از مشکلات و عیبی از معایب مطرح شده است. در عین حال، محتوای دروس اصولاً خلاف واقعیت نیست ولی با واقعیات امروز ایران هم فاصله زیادی دارد. تاریخ تألیف کتاب خود گویای تهران بیست و هشت سال پیش و تهران دو ونیم میلیونی است.

همین ایرادها در درسهای نهم تا دوازدهم نیز، گرچه در حدی کمتر، احساس می شود در حالی که فروکش تمایل نویسنده به طرح معایب و کمبودها مشهود است. با این همه، نمونه بارزی از تبلیغات مؤلف روسی به سود کشور خود و تحقیر ایران را در «صحبت» درس دهم، صفحه ۱۳۸ ملاحظه می کنیم. این بخش به گفتگوی دو نفر ایرانی درباره مسافرت آن دو با هواپیما، یک نفر از تهران به مسکو و دیگری از تهران به مشهد اختصاص دارد. یکی از آن دو در طول مکالمه بالذت تمام درباره مسافرت خود با هواپیمای ایل ۱۸ شوروی به مسکو و محاسن و مزایا و زیباییهای آن داد سخن می دهد و حتی اظهار می دارد که هنگام بازگشت، در فرودگاه مسکو با سلام و صلوات بدرقه شده است! در همین حال ایرانی دیگر می گوید که مسافرت با هواپیمای ایرانی حالش را به هم زده است. فتوکپی این بخش در صفحات بعد ملاحظه می شود.

درسهای سیزده تا آخر که اطلاعات موجود در آنها با بی نظری مطرح گردیده،

- | | |
|---|--|
| <p>{ میخواستم خدمت شما عرض کنم
 { میخواستم به عرض برسانم
 بفرمائید .
 برای رضای خدا
 ببخشید زحمت دارم
 همینطور است که بفرمائید
 اگر برایتان زحمت نباشد
 قربانت شوم (بروم)</p> | <p>‘Я хотел бы сказать вам’
 ‘Будьте любезны, пожалуйста’
 ‘Ради бога ...’
 ‘Простите, я побеспокоил вас’
 ‘Как вы изволите заметить (сказать)’
 ‘Если Вам не трудно ...’
 ‘Да стану я твоей жертвой!’</p> |
|---|--|

صحبت

- حاجی آقا سلام علیکم
 — علیکم السلام آقای کریمی حقا که حلال زاده ای. الان بفکر شما بودم ... خوب آقای کریمی کجائی برادر پارسال دوست اسال آشنا !
 — هر کجا هستیم نک پرورده حاجی آقا هستیم آنجا هم که هست متعلق به شما است .
 — بین برادر، مرا که شناسی آدمی هستم همی رک و راست. دلم میخواهد دیگران هم با من همینطور باشند. چرا راستش را نمیگویی ؟ ...
 — اختیار دارید، حاجی آقا. بعد از اینمدت هنوز مارا نشناخته اند. بجان عزیز شما. بجان همان يك دانه فرزندم، اگر يك كلام ... نه ... اختیار دارید ...
 — استغفرالله میدانم برادر تو آدم دهن قرصی هستی. اگر پدرم زنده میشد بهش نمیگفتم اما بتو میگفم ...

تفسیر کلمات و عبارات

1. ‘законнорожденный’، ‘легок на помине’؛
 ‘Да простится ему!’، ‘Да будет ему за благо!’
 2. ‘сколько лет, сколько зим!’ پارسال دوست اسال آشنا

تمرینات

۱. سوالات زیر جواب بدهید:
 - (۱) از این دو نفر که طرف گفتگو هستند کی بالاتر است؟
 - جملات هر يك از آنها را برای اثبات فکر خودتان بیاورید.
 - (۲) چرا حاجی آقا صبرسد: کجائی برادر پارسال دوست اصـال آشنا؟
 - (۳) کلمات آقای کریمی که "نك پرورده حاجی آقا هستم آنجا هم که هست متعلق به شما است" چه معنی دارد؟
 - (۴) عبارت "بجان منیز شما، بجان همان يك دانه فرزندم" چه معنی دارد و چرا آقای کریمی این کلمات را بکار صبرد؟
۲. جملات زیر را تکمیل کنید:
 - (۱) سلام حسین! کجائی... پارسال دوست...
 - (۲) باور کنید حاجی آقا، هر کجا هستیم... پرورده شما...
 - (۳) او آدمی است... و راست.
 - (۴) دلم... دیگران با من همینطور...
 - (۵) سر کار بجان... بنده آنجا نبودم.
 - (۶) بین برادر، تو آدم... قرص هستی میتوانم بتو آن موضوع را بگویم.
۳. با استفاده از کلمات و عبارات زیر جملات هموطی بسازید:

الان بفکر شما بودم؛ کجائی برادر پارسال دوست اصـال آشنا؟
 آدم رك و راست؛ دلم میخواهد؛ اختیار دارید؛ بجان شما؛
 استغفر الله.
۴. این صحبت را یاد بگیرید و نقل کنید (یکی رل حاجی آقا را و دیگری نقش آقای کریمی را ایفا کند).

صحبت

- سلام طـیکم حاجی آقا.
- با الله آقای طی مراد، خوش آمدید صفا آوردید. مدتی که خدمتان نمرسیم... چنین تغییر ماهیت دارید که اول شمارا

۴. حکایت "راههای هوایی" را نقل کنید.

۵. حکایت "فرودگاه هرابار" را نقل کنید.

صحبت

(درباره مسافرت با هواپیما)

- آقای مجیدی، سلام علیکم!
- علیکم السلام دوست عزیز و گرامی آقای صفاری! کجائی برادر؟ هیچ خدمت نمرسم.
- همین گوشه و کنارها بدعاگوشت مشغولیم و از تصدق سر دوستان به لقمه نانی میخوریم.
- بفرمائید بهینم شما حالتون چگونه؟
- از لطف شما خجسته. همین چند روز پیش از مسافرت برگشته‌ام.
- مسافرت دور و درازی کرده بودید؟
- شهری رفته بودم.
- به به! خوش بهالتون! از راه پهلوی رفته بودین؟
- ای بابا! اگر بگم شاخ در مایید.
- خوب بگین که شاخ در مایم.
- با هواپیما مسافرت کرده بودم. بوسیله هواپیمای "ایل - ۱۸" به مسکو ^{چونکه} ^{سفر} کردم.
- مگن این هواپیمای شوروی خیلی سریعی و با قدرته.
- البته البته آقا. مسافرت با "ایل - ۱۸" بسیار لذت بخش بود.
- با چه سرعتی پرواز کردین. لابد کم نبود.
- با سرعت قریب ششصد کیلومتر پرواز کردیم. محیط درون هواپیما خیلی ساکت و آرام است. سالن هواپیما بسیار مجلل و طولانی است که گنجایش ۷۰ مسافر دارد. مهمانداران هواپیما به انگلیسی و فرانسه حرف میزنند. آنها لباس‌های آبی رنگ با دگه‌های طلایی بر تن داشتند و مرتباً با نوشیدنیهای مختلف و خاهاار از ما پذیرائی میکردند.
- احساس ناراحتی نمیکردید؟

— نه، اصلاً

— میدونین چند ماه پیش از تحریر به مشهد پرواز کرده بودم. هنوز نه راه طی نکرده بودیم که حالم بهم خورد. نزدیک بود اسباب خجالت فراهم بشه. خوشبختانه یکی از مسافرن بدادم رسید و يك قرص و يك آب نبات بمن داد و من هر دورا يك زدم و حالم جا اومد.

— نه آقا. مسافرت با "ایل" — ۱۸ "چیز دیگری است. ما بر فراز ابرها پرواز میکردیم و تا چشم کار میکرد هیچ چیز جز بستری سفید و لطیف نمیدید.

— در چه ارتفاعی پرواز کردید؟

— فرمانده هواپیما اعلام کرده بود که در بعضی اوقات ارتفاع ۵ هزار متر بود. خلاصه سرتونو درد نیارم (تذکره) وقتیکه در فرودگاه سکو پیاده شدم بقدری از آسایش و شگفتی های این مسافرت خوشحال بودم که فوراً بفکر مسافرت آینده خود با "ایل" — ۱۸ "افتادم.

— شعروی چند روز اقامت کردین؟

— قریب ده روز اونجا بودم خیلی خوش گذشت به جای شما خالی (سبز) وقتیکه ما داشتیم سکوها ترك میکردیم خیلی ها به بدرقه ما اومده و مارا با سلام و صلوات سوار هواپیما کردن.

— البته این بحث بسیار مفصله و فردا شب روی این موضوع میتونیم صحبت کنیم. خوب، بقیه موضوع رو بذاریم برای فردا. خدا حافظ.

— مرحمت زيار.

تفسیر کلمات و عبارات

1. 'Где пропадаете?' کجائی برادر؟ هیچ خدمت نمرسم (при разговоре с близкими); 'Вас совсем не видно'. (В ответ говорят: 'Я виноват в том, что мы не виделись').

2. 'Мы здесь молимся за Ваше здоровье'. همین گوشه و کنار دعاگوئی، مشغولیم.

3. 'По милости друзей имеем на пропитание'; 'подаяние'، 'пожертвование'، از تصدق سردستان به لقمه نانی میخوریم.

علیرغم کهنه بودن پاره‌ای از مطالب، از نظر آموزشی کاملاً قابل استفاده است. کتاب ما به فارسی حرف می‌زنیم با وجود اشکالات متعدد آموزشی و محتوایی و با این که از نظر دروس اولیه فاقد جاذبه آموزشی است بیانگر تسلط نویسنده به زبان فارسی بوده و به خاطر سطح محتوایی بالای آن در سالهای دوم و سوم تدریس می‌شود. ضمناً همکاران ارجمند بخش فارسی به دلیل هدف بودن آموزش حساسیتی نسبت به کهنگی اطلاعات آن نشان نداده و تاکنون صرفاً به عنوان مناسب‌ترین کتاب موجود از آن استفاده کرده‌اند.

فارسی برای آلمانی

تألیف دکتر فرهاد سبحانی، برلن - ۱۹۶۲. کتاب در ۳۰۰ صفحه تألیف شده که ۲۳۲ صفحه به متن و بقیه به واژه‌نامه فارسی - آلمانی اختصاص دارد. تعداد واژه‌ها به حدود ۱۷۰۰ بالغ می‌شود.

هریک از ۶۶ درس این کتاب که به زبان فارسی می‌باشد معمولاً از یک متن و چند سؤال درک مطلب تشکیل شده است. متون درس حاوی حکایات شیرین و جالب در ارتباط با فرهنگ و ادب و تاریخ ایران است که از آنها در سال دوم برای ترجمه فارسی به صربوکرواتی استفاده می‌شود.

فتوکپی صفحات ۲۱۴ و ۲۱۵ کتاب فوق پس از این صفحه ملاحظه می‌شود.

Musikant	مطرب	Sorte, Art	نوع
persisches Musik-	تار	Sorte	جور
instrument	تار زدن	Salat	سالاد
auf dem „Tar“	ادامه	Sänger	آوازه خوان
-spielen		singen	آواز خواندن
Fortsetzung			

فرامرز بدوستش نامه مینویسد

طهران ، بتاریخ ۳/۴/۱۳۴۰

دوست عزیز ! انشاء الله که سلامتی. دوهفته پیش نامه ات رسید و خیلی خوشحال شدم از اینکه تو نوشته بودی برای خودت کار مناسب و خوبی پیدا کرده ای. من مثل سابق مشغول تحصیل هستم. بعضی درسها خودم خیلی علاقه دارم. اما یکی دو درس هست که باید مجبوراً خواند. میدانی که حالا دانشگاه تعطیل است. دانشجویهای آلمانی در تابستان و زمستان تعطیلی دارند ولی ما فقط در تابستان تعطیلی داریم. بئرن نوشته که متأسف است که فرصت ندارد برای همه یک یک نامه بنویسد و بتو خیلی سلام رسانده است. بسکن است که من و منیره و مادرم برای دوسه هفته بشیراز بیاشیم.

من شخصاً خیلی علاقه دارم شیراز را بینم. خیلی
تَعْرِیف شیراز را شنیده‌ام. سعدی و حافظ هر-
دو شیرازی بودند و باعث افتخار ایران می‌گویند
در قرن گذشته در شیراز پیغمبری ظاهر
شده است. و قتیکه آمدیم آنجا، مثل سابق شبها
صحبت از دُنیا و آخرت می‌کنیم. سلام مرا لطفاً
خدمت والدین برسان. قربان محبت تو،
فرامرز

(فرامرز نامه را توی پاکت می‌گذارد. روی آن
اسم و آدرس مینویسد و تبر می چسباند. بعد
نامه را میبرد می‌اندازد توی صندوق پُست.)

Beschreibung:
Lob

persischer

Dichter

Persischer

Dichter

Ursache

Ehre; Ruhm

Welt

Jenseits

gefälligst

Eltern

Briefmarke

تَعْرِیف

سَعْدِی

حَافِظ

بَاعِث

اِفْتِخار

دُنیا

اَخرَت

لُطفاً

والدین

تَبر

passend, günstig

früher

Unterrichtsfach,

Lehrfach

Interesse

gezwungener-

weise

Student

traurig;

bedauernd

Gelegenheit

einzelnen

persönlich

مَناسِب

سابق

دَرس

عَلاقَه

مَجبوراً

دانشجو

مَتأسِف

فَرسَت

بِیک

شَخْصاً

لاله زار فارسی

تألیف دکتر شاکر سیکیریچ، استاد خاورشناسی دانشگاه ساریوو، ساریوو، ۱۹۵۵. این کتاب در ۳۰۷ صفحه به زبان فارسی تدوین شده و گلچینی از ادبیات فارسی را دربر دارد. از ابتدای کتاب تا صفحه ۱۰۶ به گزیده‌ای از گلستان سعدی، حکایات، مطالب تاریخی، قطعات توضیحی و توصیفی و معرفی برخی از شعرای نامدار زبان فارسی همراه با ابیاتی از آنان اختصاص دارد. در صفحات ۱۰۷ تا ۱۶۴ اشعاری از عطار، حافظ، انوری، امیرخسرو، جامی، خاقانی، خیام، فردوسی، سعدی و مولانا آورده شده است. خلاصه‌ای از علم عروض در صفحات ۱۶۵ تا ۱۷۵ مورد بحث قرار گرفته و بالاخره، صفحه ۱۷۶ تا پایان کتاب شامل واژه‌نامه فارسی به صربوکرواتی با حدود ۲۷۰۰ واژه می‌باشد.

فتوکپی صفحات ۴۸ و ۴۹ کتاب فوق پس از این صفحه ملاحظه می‌شود.

دستور زبان فارسی

تألیف دکتر شاکر سیکیریچ، استاد خاورشناسی دانشگاه ساریوو، ساریوو، ۱۹۵۱. این کتاب در ۲۱۴ صفحه به زبانهای صربوکرواتی و فارسی نوشته شده و از ابتدا تا صفحه ۱۱۳ به مقولات دستوری مختلف از جمله اسم، صفت، ضمیر، فعل و حروف اختصاص دارد.

در صفحات ۱۱۴ تا ۱۲۴ ترکیب و اشتقاق مورد بحث قرار گرفته است. صفحات ۱۲۵ تا ۱۳۸ شامل واژه‌نامه کوچک فارسی به صربوکرواتی با حدود ۳۰۰ واژه می‌شود.

در صفحات ۱۳۹ تا پایان کتاب مسایل مربوط به نحو زبان فارسی آورده شده است. مطالب دستوری این کتاب به زحمت قابل استفاده دانشجویان است ولی همکاران بخش فارسی گاهگاه به آن مراجعه می‌نمایند.

فتوکپی صفحات ۷۶ و ۷۷ پس از توضیحات مربوط به این بخش ملاحظه می‌شود.

بگفتن او تهور زیادت گشت و بیکبار همه کردند شنیدم که همه در آن
روز بر دشمن ظفر یافتند چون پیش پیر آمد ملک سر و چشمش ببوسید و در
کنار گرفت و هر روز نظر پیش کرد تا ولی عهد خویش نزد برادران حرم
برداشتند و زهر در طعامش زدند خواهرش از غرقه پدید و در نیمه بر همه زد
پسر در یافت و دست از طعام باز کشید و گفت محاسن است که همه بفرمان
ببرند و بی همتا جای ایشان بگیرند

بیت

کس نیاید بر زیر سایه بوم
در نهامی از جهان شود معدوم

پدر را از این حالت آگاهی دادند بر درانش را بخواند . گرشالی
واجبی داد پس هر یکی را از اطراف بلاد خصم مرضی معین کرد تا فتنه
پشت و تراع بر خاست که گفته اند ده درویش در کلیسیا بستند و دو
پادشاه در اقلیمی نگنجند

قطعه

نیم تالی گر خورد . رد خدا
بذل درویشان کند نیمی دیگر
ملک اقلیمی بگیرد پادشاه
هم چنان در بند اقلیمی دیگر

۱۸) در مذمت تعجیل و فوائد ثانی

شتا بکاری و تعجیل در امور دنیاوی از اعمال شیطانی است و عاقبت
آن ندامت و پشیمانی چنانکه گفته اند الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ الثَّأْنِي مِنَ
الرَّحْمَنِ وَ قِلَّتْ ثَبَاتٌ فِي جَمِيعِ أحوال مذموم است و مرد شتابکار از شرف
مُخْتَصِلٍ مراد محروم چنانکه شاعر گوید

بیت

شتاب و بدی کار اهریمن است

پشیمانی جان ورنج بر تن است

حکایت

آورده اند که در ایام ماضی مردی جوهری بود ماهر و در علم
و صناعت خود نظری تمام و بصارتی کامل داشت اتفاق افتاد که از
پادشاهان ولایتی دیگر او را طلب داشتند تا جواهر نفیس خود بر و عرضه
کند تا آنچه خرج را شاید جدا کند و آنچه لایق خزینه باشد پیدا کند جوهری
روی بدان طرف نهاد وزن او حامله بود ز زنا گفت چون مُدَّتِ حَمْلٍ بَسَرِ
آید و پسری آید او را بِسَبِيلِ فال رُوْزِ به نام کن و گر دختر آید نامی که
لایق دانی مُعَیْنِ کن چون جوهری برفت و مدتی بر آمد ز زنا دو پسر آمدیکی را
روز به نام کرد و دیگر بهروز و جوهری يك سال در پیش پادشاه بماند

۱۸) C. Salemann u. V. Snukovski Persische Grammatik.

1) Pomoćni glagol بودن biti, konjugira se ovako:

Prezent (حال - مضارع)

Singular	Plural
1 l. (باشم، بوم) jesam	باشیم، بوم jesmo
2 l. باشی، بوی jesi	باشید، بویید jeste
3 l. باشد، بود jest	باشند، بوند jesu

Preterit (ماضی شهودی)

Singular	Plural
1 l. بودم ja bih	بودیم mi bismo
2 l. بودی ti bi	بودید vi biste
3 l. بود on bi	بودند oni biše

Imperfekt (حکایت شهودی)

Singular	Plural
1 l. (مییوادم، بودمی) ja bijah	مییوادم mi bijasmo
2 l. — میودی ti bijaše	مییواید vi bijaste
3 l. میود، بودی on biješe	مییوَدند، بُودند oni bijahu

Perfekt (ماضی تَقْلِبی)

Singular.	Plural
1 l. بوده ام ja sam bio	بوده ایم mi smo bili
2 l. بوده ای ili بوده تی ti si bio	بوده اید vi ste bili
3 l. بوده است on je bio	بوده اند oni su bili

^{۳۵}) Oblik باشم itd. obično izražava nepravu sadašnjost, pogodbu ili futur, a میباشم itd. „ja jesam“ (pravi prezent).

^{۳۶}) Može biti آ بودم itd.

Pluskvamperfekt (روایت نقلی)

Nema ga.

Futur I (استقبال)

Singular	Plural
1 l. خواهم بود ja ću biti	خواهیم بود mi ćemo biti
2 l. خواهی بود ti ćeš biti	خواهید بود vi ćete biti
3 l. خواهد بود on će biti	خواهند بود oni će biti

Futur II (انفائی مرکب)

Singular	Plural
1 l. بودم باشم ja budem bio	بوده باشیم mi budemo bili
2 l. بودی باشی ti budeš bio	بوده باشید vi budete bili
3 l. بود باشد on bude bio	بوده باشند oni budu bili

Imperativ (امرو نهی)

Singular	Plural
1 l. — —	باشیم budimo
2 l. باش budi	باشید budite
3 l. باشد nek bude	باشند nek budu

Particip prezenta باشنده koji biva, pl. باشندگان.

Particip perfekta بودده bio, pl. بوددهگان.

Mjesto pravilnog pravog prezenta میباشم ili starijeg میبوم koji obično znači „ja sam, nalazim se, postojim“ dolaze kao kopule enklitički oblici imenskog glagola ام - sam, ای - si, است - je, ایم - smo, استید - ste, اند - su. S obzirom na svršetak prethodne riječi ovi se nastavci različito pišu.

A Modern Persian Prose Reader

تألیف هـ- کامشاد، دانشگاه کمبریج، ۱۹۶۸. این کتاب در ۲۴۹ صفحه دربارهٔ نثر جدید فارسی تدوین شده و برای توضیحات آن از انگلیسی استفاده شده است.

از ابتدای کتاب تا صفحه ۱۴۲ حاوی بیست و شش نوشته از هجده تن از نویسندگان یکصدسال اخیر ایران است. متون انتخابی با شرح حال کوتاهی از نویسنده و معرفی اثر یا آثاری که متون از آنها انتخاب شده همراه است. هجده نویسندهٔ مورد بحث عبارتند از: میرزا ملکم خان، عبدالرحیم نجارزاده، حاج زین العابدین مراغه‌ای، میرزا حبیب اصفهانی، علی اکبر دهخدا، مرتضی مشفق کاشانی، جهانگیر جلیلی، محمد مسعود، علی دشتی، محمد حجازی، محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد، صادق چوبک، محمد اعتمادزاده، تقی مدرسی و علی محمدافغانی.

از صفحه ۱۴۲ تا پایان کتاب به‌واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی با حدود ۱۹۰۰ واژه اختصاص دارد.

از نوشته‌های این اثر برای ترجمه و نیز طرح مسایل دستوری استفاده می‌شود. فتوکپی صفحات ۱۶ و ۱۷ کتاب فوق پس از این صفحه ملاحظه می‌شود.

4. MİRZĀ ḤABĪB IṢFAHĀNĪ

يك حرف ایرانی را باور کنند، بخود بالیدم که این حرف را نباید باور کرده باشد.

اما معنی کلام را او از من بهتر می‌فهمید. گفت «حرف مزن. سنهم وقتی مثل تو بدینسو و آنسو میدویدم؛ خدمتها که بمن بکنی میدانم. تو از راه خود برگرد. فرنگان خوب باب کار تو اند، هر طور دلت میخواهد سرخصی بکن. ع خیلی پول دارند و ع خیلی بما محتاجند. زیاده بر این گفتگو لازم نیست. مردم ایران مثل زمین کشت زارند، بی رشوه حاصل نمیدهند؛ پیش از حاصل باید مایه گذاشت. فرنگان میگویند که 'مقصود ما خیر خواهی مملکت خود است و بس' اما این سخن درپیش ما اهل ایران حرف مفت است. ما هر خدمتی که بکنیم، خواه من خواه پادشاه، فردا همینکه بمیریم همه فراموش میشود و بهدر میرود، ولیعهدی بی‌آید برای آبادی خود آباد کردهای ما همه را خراب میکند. راست است پادشاه فی حد ذاته حق دارد، داشته باشد. اما وزیرم حق دارد، چرا نگیرد؟»

ازین سخن ذهنم روشن گردید و پرده غفلت از پیش چشم برداشته شد. شاهراه وسیعی درپیش و فائده عظیمی برای خویش دیدم. سخن وزیر که «فرنگان خوب باب کار تواند» بگویم طنین انداز و نواساز، زبر و زرنک، بایجاد تدابیر و رنگ افتادم....

میرزا حبیب اصفهانی : ترجمه حاجی بابا اصفهانی

Mirzā Ḥabīb Iṣfahānī's translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* (by James J. Morier), edited by Col. D. C. Phillott, pp. 435-6 (Calcutta, 1284/1905). See *Modern Persian Prose Literature*, pp. 21-7.

علی اکبر دهخدا

A series of satirical articles, entitled *Charand Parand*, which appeared in the *Šūr-i Isrāfīl*, one of the influential newspapers of the turbulent post-Constitution years, vehemently exposed and parodied all the elements that were inhibiting social progress in Iran, and also introduced a new genre into Persian literature.

The writer was 'Ali Akbar Dihkhudā (1879-1956) who, after his education in Tehran and Europe, returned to Iran at the outset of the Constitutional movement and like most of his contemporaries became entangled in politics. Apart from his activities as a journalist inside and outside Iran (when exiled) his political life took him to the *Majlis* and to several important positions in government and public administration. In the latter part of his life he devoted all his time to his studies and scholarship, producing a host of significant works including his famous *Amthāl u Hikam* and the colossal *Lughatnāma*, which is now being published in sections.

Dihkhudā's satire in the *Charand Parand* pieces was not merely destructive mockery of established institutions; but it set forth a canon of social realism and brought new vitalities into the written language. His lively colloquial language and his choice of style greatly helped to liberate Persian writing from the stilted and exhausted diction of former times.

از مقالات چرند و پرند

اگر چه دردمیدم، اما چه میتوان کرد نشخوار آدمیزاد حرف است.
آدم حرف هم که نرند دلش میبوسد. ما يك رفيق داریم اسمش دمدی است.
این دمدی حالا بیشتر از یکسال بود موی دماغ ما شده بود که کبلانی

آموزش ادبیات فارسی

دروس ادبیات فارسی که در سالهای دوم و سوم رشته خاورشناسی تدریس می شود به معرفی ادوار ادبی، شرح حال شعرا و نویسندگان ایرانی و بررسی آثار آنان اختصاص دارد. آقای دکتر جاکا که تدریس این دروس را با همکاری آقای صالح تراکو بر عهده دارند کتابی تحت عنوان تاریخ ادبیات ایران به زبان صربوکرواتی تألیف کرده اند که متن اصلی برای تدریس ادبیات محسوب می شود. تدریس به زبان صربوکرواتی صورت می گیرد و با شواهد و امثله به زبان فارسی همراه می شود. خواندن، ترجمه و تفسیر اشعار مختلف به فارسی بر عهده آقای صالح تراکو می باشد. دانشجویان سال سوم در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ زندگی و آثار و اشعار این شعرا را مطالعه کرده اند: خاقانی شیرازی، فریدالدین عطار، ابوسعید ابوالخیر، عبدالله انصاری، باباطاهر عریان، سنائی و مولانا. علاوه بر کتاب تاریخ ادبیات ایران، دانشجویان بخشهایی از چند کتاب جنبی را که به زبان صربوکرواتی درباره ادبیات فارسی نوشته شده و یا ترجمه هایی از نظم و نثر فارسی را دربر می گیرد مطالعه می کنند. قسمتهایی از این کتابها نیز برای امتحان درس ادبیات فارسی تعیین می شود. کتابهای جنبی ادبیات فارسی به شرح زیر است:

1. BAHTIJARNAMAH

بختیارنامه

ترجمه ای است از بختیارنامه و عجائب البخت به صربوکرواتی توسط آقای دکتر بشیر جاکا با مقدمه ای از ایشان، ۱۴۳ صفحه، چاپ ساریوو، ۱۹۸۹.

2. САВРЕМЕНА ПОЕЗИЈА ИРАНА

شعر معاصر ایران

مجموعه‌ای است از اشعار چندتن از شعرا که توسط آقای دکتر بشیرجاکا انتخاب و به صربوکرواتی ترجمه شده و با ترجمه مقدمه‌ای از نادر نادرپور همراه است که در مجموع به ۷۵ صفحه بالغ می‌شود. در پایان اشعار هر شاعر زندگینامه شاعر آورده شده است. تاریخ چاپ کتاب ۱۹۷۹ و محل چاپ آن گروشتس یوگسلاوی است. شعرای مورد بحث و اشعار آنان عبارتند از:

علی اسفندیاری (نیما یوشیج): مهتاب، خانه‌ام ابری است، آی آدمها، ای شب گلچین گیلانی: نام

فریدون توللی: مریم

اسماعیل شاه‌رودی: تلاش

فریدون مشیری: جام اگر بشکست، دیگری در من، آخرین جرعه این جام

احمد شاملو: مه، غزلی در نتوانستن، شامگاهی

سیاوش کسرائی: گل‌های سپید، غزل برای درخت

نصرت رحمانی: زبان

هوشنگ ابتهاج (سایه): شبگیر، ای فردا، دختر خورشید

سهراب سپهری: و پیامی در راه، آب

منوچهر آتشی: گلگون سوار

محمود آزاد: بی تو خاک‌ستر

نادر نادرپور: چشمها و دستها، دختر جام، طلسم، شعرانگور، سرمه خورشید،

شه مات، چکامه کوچ

فروغ فرخزاد: اسیر، دیوشب، خانه متروک، نغمه درد، سپیده عشق، دیوار،

دنیای سایه‌ها، عصیان خدا، زندگی، عروسک کوکی، تولدی دیگر، کسی که مثل

هیچکس نیست، دلم گرفته

اسماعیل خوئی: غزلواره، در امتداد زرد خیابان
رضا براهنی: حوادث

3. ŠEJH SADI ŠIRAZI ĐULISTAN

گلستان شیخ سعدی شیرازی

این اثر توسط آقای صالح تراکو از فارسی به زبان صربوکرواتی ترجمه شده و در سال ۱۹۸۹ در سارایوو به چاپ رسیده است. در قسمتی از مقدمه مترجم چنین آمده است:

«گلستان در تمام نقاط جهان اسلام ترجمه و تفسیر شده است و این کار امروز هم در غرب و هم در شرق ادامه دارد. علمای مشهور عثمانی مانند یعقوب بن سیدعلی (متوفی ۱۵۲۴)، محمود لامعی (متوفی ۱۵۳۱) و مصلح‌الدین مصطفی سروری (متوفی ۱۵۶۱) به شرح و تفسیر گلستان پرداخته‌اند. از شرح‌نویسان اهل بوسنی احمد سودی بوسنوی متولد ده سودیچ (متوفی ۱۵۹۸) و مصطفی شمعی متولد پریزرن (متوفی ۱۶۰۰) دارای مقام والایی هستند. احمد سودی نه فقط گلستان و بوستان سعدی بلکه چند اثر دیگر از آثار معتبر ادبیات فارسی مانند مثنوی جلال‌الدین رومی و دیوان خواجه حافظ شیرازی را شرح و تفسیر کرده است.

مخصوصاً باید یادآور شویم که شیخ فوزی موستاری در قرن هجدهم (سال ۱۷۳۹) بلبلیستان خود را از روی گلستان سعدی به زبان فارسی نوشت. هم فرم و هم متن بلبلیستان نشان دهنده تقلید آن از گلستان است.

با این توضیح کوتاه ملاحظه می‌شود که شیخ سعدی، جلال‌الدین رومی، حافظ شیرازی، عبدالرحمن جامی و دیگر شعرای نامدار ایرانی تاکنون تأثیر زیادی بر آثار شعرا و نویسندگان بوسنی و هرزگوین گذاشته‌اند.»

- واژه گلستان در اثر فوق با املا و تلفظ «جولستان» و به همان معنی به کار رفته است و در ادبیات صربوکرواتی واژه‌ای آشنا محسوب می‌شود. واژه «گل» از زبان فارسی علاوه بر «جولستان» در سه مورد زیر کاربرد یافته است:
- در اصطلاح «جولبه شجر» به معنی نوعی شیرینی از برگ گل. «شجر» به معنی شکر است.
- در اصطلاح «جول سیا» به معنی گلاب. «سیا» از واژه ترکی «سو» به معنی آب است.
- به صورت «جولا» که نام دختران است.

کلاسهای فارسی وابستگی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

کلاس فارسی بلغراد

در دی ماه سال ۱۳۷۰ نخستین کلاس آزاد زبان فارسی در شهر بلغراد توسط وابستگی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در محل این وابستگی با شرکت حدود ۱۵ نفر دانشجو تشکیل شد و وظیفه تدریس به آقای حسین عبدلی همکار گرامی وابستگی فرهنگی واگذار گردید. در این کلاس جلد اول کتابهای آموزش زبان فارسی (آزفا) به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفت.

در مراسم افتتاح کلاس مذکور سفیر و کارکنان سفارت جمهوری اسلامی در بلغراد، چندتن از استادان رشته خاورشناسی و عده‌ای از دانشجویان ایرانی حضور داشتند. آقای دکتر بشیر جاکا، استاد فارسی دانشگاه سارایوو، تحت عنوان «زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین» سخنرانی کرد و آقای دکتر دارکو تاناسکوویچ، مدیر بخش خاورشناسی دانشگاه بلغراد، ضمن ایراد سخنانی در زمینه روابط فرهنگی ایران و یوگسلاوی، آمادگی و علاقه فراوان خود را نسبت به تأسیس کرسی

زبان فارسی در دانشگاه بلگراد اعلام داشت.

کلاس فارسی ساریوو

با توافقی که بین وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مسئولان مدرسه اسلامی غازی خسروبیگ در ساریوو به عمل آمد در تاریخ دوم بهمن ماه ۱۳۷۰ اولین کلاس آزاد فارسی ساریوو در محل مدرسه افتتاح گردید و وظیفه تدریس را این جانب عهده دار شدم. در مراسم افتتاح، رئیس العلما و دیگر مقامات اسلامی، عده‌ای از استادان و دانشجویان مدرسه و دانشکده الهیات اسلامی ساریوو شرکت داشتند و سخنرانیهایی به این شرح ایراد گردید:

۱- «روابط فرهنگی ایران و بوسنی و هرزگوین» توسط آقای عباس آریازند، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۲- «زبان و ادب فارسی در بوسنی» توسط آقای جمال لاتیج، شاعر و سردبیر نشریه صدای مسلمان در ساریوو

۳- «فارسی و آموزش آن در بوسنی و هرزگوین» توسط این جانب

۴- «بررسی مختصر ترجمه قرآن در اسلام اثر علامه طباطبائی» توسط آقای نصرت چانچار، استاد دانشکده الهیات اسلامی ساریوو

دانشجویان کلاس را ۲۳ تن از استادان و همکاران مدرسه و دانشکده و برخی از فارغ التحصیلان رشته خاورشناسی تشکیل می دادند که به لحاظ اشتغال در زمینه‌های فرهنگ اسلامی و یا به دلیل مطالعات شرقی خود به آموزش زبان فارسی علاقه داشتند. این کلاس تا زمان شروع جنگ ساریوو ادامه داشت. اسامی دانشجویان به شرح زیر است:

- ۱- خانم ملیحه بهمن
- ۲- » سبیه حاصیلچ
- ۳- » حبیه حافیظویچ
- ۴- » سانلا دیزدار
- ۵- » نیهادا دیزدار
- ۶- » موبرا زیمچ
- ۷- » آمیلا فوچو
- ۸- » بهیجه کادریچ
- ۹- » فحره لوشیا
- ۱۰- » چنان نوحیچ
- ۱۱- » ادینا یوسفویچ
- ۱۲- آقای مونیر احمداسپاهیچ
- ۱۳- » عیصمت بیجیچ
- ۱۴- » عیصمت بوشالتیچ
- ۱۵- » عدنان پائیویچ
- ۱۶- » اسعد چانچار
- ۱۷- » موحامد کوزواتس
- ۱۸- » نجاد لاتیچ
- ۱۹- » عثمان لاویچ
- ۲۰- » نیهاد لوشیا
- ۲۱- » ایمر میچ
- ۲۲- » رشید مومینویچ
- ۲۳- » موصطفا یاهیچ

لازم به توضیح است که دوره آموزش فارسی در این کلاس چهارنیمسال
پیش‌بینی گردیده و در هر نیمسال یک کتاب از چهار کتاب آموزش زبان فارسی
«آزفا» تدریس می‌شود.

زبان فارسی در دانشگاه بلغراد

بحران سیاسی و اقتصادی یوگسلاوی در طی ماه مارس ۱۹۹۲ با شدت بیشتری به سمت جمهوری بوسنی و هرزگوین کشانده شد و جنگ داخلی این کشور سارایوو را که تا آن تاریخ محل امنی محسوب می شد مورد تهدید قرار داد. نتیجه رفتارندم مردم بوسنی و هرزگوین در تاریخ ششم آوریل با حدود ۶۵٪ آرا مؤید استقلال طلبی آنان بود و به دنبال آن، تأیید رسمی استقلال این جمهوری توسط جامعه مشترک اروپا خشم صربهای توسعه طلب و اسلام ستیز را بر علیه مسلمانان برانگیخت و از تاریخ هفتم آوریل شلیک توپها از ارتفاعات سارایوو که از مدتها قبل به اشغال صربها درآمده بود بر منطقه مسلمان نشین شهر آغاز شد. با شروع جنگ، فعالیتهای اداری و آموزشی دانشگاه سارایوو ناگهان متوقف گردید و هرج و مرج و حمله به فروشگاهها رواج یافت و همزمان پرواز هواپیماها و حرکت سایر وسایل عمومی قطع گردید. انتقال این جانب و اغلب دانشجویان ایرانی به بلغراد با همت سفارت جمهوری اسلامی ایران میسر شد.

باتوجه به هماهنگی قبلی بین وابستگی فرهنگی و بخش خاورشناسی دانشگاه بلغراد برای تأسیس کرسی زبان فارسی در این دانشگاه که سال قبل مورد تأیید دفتر همکاریهای علمی و بین المللی قرار گرفته بود تماسهای لازم با بخش مذکور برای انجام مطالعات مربوط برقرار شد. مدیریت دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلغراد

و بخش خاورشناسی این دانشگاه از تأسیس یک دوره دوساله زبان فارسی به عنوان گام مقدماتی استقبال نمودند. آقای دکتر دارکو تاناسکویچ، مدیر بخش خاورشناسی، نظر مسئولان دانشکده و بخش خاورشناسی را چنین بیان کرد: «در دانشکده ادبیات علاقه فراوانی نسبت به تأسیس کرسی زبان فارسی و به طور کلی ایران‌شناسی وجود دارد و ما فکر می‌کنیم که تشکیل یک دوره دوساله زبان فارسی می‌تواند اولین گام مناسب در این راه باشد و امیدواریم بتوانیم پس از حداکثر ده سال زبان فارسی را به سطح دانشگاه سارایوو برسانیم. شرایط عمده تأسیس کرسی زبان فارسی عبارت است از مجوز وزارت علوم ما، برنامه‌ریزی دوره آموزشی، تهیه کتاب و متون درسی و بالاخره تأمین استاد. کسب مجوز از وزارت علوم باسانی انجام می‌گیرد زیرا مصوباتی در این زمینه وجود دارد. بنابراین می‌توان درمورد برنامه‌ریزی و فراهم کردن متون آموزشی اقدامات لازم را شروع نمود.»

به این ترتیب، ضمن انتظار خاتمه جنگ و گشایش کلاسهای دانشگاه سارایوو، به عنوان همکاری موقت، به مطالعه برنامه‌های آموزشی و شناخت بخش خاورشناسی دانشگاه بلغراد پرداختم تا براساس اطلاعات به دست آمده بتوان شرایط و امکانات لازم را برای افتتاح کلاسهای زبان فارسی در اکتبر ۹۲ (مهر ۷۱) فراهم نمود. اطلاعات اولیه در دو زمینه زیر تنظیم گردیده است:

- ۱- معرفی کلی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلغراد، تاریخهای مهم، گروههای آموزشی و انتشارات عمده این دانشکده
- ۲- معرفی بخش خاورشناسی از نظر هیأت علمی، برنامه آموزشی، برنامه زبانهای عربی، ترکی و عبری

معرفی کلی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلغراد

دانشکده زبان و ادبیات که با قدمت‌ترین دانشکده دانشگاه بلغراد است یکی از مؤسسات طرازاول یوگسلاوی در زمینه علوم انسانی به شمار می‌رود. این دانشکده

مرکب از ۱۱ بخش آموزشی و ۲۴ رشته تحصیلی است و از ویژگیهای عمده آن وجود ارتباط نزدیک بین هیأت علمی و دانشجویان و همچنین بین خود دانشجویان از طریق تشکیل سمینارهای کوچک است. دانشجویان بخش قابل ملاحظه‌ای از سال اول خود را در گروههای کوچک صرف مطالعه و بحث در مقدمات ادبیات، فلسفه، تاریخ و زیانسناسی می‌نمایند.

نحوه مطالعه زبان در این دانشکده بر ادبیات یعنی محتوا، ساختار و سبک متون ادبی و نیز بر زیانسناسی یعنی صرف، نحو، معناشناسی و در مواردی شیوه‌های نگارش استوار است. علاوه بر این، تحول تاریخی زبانها و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی کشورهای محل تکلم مورد توجه قرار می‌گیرد. بخش زیانسناسی به دانشجویان امکان می‌دهد که در زمینه نظریه‌های زبانی، تاریخ و تطبیق زبانها و زبان و اجتماع به تحقیق بپردازند. بخش ادبیات تطبیقی به دانشجویان بینش ادبی فراتر از مرزها را می‌بخشد و به مطالعه علایق و روابط میان ملتها که معرف جنبشها و ادوار ادبی است پرداخته و روابط درونی ادبیات با دیگر هنرها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعات اسلاو به زبان و ادبیات ملتهای اروپای شرقی و جنوب شرقی یعنی اسلاوی شرقی (روسی)، اسلاوی غربی (لهستانی، چک و اسلواک) و اسلاوی جنوبی مربوط می‌شود. اسلاوی کلیسایی قدیم نیز که از اهمیت تاریخی زیادی برخوردار است در همین شاخه قرار می‌گیرد. مطالعات رومیایی زبانهای مشتق از لاتین شامل فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی و رومانیایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. هدف از مطالعات ژرمنی فراهم آوردن دانش لازم از نشو و تحول زبان آلمانی و ویژگیهای ادبیات آلمانی است. این بخش درسهایی در زبانهای اسکاندیناویایی نیز ارائه می‌دهد. در بخشهای مطالعات انگلیسی و مطالعات آلبانیایی به ترتیب زبان و ادبیات کشورهای انگلیسی زبان بویژه انگلیسی و آمریکای شمالی و زبان و ادبیات آلبانی تدریس می‌شود. بزرگترین بخش زبان و ادبیات غیراروپایی بخش خاورشناسی است که فرهنگ و زبانهای سامی، چینی، ژاپنی و

کره‌ای را دربر می‌گیرد.

در کلیه رشته‌ها دوره کارشناسی ارشد و در رشته‌های ادبیات دوره‌های دکتری پیش‌بینی شده است. ضمناً برنامه‌ریزی و تدریس زبان صربوکرواتى به دانشجویان خارجی برعهده مرکز زبان صربوکرواتى دانشکده می‌باشد.

تاریخچه (تاریخهای مهم) دانشکده زبان و ادبیات

- ۱۸۰۸ توسط شورای وزیران به نام «مدرسه بزرگ» در بلگراد تأسیس شد.
- ۱۸۳۸ نام آن به دانشکده و محل آن به کراگویواتس در نزدیکی بلگراد تغییر یافت.
- ۱۸۶۳ مجدداً به «مدرسه بزرگ» تغییر نام یافت و در بلگراد تجدید سازمان گردید. در همان سال برنامه آموزشی مدرسه بزرگ در سه دانشکده جدید فلسفه، حقوق و مهندسی سازماندهی شد و سپس به بنایی در منطقه قدیم بلگراد که اینک مقر ریاست دانشگاه بلگراد است نقل مکان یافت.
- ۱۸۷۳ برنامه درسی دانشکده فلسفه به دو دسته زبان و ادبیات، و تاریخ و علوم طبیعی تقسیم شد.
- ۱۹۰۵ «دانشگاه بلگراد» نامگذاری شد.
- ۱۹۲۱ مجله ادبیات، زبان، تاریخ و فرهنگ عامه انتشار یافت.
- ۱۹۴۷ دانشکده فلسفه، یکی از ستونهای دانشگاه بلگراد به دو دانشکده منشعب گردید: دانشکده علوم طبیعی و دانشکده فلسفه
- ۱۹۶۰ دانشکده زبان و ادبیات دانشکده جداگانه‌ای گردید.
- ۱۹۶۱ برنامه‌های تحصیلات تکمیلی در دانشکده زبان و ادبیات به اجرا درآمد.
- ۱۹۶۳ دروس آزمایشگاهی در زمینه آواشناسی تجربی در برنامه این دانشکده قرار گرفت.

۱۹۸۰ نوسازی ساختمان دانشکده در خیابان کنز میخایلو
Knez Mihailova، شماره ۴۰ به پایان رسید.

بخشهای آموزشی دانشکده زبان و ادبیات

یازده بخش آموزشی این دانشکده عبارت است از:

ادبیات یوگسلاو	زبانهای اسلاوی جنوبی
مطالعات ژرمنی	ادبیات تطبیقی و نظریه ادبیات
زبان و ادبیات ایتالیایی	مطالعات رومیایی
زبان و ادبیات انگلیسی	مطالعات اسلاو
زبانشناسی همگانی	زبان و ادبیات آلبانی
	مطالعات شرقی (خاورشناسی)

انتشارات عمده دانشکده زبان و ادبیات

مجله ادبیات، زبان، تاریخ و فرهنگ عامه، از سال ۱۹۲۱، شش ماهه

سالنامه دانشکده زبان و ادبیات، از سال ۱۹۶۱، سالانه

مقالات از سال ۱۹۶۶

انجمن سالنامه اسلاوها - صورت مذاکرات، از سال ۱۹۷۱، سالانه

Italica Belgradensia از سال ۱۹۶۱، سالانه. این سالنامه در ارتباط با زبان و

ادبیات و فرهنگ یوگسلاوی به زبان ایتالیایی منتشر می شود و در ضمن مسایل

تطبیقی زبانهای ایتالیایی و صربوکرواتی را دربر می گیرد.

هیأت علمی بخش خاورشناسی دانشکده زبان و ادبیات

هفده تن اعضای هیأت علمی این بخش عبارتند از:

دارکوتاناسکوویچ، مدیر بخش و استاد زبان و ادبیات عربی

رادیوژیچ، معاون بخش و استاد زبان و ادبیات عربی
اسلاولوب جینجیچ، استاد زبان و ادبیات ترکی
لیلیانا مارکویچ، استاد زبان و ادبیات ژاپنی
ویسلاو سیمیچ، مدرس زبان و ادبیات عربی
عایشا جولیزارویچ، مدرس زبان و ادبیات عربی
عبدالعلیم سعید، مدرس زبان و ادبیات عربی، اهل مصر
زوران کوراج، مدرس زبان و ادبیات عربی
میریانا تئودوسیویچ، مدرس زبان و ادبیات ترکی
آنجلکا میترویچ، مدرس زبان و ادبیات عربی
وینا استویسا و لیویچ، مدرس زبان و ادبیات ترکی
کایوکو یاماساکی، مدرس زبان و ادبیات ژاپنی، اهل ژاپن
لیلیانا چولیچ، مدرس زبان و ادبیات ترکی
تاتیانا پایبیچ، مدرس زبان و ادبیات عربی
دراگانا کوبوتا، مدرس زبان و ادبیات چینی
ویکتوریا ووکیچویچ، مدرس زبان و ادبیات چینی
اوری پاز، مدرس زبان عبری، اهل اسرائیل

برنامه کلی بخش خاورشناسی

دانشجویان این گروه می‌توانند طی یک دوره چهارساله به دریافت مدرک کارشناسی در رشته‌های عربی، ترکی، ژاپنی و چینی نایل شوند. علاوه بر این، عبری به عنوان زبان دوم در مدت دو سال تحصیلی تدریس می‌شود و انتخاب آن برای دانشجویان زبان در کلیه دوره‌های کارشناسی دانشکده آزاد است. آموزش زبانهای شرقی در دوره‌های فشرده به زبان گفتاری امروز صورت می‌گیرد (تا ۱۶ ساعت آموزش هفتگی شامل آزمایشگاه زبان) و با موضوعات تخصصی

از قبیل درآمدی بر خاورشناسی (در رشته مربوطه، مثلاً درآمدی بر ژاپن شناسی)، تاریخ ادبیات (کلاسیک و جدید تا شش ساعت در هفته)، تاریخ تمدن (دو ساعت در هفته)، درسهایی در گونه ادبی یا کلاسیک زبان شرقی موردآموزش (دو ساعت در هفته) و نیز موضوعات خاصی مانند تاریخ سیاسی اعراب، تاریخ اقتصادی ژاپن، جغرافیای اقتصادی جهان عرب، و آثار کهن ترکی عثمانی همراه است. تدریس کلیه دروس زبانهای شرقی در سطح ابتدایی آغاز می شود. آزمایشگاه زبان در اختیار دانشجویان قرار دارد و گذراندن برخی دروس مستلزم استفاده از آن است.

برنامه آموزشی زبان عربی به عنوان زبان اصلی

باتوجه به شباهتی که بین برنامه آموزشی زبانهای عربی و ترکی وجود دارد در زیر تنها به شرح برنامه آموزش زبان عربی اکتفا می شود.

مدت: هشت ترم. در ترمهای اول و دوم ۱۶ ساعت در هفته و در ترمهای بعدی ۱۴ ساعت. کل ساعات درسی: ۱۷۴۰ ساعت

هدف: فراگیری متون آموزشی باتوجه به دستور زبان و تمرینات مربوطه و استفاده از آنها در مکالمات روزمره.

بخشی از مواد درسی تا ترم پنجم: آواشناسی زبان عربی از نظر تحول تاریخی آن، گونه های زبان عربی، رابطه بین زبان ادبی و گویشها، الفبای عربی و آوانویسی بین المللی، واژه های کوتاه و بلند، حروف متصل، تلفظ واجهایی که در زبان عربی وجود ندارد و توصیف آنها از نظر محل و نحوه فراگویی، همزه (ارزش آوایی و نوشتاری آن)، نمایش واژه ها و ارزش آوایی آنها، نشانه های واژه ای در همخوانها، همسایش، حروف معرفه،...

وصل: کوتاه شدن واژه ها در فرایند وصل، واژه های کمکی،...

مورفولوژی: ویژگی عمومی مورفولوژی در زبان عربی، انواع کلمات، ریشه کلمات و معانی آنها،...

اسم: انواع اسم، جنس، عدد، صرف کامل و ناقص، جمع، حالات اسم، ...
 صفت: انواع صفت، ترکیب اسم و صفت، ساختمان صفت، ...
 اعداد: اعداد اصلی، ترتیبی، توزیعی، کسری، نامعین، ...
 ضمائر: انواع ضمیر، ضمائر شخصی، اشاره، استفهامی، موصولی و نامعین،
 پسوندهای ضمیری از اسم و فعل، پسوندهای ضمیری از قید، صرف ضمیر، ...
 افعال: ویژگی عمومی افعال، ریشه افعال، صرف افعال، زمان افعال، توالی
 افعال، اسم فعل، افعال کامل و ناقص، زمانها، فعلهای بی قاعده و صرف آنها، ...
 قید: انواع قید، ساختمان قید، کاربرد قید، ...
 حرف اضافه: انواع حرف اضافه، ساختمان و کاربرد آن، ...
 حرف ربط: انواع حرف ربط، ساختمان و کاربرد آن، ...
 حرف ندا: انواع و کاربرد، ...
 نحو: جمله اسمی، جمله فعلی، جمله های شرطی، جمله های موصولی،
 جمله های استفهامی، ترتیب مبتدا و خبر، ...
 واژگان: عبارات و اصطلاحات، گفته ها و ضرب المثلهای، واژه نامه مطبوعات و
 ادبیات، ...
 برنامه درسی از ترم پنجم: دانشجویان دروس مربوط به زبان مطبوعات و
 ادبیات کلاسیک و مدرن را خواهند داشت. متون مطبوعاتی از روزنامه های مختلف
 همه کشورهای عربی، و متون ادبی از منابع مختلف مثل قرآن کریم و آثار
 نویسندگان کلاسیک و معاصر انتخاب می شود. در جلسات درسی، دانشجویان
 به ترجمه و تفسیر متون می پردازند.
 برنامه امتحانی: امتحانات بعد از ترم اول و دوم به صورت شفاهی در زمینه
 دستور و ترجمه برگزار می شود. امتحان نهایی ترجمه و دستور به صورت شفاهی و
 گفتگو با استاد مکالمه بعد از ترم چهارم به عمل می آید. زمان اولین آزمایش کتبی
 پس از ترم ششم فرا می رسد. در این آزمایش به دانشجویان دو نوع متن داده

می‌شود، یکی از عربی کلاسیک و دیگری از عربی معاصر. دانشجویان این متون و احتمالاً جمله‌های مختلفی را به زبان عربی ترجمه می‌کنند و سپس در امتحان شفاهی، شامل ترجمه و تفسیر متن و مکالمه با استاد شرکت می‌نمایند. در پایان ترم هشتم نیز دانشجویان مانند سال سوم امتحان شفاهی و کتبی خواهند داشت. امتحان فارغ‌التحصیلی شامل دو قسمت کتبی و شفاهی است. در قسمت کتبی، متونی از زبان کلاسیک و معاصر به دانشجویان داده می‌شود که به صرب‌کرواتی ترجمه می‌کنند. در قسمت شفاهی، داوطلبان، ضمن تفسیر متون، با استاد مکالمه و اعضای کمیته زبان عربی گفتگو می‌کنند.

برنامه زبان عبری به عنوان زبان دوم

مدت: چهار ترم هر هفته چهار ساعت. دو ساعت درس و دو ساعت تمرین

هدف: فراگیری مقدماتی نظری و عملی زبان عبری در جهت فهم زبان معاصر و کسب توانایی خواندن متون ساده پایه

بخشی از مواد درسی: مقدمه‌ای بر تاریخ زبان عبری شامل آشنایی با خانواده زبانهای سامی، مراحل تحول و پیوندهای زبان عبری از جمله عبری قدیم، کنعانی، زبان تورات، زبان قرون وسطایی و عبری جدید.

فونولوژی و فونتیک: الفبای عبری، تقسیمات همخوان و واکه، واکه‌های ضعیف در پایان کلمه، هجا، آهنگ کلمه و جمله، اساس نقطه‌گذاری،...

مورفولوژی: ویژگی عمومی مورفولوژی در زبان عبری، انواع کلمه، ریشه کلمه، ریشه‌های کامل و ناقص، انواع ریشه‌های ناقص،...

اسم: انواع اسم، جنس، مفرد، تثنیه و جمع، صرف اسم،...

صفت: انواع صفت، صرف صفت، تطبیق صفت با موصوف، مقایسه صفات،...

ضمایر: انواع ضمایر شخصی، اشاره، استفهامی، نامعین،...

اعداد: اعداد اصلی، اعداد ترتیبی، اعداد کسری،...

افعال: ویژگی عمومی افعال، ریشه‌های فعل، گروه‌های فعلی، صرف فعل، زمانها،...

قید: انواع قید، ساختمان قید، کاربرد،...

حرف ربط: انواع حرف ربط، کاربرد،...

حرف ندا: انواع و کاربرد،...

نحو: تقسیمات و انواع آن،...

متون درسی: در ترم‌های اول و دوم متون ساده مطابق با معلومات دانشجویان و در ترم سوم قسمتهای ساده کتاب تورات با در نظر گرفتن ویژگیهای لازم انتخاب می‌شود. دانشجویان در ترم چهارم بعضی از آثار ادبی معاصر را مطالعه می‌کنند.

مشاهیر زبان و ادبیات فارسی

دربوسنی و هرزگوین و دانشگاه بلگراد

در مبحث حاضر شرح حال کوتاهی اززندگی بیست و یک نفر شاعر، استاد و شارح زبان و ادبیات فارسی در یوگسلاوی فراهم گردیده است.

چهارده نفر از آنان شعرای بوسنی و هرزگوین هستند که در این سرزمین و یا در ترکیه می زیسته اند و اغلب زبانهای ترکی و فارسی و عربی را می دانسته اند. این شاعران که به فارسی شعر گفته اند عبارتند از: محمود پاشاعدنی، درویش پاشا بایزید آگیچ، توکلی دده، محمد نرگسی، خسرو پاشا سکولو، احمد صبوخی، احمد طالب، احمد رشدی، محمد رشید، علی زکی کیمیاگر، احمد یسری، مصطفی لذنّی، حاجی مصطفی مخلصی و شیخ فوزی موستاری.

شش نفر بعدی استادان زبان و یا ادبیات فارسی هستند که مدتها از عمر خود را در دانشگاههای سارایوو و بلگراد صرف مطالعه، تحقیق و تألیف و تدریس زبان و یا ادبیات فارسی کرده اند و عبارتند از: فهیم بایراکتارویچ، شاکر سیکیریچ، ماریا جوکانویچ، بشیر جاکا، دارکو تاناسکویچ و دیان بوگدانویچ. سه نفر از شش نفر

نامبرده: بایراکتارویچ، سیکیریچ و جوکانویچ در گذشته‌اند و سه نفر دیگر در قید حیاتند.

آخرین نفر، احمد سودی بوسنوی، شارح بزرگ ادبیات فارسی است.

شاعران فارسی‌گوی بوسنی و هرزگوین

۱- محمود پاشا عدنی

محمود پاشا متخلص به عدنی اولین شاعر یوگسلاوی است که در فرهنگ و ادب مشرق‌زمین و شعر فارسی دست داشته و یکی از صدراعظم‌های عثمانی بوده است. محمد خانجیچ، پژوهشگر بوسنیایی، او را اهل بوسنی یا هرزگوین معرفی نموده و حال آن‌که در منابع دیگر اهل صربستان و یا کرواسی ذکر شده است. وی در طفولیت در نیمه اول قرن پانزدهم میلادی از طرف عثمانیها در یکی از هجومهایشان به پایتخت عثمانی برده شد. در نام خانوادگی او بین پانکوویچ، ابوگویچ، آنچلوویچ و بویه‌گویچ اختلاف است. اطلاعات موجود مؤید آن است که عدنی دارای دیوان و اشعاری پراکنده به فارسی می‌باشد ولی دیوان او دردسترس نیست. وفاتش در اواخر قرن پانزدهم اتفاق افتاده و تکبیت زیر منسوب به اوست: رخت زآه دلم گر نهان کنی چه عجب کسی چگونه نهد شمع در دریچه باد

۲- درویش پاشا با یزید آگیچ

درویش پاشا با یزید آگیچ در شهر موستار متولد شد. تاریخ دقیق تولد او معلوم نیست ولی در هر صورت در اواسط قرن دهم هجری قمری اتفاق افتاده است. در دوره سلطان سلیم دوم به دربار عثمانی راه یافت. وی نزد احمد سودی، شارح توانای آثار بزرگ ادبیات فارسی و اساتید دیگر در زمینه ادب عربی و فارسی تحصیل کرد. شیخ فوزی موستاری در بلبستان خود درباره درویش پاشا چنین نوشته است: «درویش پاشا رحمة الله علیه از گزیده ارباب و زیده اصحاب رسالت

است و همه اشعار وی نکته‌آمیز و رشحات کلکش ایهام ریز است. دو دیوان دارد. یکی فارسی و یکی ترکیست. هر دو لطیف و معنی‌دار و نکته‌شعار است...». درویش پاشا در اشعار فارسی و ترکی خود از تکلف و تصنع دوری جسته است. وی در سال ۱۰۱۲ هـ. ق در نزدیکی بوداپست شجاعانه جان سپرد. ده سال پیش از فوت کتابخانه‌ای در موستار تأسیس کرد. سه بیت زیر از او به عنوان نمونه آورده می‌شود:

اگر آن سروقد سازد مشرف خانه ما را
نثار مقدمش دارم همه دنیا و عقبی را
به یک غمزه ربوده ترک چشمت صد هزاران دل
کسی هرگز ندیده در جهان این گونه یغما را
نظر کن بر دل درویش و رحم آور شه خوبان
نصیحت بشنو و ضایع مگردان پند دانا را

۳- توکلی دده

توکلی دده شاعر قرن یازدهم هجری قمری متولد سارایووست که معلومات صوفیانه عرفانی را نزد شیخ عطیق دده کسب کرد و پس از مرگ شیخ جانشین وی شد و در خانقاه مولوی در سارایوو سالها مثنوی تدریس کرد. بنابه بعضی روایات در سال ۱۰۳۵ هـ. ق در سارایوو درگذشت و در جوار مسجد تساروا جامیا (مسجد شاه) به خاک سپرده شد. شعر زیر از اوست:

همچو غواصان مفلس از برای گوهری
زحمت دریای مردم خوار می‌باید کشید
جور هر نااهل و ناهموار بهر او کشم
بهر یک گل زحمت صد خار می‌باید کشید

۴- محمد نرگسی

اسم او محمد و اسم پدرش احمد افندی نرگس زاده و محل تولد او سارایوو می باشد. شغل پسر و پدر قضاوت بوده است. محمد تحصیلات اولیه را در سارایوو به پایان رساند و بقیه را در استانبول ادامه داد. بعد از مرگ پدرش تحصیل را ترک کرد و مدتی در شغل معلمی به سر برد و سپس در جزو قضاات درآمد. در لشکرکشیهای سلطان مراد چهارم بر ضد ایروان و بغداد در سال ۱۰۴۴ هـ. ق سمت واقعه نویس داشت و در همان جنگ جان سپرد.

از آثار نرگسی خمسة را باید ذکر کرد که مشتمل است بر نهالستان سعادت، مشاق العشاق، قانون رشاد، غزوه مسلمة و اکسیر دولت. و نیز الوصف الکامل فی الحوال الوزير العادل که درباره زندگی و فعالیتهای هموطن او مرتضی پاشا نوشته شده از اوست.

از آثار این شاعر در کتابخانه های یوگسلاوی و استانبول نسخ خطی زیادی موجود بوده و اغلب آنها مکرر به طبع رسیده است. در کتابخانه مؤسسه خاورشناسی سارایوو نسخه ای از منشآت نرگسی وجود دارد که دارای ابیات پراکنده به فارسی است.

باشاگیچ* می گوید که نرگسی در غزلهای خود بوی گلهای شیراز را با بوی بنفشه های سارایوو توأم کرده است به این معنی که نرگسی از حافظ و به طور کلی از شعرای شیراز و ایران متأثر بوده و در عین حال تصانیف و اشعار عاشقانه بوسنی نیز در طبع او تأثیر عمیقی به جای گذاشته است. ابیات زیر که در جواب نامه ای سروده شده از اوست:

* دکتر صفوت بیگ باشاگیچ، اهل یوگسلاوی، نخستین مورخ جدید تاریخ دوران عثمانی و بوسنی و هرزگوین

مکتوب جانفزای تو آمد به سوی من
چون خوانده گشت بر دل سوزان نهادمش
از ترس آن که دل من بسوزدش
فی الحال بر دو دیده گریان نهادمش
از خوف آن که آب دو چشم بشویدش
از دیده برگرفتم و بر جان نهادمش

۵- خسرو پاشا سکولو

این شاعر متولد بوسنی ولی تربیت یافته دربار عثمانی است و در سال ۱۰۳۷ هـ. ق صدراعظم دولت عثمانی شده است.
به گفته فوزی موستاری خسرو پاشا اشعار فارسی نیز سروده است ولی تا به حال جز شعر غنائی او که در بلبلیستان فوزی درج شده اطلاعی در این باره در دست نیست. سه بیت زیر از ابیات منسوب به اوست:
دلم در عاشقی آواره شد آواره تر بادا
تنم از ذلتی بیچاره شد بیچاره تر بادا
دلم صد پاره شد از غم نه زان گونه که برگردد
اگر جانان بدین شادست یا رب پاره تر بادا
خسرو به علت عدم موفقیت در فتح بغداد به قتل رسید و سال قتلش احتمالاً ۱۰۴۰ هـ. ق می باشد.

۶- احمد صبحی

احمد صبحی که نام کاملش احمد بیگ درویش پاشا زاده است در موستار به دنیا آمد و در زمانی که عثمانیان بر قسمتی از مجارستان غالب شده بودند وی بر چندین ولایت حکمرانی داشت.

فوزی در بلبلستان خود می نویسد که همه اشعار وی در ترکی و فارسی ایهام دار و متین و خوب است. چند بیت زیر از ابیات اوست:

بیاکه سیر خرابات عالمی دارد
عجب هوای خوش و خاک بی غمی دارد
منه پیاله که بهر بنای هر دو جهان
اساس میکده بنیان محکمی دارد
زهر برگ صبحی بهار عمر خوشست
ولی چو موسم گل فرصت کمی دارد
احمد صبحی در بوداپست وفات یافت و در همان شهر به خاک سپرده شد.
سال وفاتش ۱۰۵۱ هـ ق برابر با ۱۶۴۱ م است.

۷- احمد طالب

احمد طالب در بوسنی متولد شد. تحصیلات اولیه را در موطن خود به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به استانبول رفت و سرانجام به سمت رئیس الکتتاب (وزیر خارجه) عثمانی منصوب شد.

اطلاعات موجود حاکی از آن است که وی اشعار ترکی و فارسی متعددی سروده و اشعار ظریف و لطیفی دارد. در سال ۱۰۸۵ هـ ق برابر با ۱۶۷۴ م درگذشت و در جوار مسجد شیخ ابوالوفا در استانبول به خاک سپرده شد.

۸- احمد رشدی

احمد رشدی ملقب به مخاف در سال ۱۰۴۷ هـ ق برابر با ۱۶۳۷ م در شهر موستار به دنیا آمد و در سال ۱۰۵۵ به استانبول گسیل شد. وی دیوان کاملی به ترکی دارد ولی اشعار فارسی نیز سروده است. در فارسی بیشتر غزل گفته و اوج قدرت شاعری خود را در آن زمینه نشان داده است. غزلهای فارسی او عاشقانه و پر از نکات

شیرین است.

فوزی در بلبلیستان خود درباره او می گوید «در فارسی همه اشعارش استقبال از شعر عرفی است.» او بغیر از سرودن اشعار در ماده تاریخ هم تبحر فراوان داشت. در سال ۱۱۱۱ هـ. ق برابر با ۱۶۹۹ م در استانبول وفات یافت. ابیات زیر از اوست:

مرا از جام می خوشتر نباشد همدمی دیگر
مرا از دختر رزبه نباشد محرمی دیگر
زرویت برندارم دیده پرخون که می بینم
گل رخسار سرخت را شاید شبنمی دیگر

۹- محمد رشید

محمد رشید در نیمه دوم قرن یازدهم هـ. ق در سارایوو متولد شد. درباره او اطلاعات کمی در دست است. وفاتش ظاهراً در اوایل قرن دوازدهم اتفاق افتاد. دکتر شاکر سیکیریچ در کتابخانه غازی خسروبیگ نسخه ای خطی پیدا کرده که ۲۷ برگ قسمت اول آن دیوان رشید بوسنوی نام دارد و این بیت از ابیات فارسی آن است:

گهی دری متکلم شوم گهی رومی
چو بلبل مترنم مبدل نغمات
رشید شعر بلندی نیز در ستایش حضرت علی علیه السلام سروده است.

۱۰- علی زکی کیمیاگر

علی زکی کیمیاگر در بوسنی تولد یافت. تحصیلات خود را در آنجا به پایان رساند و سپس در استانبول مستقر گردید و در ردیف رجال اول عثمانی برگزیده شد. وی مدت زیادی از عمر خود را در کیمیاگری گذراند و به همین سبب لقب کیمیاگر یافت. این شاعر علاوه بر سرودن ماده تاریخ در تنظیم و حل معما و لغز ماهر بود و

با زبان و ادبیات فارسی آشنایی کامل داشت و اشعاری به زبان فارسی سرود. وفات او به سال ۱۱۲۳ هـ. ق برابر با ۱۷۱۱ م اتفاق افتاد.

۱۱- احمد یسری

احمد یسری در سال ۱۰۴۶ هـ. ق برابر ۱۶۳۶ م در بوسنی به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات شغل معلمی اختیار کرد و سپس به کار قضا پرداخت. وی دارای اشعار ترکی و فارسی و عربی می باشد ولی هیچکدام در دسترس نیست. در سال ۱۱۰۵ هـ. ق برابر با ۱۶۹۳ م درگذشت.

۱۲- مصطفی لدنی

مصطفی لدنی اهل بوسنی است که بعد از اتمام تحصیلات در بوسنی به سفرهای طولانی پرداخت و تمامی ترکیه و آسیای مرکزی را پیمود. وی به تهران نیز سفر کرد و در مسابقه با شعرای ایرانی شرکت نمود و مدتی را در مقام سفارت دولت عثمانی در ایران گذراند. اشعار ترکی و فارسی فراوان دارد و سال وفاتش در استانبول ۱۱۳۳ هـ. ق برابر با ۱۷۲۰ م می باشد.

۱۳- حاجی مصطفی مخلصی

حاجی مصطفی در شهر گورونی واکوف (وقف بالا) از شهرهای بوسنی و هرزگوین تولد یافت و شغل قضاوت داشت. تاریخ تولد و وفات او دقیقاً معلوم نیست. وفاتش احتمالاً در سال ۱۱۶۲ هـ. ق برابر با ۱۷۴۹ م اتفاق افتاده است. بیت زیر از مخلصی نشان می دهد که وی در صدد استقبال از شعر حافظ برآمده است:

اگر آن دختر شوقی (؟) بیامد خانه ما را

به هریک خطوه می بخشم هزاران وقف بالا را

و نیز این شعر از اوست:

کریم، منعما، آموزگارا	رثوفا، قادرا، پروردگارا
گنجهکارم، غریبم، مستمندم	علیلم، عاجزم، هم روسیاهم
حسن کن فعل و قول و حال ما را	زلطف عام بخشا جرم ما را

۱۴- شیخ فوزی موستاری

فوزی موستاری در بلاگای نزدیک موستار به دنیا آمد. برای تحصیل عازم استانبول شد و بعد از بازگشت در موستار مستقر گردید و به شرح مثنوی معنوی پرداخت. در سال ۱۱۵۲ هـ. ق تألیف بلبستان را به فارسی به پایان رساند. بلبستان طولانی ترین اثر فارسی است که به تقلید گلستان سعدی نوشته شده و شش خلد یا فصل را دربر می گیرد. خلد اول به مشایخ معروف، خلد دوم به توبه خلد سوم به حکایات درباره درویشان و پادشاهان، خلد چهارم به شعرای فارسی و ترکی زبان در امپراطوری عثمانی و خلد پنجم به فصیحت سخن اختصاص دارد. وفات فوزی به سال ۱۷۴۷ م اتفاق افتاد.

استادان زبان و یا ادبیات فارسی

۱- فهیم بایراکتارویچ

تاریخچه ایرانشناسی و ادبیات فارسی در دانشگاه بلگراد با نام فهیم بایراکتارویچ آغاز می شود. او چهل و یک سال از عمر خود را (۱۹۲۵ تا ۱۹۶۶) وقف مطالعه و تحقیق در فرهنگ مشرق زمین و از جمله ترجمه و بررسی و تدریس ادبیات فارسی در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلگراد کرد و از خود آثار ارزشمندی به یادگار گذاشت.

فهیم بایراکتارویچ در سال ۱۸۸۹ در شهر سارایوو به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در سارایوو در سال ۱۹۱۱ وارد دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه وین

شد و سپس برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت. از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ در الجزایر به مطالعات تخصصی پرداخت و از آن زمان با هانری ماسه، ایرانشناس معروف فرانسوی که استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پاریس بود آشنا شد. از سال ۱۹۲۵ تدریس ادبیات جهان را در دانشگاه بلگراد آغاز کرد.

دکتر بایراکتارویچ در سال ۱۹۲۶ بخش خاورشناسی دانشگاه بلگراد را تأسیس نمود و تا زمان بازنشستگی بر آن مدیریت داشت. با تأسیس این بخش کار تدریس زبان و ادبیات مشرق زمین از جمله ترکی، عربی و فارسی در آن دانشگاه شروع شد. وی در سال ۱۹۷۰ بدروود حیات گفت.

مجموعه کارهای تحقیقاتی این استاد به ۲۴۴ اثر به صورت مقاله، تألیف و ترجمه بالغ می شود. آثار زیر درباره ادبیات فارسی به زبان صربوکرواتی از اوست:

غزل فارسی (قطعاتی از سعدی)، ۱۹۲۶ - فیتز جرالد و عمر خیام، ۱۹۲۷ - فردوسی، رستم و سهراب (قطعاتی از شاهنامه در ۲۴ بخش)، ۱۹۲۸ - مروری بر «بلبلستان»، اثر شیخ فوزی مستاری، ۱۹۳۵ - مروری بر «ایران در دوره ساسانیان»، اثر آرتور کریستن سن، ۱۹۳۷ - تفسیری بر «فردوسی، قهرمان ملی»، اثر هانری ماسه، ۱۹۳۷ - تأثیر مشرق زمین بر آثار گوته، ۱۹۳۹ - منابع ایرانی نبرد کوزوو، ۱۹۵۳ - درباره ادبیات نوین ایران، ۱۹۵۶ - میراث ایران، ۱۹۵۸ - مروری بر «ادبیات امروز تاجیک و فارسی»، اثر یان. ریپکا، ۱۹۵۶ - عمر خیام، بزرگترین شاعر جهان، ۱۹۶۵ - شعرای ایرانی، ۱۹۷۱

۲- شاکر سیکیریچ

شاکر سیکیریچ، ایرانشناس و محقق زبان و ادبیات فارسی و بنیانگذار آموزش فارسی در دانشگاه سارایوو، در سال ۱۸۹۳ در بوسنی تولد یافت. پس از تحصیلات مقدماتی، از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۵ در مدرسه عالی علوم شرعیات قضائی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۱۵ از طرف دولت بوسنی بورس تحصیلی رشته خاورشناسی

به‌وی اعطا شد و در سال ۱۹۲۳ موفق به‌اخذ درجهٔ دکتری از دانشگاه بوداپست گردید. در سال ۱۹۳۷ به‌استادی دانشکدهٔ الهیات اسلامی ساریو و رسید و در طول سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ ریاست این دانشکده را برعهده داشت.

در سال ۱۹۵۰ بخش خاورشناسی دانشگاه ساریو را تأسیس کرد و به‌تدریس زبانهای عربی و فارسی پرداخت و تا پایان عمر در سمت استادی این رشته خدمت نمود. علاوه بر این، مدت سی سال در مدرسهٔ اسلامی غازی خسروبیگ زبانهای عربی، ترکی و صربوکرواتی را تدریس کرد.

خاندان سیکیریچ از مروجان علوم اسلامی در بوسنی بوده‌اند. دکتر سیکیریچ در بین دو جنگ جهانی ریاست سازمان خیریهٔ مرحمت را به‌عهده داشت و در اتحادیهٔ علما موسوم به‌الهدایه فعالیت می‌کرد. وی بنا به دعوت کتابخانهٔ پهلوی تهران برای شرکت در اولین کنگرهٔ ایرانشناسان جهان در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۶۶ به‌تهران آمد. وفاتش در همان سال اتفاق افتاد. بعضی از آثار او به‌شرح زیر است:

تکایا و طرق درویشی در بوسنی، ۱۹۲۳ - ابو حامد الغزالی، ۱۹۲۵ - تکایای شهر ساریو، ۱۹۲۷ - دستور زبان فارسی، ۱۹۵۱ - لاله‌زار فارسی یا منتخبات ادبیات فارسی، ۱۹۵۵ - نسخه‌ای از دیوان جامی، ۱۹۵۵ - نقش نحوی حروف اضافه در زبان عربی، ۱۹۵۳.

۳- ماریا جوکانویچ

ماریا جوکانویچ، از شاگردان فهیم بایراکتارویچ در دانشگاه بلگراد، در سال ۱۹۲۳ در موستار به‌دنیا آمد. در سال ۱۹۴۹ تحصیلات کارشناسی را در بخش خاورشناسی به‌اتمام رساند و تا سال ۱۹۵۴ به‌عنوان کتابدار این بخش مشغول به‌کار شد. سپس در سمت دستیار زبان و ادبیات ترکی برگزیده شد و بعد از اتمام تحصیلات دکتری در مقام استادیار به‌کار ادامه داد.

پس از فوت فهیم بایراکتارویچ، تدریس ادبیات فارسی در دانشگاه بلگراد از سال

۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ توسط ماریا جوکانویچ صورت گرفت.
دکتر جوکانویچ در سال ۱۹۸۳ وفات یافت. وی دارای تألیفات متعددی است
که برخی از آنها درباره ادبیات و فرهنگ ایران می باشد.

۴- بشیر جاکا

دکتر بشیر جاکا، استاد کنونی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سارایوو، در سال
۱۹۶۹ تحصیلات خود در دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران را به پایان
رساند و از آن پس در دانشکده فلسفه دانشگاه سارایوو به تدریس زبان فارسی
مشغول شد. در آن زمان فارسی به عنوان یک درس فرعی از دروس زبان ترکی
محسوب می شد ولی با شروع همکاری دکتر جاکا این زبان به صورت درس و زبانی
مستقل در کنار زبانهای عربی و ترکی درآمد و مدت تدریس آن از یک سال
به سه سال افزایش یافت. از آن تاریخ تاکنون ریاست کرسی زبان فارسی و وظیفه
تدریس ادبیات در دانشگاه سارایوو بر عهده ایشان بوده است.
دکتر جاکا آثاری درباره زبان و ادبیات فارسی دارد از جمله شعر معاصر ایران،
گزینش و ترجمه به صربوکرواتسی، ۱۹۷۹، بختیارنامه، ترجمه از فارسی
به صربوکرواتسی، ۱۹۸۹ و نیز تألیفی آماده به چاپ تحت عنوان تاریخ ادبیات ایران.

۵- دارکوتانا سکویچ

دارکوتانا سکویچ یکی دیگر از شاگردان فهیم بایراکتارویچ است که تدریس
ادبیات فارسی را از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ در بخش خاورشناسی دانشگاه بلگراد
ادامه داده است. وی در سال ۱۹۴۸ در زاگرب تولد یافت. در سال ۱۹۷۰ دوره
کارشناسی خاورشناسی را در دانشگاه بلگراد به پایان رساند و در سال ۱۹۷۹
به درجه دکتری در آن رشته نایل گردید. از سال ۱۹۷۱ تاکنون به تدریس و تحقیق در
بخش خاورشناسی پرداخته است. در حال حاضر مدیر بخش خاورشناسی و یکی

از محققان و دانشمندان برجسته در زمینه ادبیات و فرهنگ عرب و اسلام‌شناسی در کشور یوگسلاوی است. حدود ۲۵۰ کار تحقیقی به صورت مقاله، تألیف و ترجمه از او به چاپ رسیده است.

۶- دیان بوگدانویچ

دیان بوگدانویچ، خاورشناس یوگسلاو، در سال ۱۹۳۰ تولد یافت و دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران را در سال ۱۹۶۶ به پایان رساند. در حال حاضر در مؤسسه زبانهای زنده شرقی در پاریس به تحقیق و تدریس اشتغال دارد. زمینه اصلی تحقیقات او رابطه زبان و ادبیات فارسی با کشورهای بالکان است. بزرگترین اثر این دانشمند ترجمه سندباد نامه به زبان فرانسه می باشد.

شارح بزرگ ادبیات فارسی: احمد سودی بوسنوی

احمد سودی معروفترین عالم بوسنی در زمینه شرح و تفسیر برخی از آثار بزرگ ادبیات فارسی است که در روستای سودیچ نزدیک چابینیچه و فوچا تولد یافت اما بیشتر در استانبول زیست و آثار خود را هم در آنجا تألیف کرد. وی چند مرتبه در شرح گلستان و شرح حافظ می نویسد که با علمای فارسی مکرر تماس داشته و با آنان درباره مشکلاتی که در فهم ادب فارسی حاصل شده بحث کرده است.

سودی در سه زبان ترکی و عربی و فارسی دست داشت و آنچه از او مانده یکی شرح مثنوی مولانا جلال‌الدین به ترکی است که برعکس شرح وی بر دیوان حافظ شهرتی نیافته است و دیگر دو شرح دیوان حافظ به ترکی از او در خور توجه فراوان است. وی نخست شرح مختصری بر دیوان حافظ نوشت و سپس به شرح مفصل دیوان پرداخت (استانبول ۱۸۷۰ م) که ترجمه آن را به فارسی دکتر عصمت ستارزاده به انجام رسانده است. تردیدی نیست که شرح سودی یکی از مهمترین شروحی است که درباره اشعار حافظ تاکنون تألیف شده است. به گفته هرمان اته،

سودی تنها شارحی است که شاعر را از نظر بشری می‌بیند و اشعارش را تحت‌اللفظ تعبیر و تفسیر می‌کند.

از دیگر تألیفات سودی شرح گلستان به ترکی است. شرح گلستان سودی را برخی از محققان از معروفترین و مفیدترین شروح گلستان می‌دانند. این شرح توسط حیدر خوش طینت، زین العابدین چاوشی و علی اکبر کاظمی به فارسی ترجمه شده است. از این شرح پنج نسخه خطی متفاوت به جا مانده است.

یکی دیگر از آثار مهم سودی شرح بوستان به ترکی است که آن را دکتر اکبر بهروز به فارسی برگردانده است. در کتابخانه غازی خسرو بیگ سارایوو دو نسخه از شرح سودی بر بوستان سعدی وجود دارد.

در مورد سال درگذشت سودی اختلاف نظر وجود دارد. سعید نفیسی در مقدمه شرح سودی بر حافظ تاریخ وفات او را سال ۱۰۰۶ هـ ق آورده است. در مقدمه گلستان شیخ سعدی شیرازی، ترجمه آقای صالح تراکو به صربو کرواتانی فوت او به سال ۱۵۹۸ ذکر شده و گویا در حرم مسجد یوسف پاشا در محله‌ای از استانبول به نام آق سرای به خاک سپرده شده است.

زبان صربوکرواتی

دو قوم صرب و کروات که تا زمان تشکیل کشور واحد یوگسلاوی در سال ۱۹۱۸ به سرزمینهای متفاوتی تعلق داشتند دارای زبان ادبی مشترکی هستند که بر طبق قرارداد وین در سال ۱۸۵۰ صربوکرواتی نام دارد. صربوکرواتی که زبان مشترک صربها، کرواتها، مونته نگروییها و مردم بوسنی و هرزگوین است توسط اکثریت عظیم یوگسلاوها تکلم می شود و تمام تحصیل کرده های اسلونی و مقدونیه نیز با آن آشنا هستند. مردم اسلونی به زبان اسلونیاوی و اهالی مقدونیه به زبان مقدونی سخن می گویند.

رابطه صربوکرواتی با زبانهای اسلاو

زبانهای اسلاو یا اسلاونی شاخه مهمی از خانواده زبانهای هند و اروپایی هستند که اکنون در بلغارستان، چکسلواکی، لهستان، یوگسلاوی، مناطقی از آلمان شرقی، بیشتر قسمتهای اروپایی شوروی و بالاخره در نواحی بزرگی از بخش آسیایی این کشور بدان تکلم می کنند. این زبانها به سه گروه شرقی، غربی و جنوبی تقسیم می شوند.

گروه شرقی که رایج‌ترین زبانهای این شاخه را دربر می‌گیرد عبارت است از روسی (روسی بزرگ)، روسی سفید (بلوروسی)، و اوکراینی. گروه غربی مرکب است از چک (یا بوهمیایی)، لهستانی، اسلواک، لوزاتی علیا و لوزاتی سفلی. و گروه جنوبی شامل بلغاری، مقدونی، صربوکرواتی و اسلونیایی می‌شود. به این گروه باید اسلاونی کلیسایی را نیز افزود که البته کاربرد آن منحصر به منطقه اسلاوی جنوبی نیست.

مشخصات عمده زبانهای اسلاو

زبانهای اسلاو از این نظر که حالت قدیمی و گذشته خود را حفظ کرده‌اند از هریک از شاخه‌های مهم دیگر هندواروپایی به زبان اصلی (اگر اصولاً چنین زبانی وجود داشته است) نزدیکتر به نظر می‌رسند. مثلاً این زبانها (باستثنای بلغاری) تقریباً به‌طور کامل ساختمان صرف اسم در هندواروپایی (اسم دارای هفت حالت و سه جنس است) و نیز تغییرات صرفی زیادی را درمورد ضمائر، صفات و افعال حفظ کرده‌اند.

در بین زبانهای اسلاو شباهت بیشتری از نظر واژگان، اصوات و ساختارهای دستوری باقی مانده است تا در میان زبانهایی مثل گروه ژرمنی و یارومیایی. برای نشان دادن گستردگی کاربرد همخوانها و تراکم آنها کافی است که در لهستانی به کلمات *Szczebrzeszyn* «اسم مکان»، *źbźbto* «ساقه»، و *szczyt* «اوج»، و در صربوکرواتی و چک به واژه *smrt* «مرگ» اشاره شود. در این زبانها اصوات کامی، صفیری و سایواجها فروان است ولی همخوان دمیده بجز x (خ) در روسی وجود ندارد. بعضی همخوانها به صورت جفت کامی - غیرکامی هستند، مانند r - rz در لهستانی، d - d' در چک و l - l' در صربوکرواتی. تفاوت‌های عمده بین زبانهای اسلاو در تکیه‌گذاری و واکه‌هاست. روسی،

اوکراینی، روسی سفید، بلغاری، مقدونی و اسلونیایی دارای تکیه آزاد هستند. در این زبانها یک تکیه قوی می‌تواند بر هریک از هجاهای کلمه قرار گیرد و در ضمن صرف جای آن تغییر یابد. در صربوکرواتی هریک از هجاهای کلمه جز هجای آخر می‌تواند تکیه داشته باشد. در چک، اسلواک و لوزاتی تکیه همیشه بر هجای اول کلمه گذاشته می‌شود. در چک یک تکیه دوم نیز بر هجای سوم قرار می‌گیرد و بالاخره در لهستانی هجای ماقبل آخر تکیه می‌گیرد.

تقریباً تمامی واژه‌های چک و اسلواک می‌توانند هم کشیده (با علامت $\acute{}$ مانند $\acute{a}$ ، $\acute{o}$ ، $\acute{e}$) باشند و هم کوتاه (بدون علامت). چنین تمایزی در زبانهای روسی، لهستانی، بلغاری و بقیه وجود ندارد. لهستانی دارای دو واژه غنه a و $ę$ است و تلفظ واژه‌ها در لوزاتی با پیچیدگی بیشتری همراه است.

گویشهای صربوکرواتی

صربوکرواتی گفتاری دارای سه گویش اساسی متمایز است که از روی تلفظ واژه پرسشی «چه» به صورتهای $kaž$ ، $čā$ و یا $što$ ، به ترتیب «گویش چا»، «گویش کای» و «گویش اِشتو» نامگذاری شده‌اند. با این حال، تفاوت بین این گویشها منحصر به ضمیر فوق و یا کلاً ناشی از تغییرات واژگانی نیست. گویش چا بیشتر در غرب کشور و توسط اهالی جزایر آدریاتیک و نوار نسبتاً باریکی در کرانه آدریاتیک تکلم می‌شود ولی سابقاً در منطقه وسیعتری رواج داشت. گویش کای در شمال کرواسی رایج است و با زبان اسلونیایی همسایه خود وجه اشتراک بیشتری دارد. گویش اِشتو رایجترین گویش امروز یوگسلاوی است که همه کرواتها جز در بخش نامبرده و نیز صربها و مونته نگروییها بدان تکلم می‌کنند. علیرغم این که گویش کای و گویش چا هنوز دارای کاربرد گفتاری و گاه نوشتاری می‌باشند گویش شتو به عنوان مبنای زبان معیار گفتاری و نوشتاری صربوکرواتی پذیرفته شده و زبان ادبی تمام تحصیلکرده‌هاست.

زیر گویشهای صربوکرواتی

گویش اشتو خود دارای سه گویش فرعی یا زیرگویش است که در نتیجه بروز اختلاف در تلفظ واکه کشیده ē در زبان اسلاونی قدیم به وجود آمده است. تکلم کنندگان یک زیر گویش آن را به شکل i، زیر گویش دیگر به صورت e، و زیر گویش سوم آن را je یا ije تلفظ می کنند. مثلاً کلمه «کودک» بسته به این که در کدام زیر گویش به کار رود به صورت dite، dete و یا dijete تلفظ می شود. کلمه «شیر» هم دارای تلفظهای mliječko، mleko، mliko است و بالاخره «آواز می خوانم» به شکل pijevam، pevam، pivam در می آید.

نخستین زیر گویش به زیر گویش i معروف است که ē ی اسلاونی قدیم در آن به صورت i تلفظ می شود. این زیرگویش بیشتر توسط کرواتها و مسلمانان غرب بوسنی، غرب رودخانه نرتوا، جنوب اسلاونیا، غرب ویودینا، نواحی شمال غرب دالماسی و قسمتهایی از مغرب کرواسی تکلم می شود. زیر گویش دوم زیرگویش e نام دارد که عمدتاً در شرق (صربستان و بقیه ویودینا) بدان تکلم می کنند. زیرگویش سوم یا زیر گویش ije، در بیشتر نقاط کرواسی، غرب صربستان، مونته نگرو، جنوب دالماسی شرق رودخانه نرتوا، و در بوسنی و هرزگوین شرق رودخانه های بوسنی و نرتوا رواج دارد. صربهای ساکن کرواسی، غرب رودخانه های بوسنا و نرتوا، به زیر گویش ije سخن می گویند.

زیر گویش i، علیرغم کاربرد گفتاری کنونی، عملاً جایگاه خود را به عنوان یک زبان ادبی از دست داده است. دو زیرگویش دیگر، زبان صربوکرواتی ادبی امروز را تشکیل می دهند و از آنها دو گونه زبانی به وجود آمده است. گونه شرقی در بلغراد، پایتخت اداری کشور یوگسلاوی، تمرکز یافته و در مدارس ناحیه رواج زیر گویش e تدریس می شود. اکثریت یوگسلاوها که به این گونه شرقی سخن می گویند املاي زیر گویش e و الفبای سیریل را به کار می برند. گونه دیگر صربوکرواتی که در زاگرب متمرکز است در غرب رواج دارد و در مدارس نواحی زیر گویش ije و گویشهای چا

و کای تدریس می شود و آن را عموماً با الفبای لاتین می نویسند. اکنون دوگونه مورد بحث، بویژه از نظر واژگان، در حال ادغامند.

الفبای صربوکرواتی

برای نوشتن زبان واحد صربوکرواتی از دو الفبا استفاده می شود. صربها از زمان گرویدن به مسیحیت از طریق کلیسای ارتدوکس، الفبای سیریل را که بر مبنای یونانی پدید آمده پذیرفتند. این الفبا از آن جهت سیریل نامیده می شود که تا چندی پیش تصور می باشد توسط سیریل و متودیوس، مبلغین مذهبی، ابداع شده است. این دو در قرن نهم از طرف امپراطور بیزانس برای دعوت اسلاوهای موراویا به آیین مسیحیت اعزام شدند ولی حال عقیده بر آن است که الفبای سیریل در واقع توسط کنستانتین کشیش در پایان قرن نهم به وجود آمده و سیریل قبل از این زمان در قرن نهم الفبای اسلاونی قدیم به نام گلاگولیت را اختراع کرده است. صربها تحت تأثیر زبانشناس بزرگ خود ووک کرچیچ Vuk Karadžić (۱۸۶۴ - ۱۷۸۷) تلاش کردند که الفبای سیریل را کاملاً آوایی نمایند به طوری که تنها یک نشانه نماینده هر صدای زبان گفتاری باشد. به این منظور شش نشانه جدید بر آن افزودند و هشت علامت زائد را حذف کردند زیرا صداهای مربوط به این هشت علامت که قبلاً در صربوکرواتی وجود داشت دیگر به کار نمی رفت.

کرواتها که الفبای گلاگولیت را پذیرفته بودند، تحت تأثیر کلیسای غرب که به آیین مسیحیت آن گرویده بودند، از قرن چهاردهم شکل اصلاح شده ای از الفبای لاتین را به کار گرفتند. این الفبا ابتدا تاحدی به تناسب وضعیت جغرافیایی تغییر یافت. خط در سواحل کرواسی و دالماسیا از حروف ایتالیایی تأثیر پذیرفت ولی در نواحی مرزی مجارستان، بویژه از نظر سفیرها و همخوانهای کامی، گونه نوشتاری مجارستان رجحان یافت. در نیمه اول قرن نوزدهم، در نتیجه اصلاحات املائی لیودویت گای (۱۸۷۲-۱۸۰۹) Liudevit Gaj، حروف مربوط به همخوانهای

کامی و کامی شده، به شکلی که در چک و لهستانی معمول است (یعنی ž, š, č, dž, đ) به کار گرفته شد. به این ترتیب الفبای جدید کرواسی به نام لاتینی نیز آوایی شد به استثنای j, l, nj و dž که در آنها دو حرف نماینده یک صدایند. در آثار علمی که توسط آکادمی یوگسلاو انتشار یافته به جای نشانه‌های فوق از 'a, 'n, 'g استفاده شده و ناهماهنگی موجود از میان رفته است. الفبای سابق گلاگولیت تا قرن نوزدهم مورد استفاده کشیشان کروات بود، بخصوص در جزایر و سواحل دالماسی ولی امروزه کاملاً منسوخ شده است.

الفبای سیریل صربها و الفبای لاتینی کرواتها دارای معادلهای دقیق هستند و قابل تبدیلمند.

دانشکده الهیات اسلامی ساریوو

دانشکده الهیات اسلامی ساریوو در تاریخ ۱۵ شوال ۱۳۹۷ هجری قمری برابر با ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۷ میلادی بنابر تصمیم شورای عالی جامعه اسلامی یوگسلاوی در محل مدرسه غازی خسروبیگ ساریوو گشایش یافت. تأسیس این دانشکده در حقیقت دارای ریشه تاریخی بوده و به حدود ۴۵۰ سال پیش مربوط می شود که غازی خسروبیگ محل مدرسه کنونی را به تعلیم و تربیت اسلامی اختصاص داد ولی در طول این مدت مدرسه اسلامی تنها در سطح دبیرستان دایر بوده و فعالیت داشته است.

دانشکده الهیات اسلامی در حال حاضر جزو مؤسسات دانشگاه ساریوو نیست ولی الحاق آن به دانشگاه مورد نظر می باشد. دوره دانشکده چهار سال است که در هشت نیمسال تدریس می شود. دانشجویان به دو صورت دائم و غیردائم تحصیل می کنند. دانشجویان دائم در کلاسها حضور می یابند ولی دانشجویان غیردائم فقط در جلسات امتحانی شرکت می نمایند. فارغ التحصیلان به دریافت مدرک کارشناسی که به امضای رئیس العلما و رئیس دانشکده می رسد نائل می شوند.

در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ تعداد دانشجویان دائم ۸۰ نفر و دانشجویان

غیردائم ۱۴۰ نفر بوده است. ۱۶ نفر کادر آموزشی تمام وقت وظیفه تدریس و راهنمایی دانشجویان را برعهده داشته‌اند.

برنامه درسی دانشجویان

سال اول: قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، عقاید، اصول فقه، تاریخ حقوق اسلامی، زبان و ادبیات عرب، زبان انگلیسی، فلسفه، نظام اجتماعی - سیاسی جمهوری یوگسلاوی، جامعه‌شناسی، زبان صربوکرواتی، زبان ترکی.

سال دوم: قرائت، تفسیر، حدیث، عقاید، حقوق خانواده در اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، زبان و ادبیات عرب، زبان انگلیسی، فلسفه اسلامی، زبان ترکی. سال سوم: قرائت، تفسیر، حدیث، عقاید، حقوق وقف، قانون جزا در اسلام، فلسفه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زبان و ادبیات عرب، زبان انگلیسی، زبان ترکی.

سال چهارم: قرائت، تفسیر، حدیث، عقاید، عبادات، فلسفه اسلامی، تصوف، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زبان و ادبیات عرب، زبان انگلیسی، زبان ترکی.

برنامه تحقیق دانشجویان

سال اول: الف - تاریخ حقوق اسلامی

ب - حدیث

سال دوم: الف - فلسفه اسلامی

ب - زبان عربی

سال سوم: الف - عقاید

ب - تفسیر

سال چهارم: دانشجویان در یکی از این زمینه‌ها با نظر استاد به کار تحقیقاتی می‌پردازند: قرائت، تفسیر، عقاید، حدیث، فلسفه اسلامی، تصوف، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، فقه، زبان عربی و یا یک مبحث دیگر.

برنامه تمرینات دانشجویان

- سال اول: قرائت (حفظ کردن جزء اول قرآن)، تفسیر، حدیث و عقاید، عربی و انگلیسی (مکالمه و تلفظ)
- سال دوم: قرائت (حفظ کردن جزء دوم قرآن)، تفسیر، حدیث و عقاید، عربی و انگلیسی (مکالمه و تلفظ)
- سال سوم: قرائت (حفظ کردن جزء ۲۹ قرآن) تفسیر، حدیث و عقاید، عربی و انگلیسی (مکالمه و تلفظ)
- سال چهارم: قرائت (حفظ کردن جزء ۳۰ قرآن)، تفسیر، حدیث و عقاید، عربی و انگلیسی (مکالمه و تلفظ)

مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی سارایوو

مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی که در سال ۱۹۵۰ تأسیس شده است کار جمع‌آوری، نگهداری، مطالعه و انتشار اسناد و مدارک و آثار خطی به زبانهای شرقی و نیز مطالعه در زمینه‌های ادبیات و معماری و هنر را برعهده دارد. بدین منظور مدارک و نوشته‌های زیادی در کتابخانه مؤسسه نگهداری می‌شود و کوشش شده است که از آثار و اسناد مربوط به کشور یوگسلاوی که در آرشیوهای کشورهای دیگر موجود است میکروفیلم تهیه شود.

بیشتر مدارک و سوابق موجود در مؤسسه مربوط به تاریخ حکومت عثمانیها در بوسنی و هرزگوین است. مطالعه ادبیات و آثار نویسندگان بوسنی و هرزگوین که به زبانهای شرقی نوشته شده در مقام دوم قرار دارد و بقیه درارتباط با مطالعه زبانهای عربی، ترکی و فارسی و هنر و معماری است.

سازمان مؤسسه از سه بخش زیانشناسی، تاریخ، و اسناد تشکیل شده است. بخش اسناد شامل سه مجموعه اسناد ترکی، نسخه‌های خطی شرقی و کتابهای چاپی است.

نسخه‌های خطی که عددشان به بیش از ۵۰۰۰ بالغ می‌شود تمام شاخه‌های

علوم گذشته از جمله تجوید، قرائت و تفسیر قرآن، حدیث، عقاید و کلام، اخلاق، فقه (اصول، فروع، فتوا و فرایض)، وعظ، تصوف، حکمت، ریاضیات، طب، دامپزشکی، تاریخ، علم اللغه و ادبیات را دربر می گیرد. بخش قابل توجهی از این نسخه ها را علمای بوسنی و هرزگوین به زبانهای عربی، ترکی و فارسی نوشته اند و تعداد زیادی از آنها توسط کاتبان محلی در تکیه ها و مدارس بوسنی نسخه برداری شده است.

در میان انتشارات این مؤسسه مجموعه ای است از نسخه های خطی فارسی که در سال ۱۹۸۶ توسط آقای صالح تراکو تهیه و به چاپ رسیده است. مؤسسه تحقیقاتی خاورشناسی با مؤسسات متعدد داخل و خارج یوگسلاوی در زمینه مطالعات خاورشناسی و نیز از نظر فعالیتهای کتابداری، آرشیو و موزه ارتباط نزدیک دارد. تعداد کارشناسان این مؤسسه که فارغ التحصیلان رشته های خاورشناسی و تاریخ هستند به حدود بیست نفر می رسد. در فهرست زیر عناوین نسخ خطی فارسی به ترتیب حروف الفبا همراه با کد هر نسخه در مجموعه مربوطه آمده است. تعداد نسخه ها به ۴۶۴ بالغ می شود.

عنوان	کد
آداب الصوفیه	۳۲
آداب الطريق	۴۲
اختیارنامه - ساعت نامه	۵۱
اخلاق محسنی	۲۴
ارشاد المرید الی المراد فی ترجمه مرصاد العباد - مرادنامه	۳۱
اساس الفرس - قواعد الفرس	۵۷ تا ۵۹
اشعة اللمعات	۳۸
اعتقادنامه	۱۱ و ۱۲

۶۸	الامثلة المختلفة
۷۱	الامثلة المختلفة للعلم الفارسی
۱۵	الدراالفريد فی معرفة مراتب التوحيد
۶۴	الرسالة المرغوبة
۹۴ تا ۸۷	الصباح العجمية
۴۳	المزاهر
۶۲ تا ۶۰	المفاتيح الدرية فی اثبات القوانین الدرية
۳۵	المنتقى فی سيرالنبي المصطفى
۴۳۹	انيس العارفين - انيس العاشقين
۱۰۱	بحرالغرائب - لغت حلیمی - قائمه
۳۵۶ تا ۳۴۸	بوستان
۴۵	بهائية فی الحساب
۴۴۸ تا ۴۴۴	بهارستان
۳۰۷ تا ۲۴۶	پندنامه
۲۱۲ تا ۲۰۹	تحفة الصبيان - لغت حمد و ثنا
۸۲ تا ۷۹	تحفة العشاق
۱۹۲ تا ۱۸۹	تحفة الملوک
۲۳۴ تا ۲۲۰	تحفة الهادية - کتاب دانستن
۱۷۸ تا ۱۱۰	تحفة شاهدي - شاهدي منظوم - لغت شاهدي
۱۹۵ تا ۱۹۳	تحفة مير - شرح تحفة شاهدي
۲۴۴ تا ۲۳۹	تحفة وهبي
۵	ترجمة احاديث
۶	ترجمة چهل حديث
۸	ترجمة چهل حديث

۳	ترجمه حدیث اربعین
۱	ترجمه شرح حرز الامانی و وجه التهانى فى القراءات السبع
۷۶ و ۷۵	ترجمه عروض جامی
۴۵۷	ترجمه قصیده بُرده
۴۰۱	ترجمه گلستان
۵۴	ترجمه مجالس النفائس - تذکرة الشعرا
۲۹	ترجمه من رسالة فوائح الجمال و فوائح الجلال
۲	تفسیر سورة يس و سورة القدر
۴۲۵	جام جم
۴۶۱	جزیره مفردات
۷۸ و ۷۷	جمع مختصر - مختصر از منشآت وحید تبریزی
	در علم عروض و قافیه و صنایع شعر
۲۳	جواهر اسلام - سئوالنامه
۴۷	حزب البحر - کبریت احمر
۳۳	حق الیقین فی معرفة رب العالمین
۱۷۹ تا ۱۸۴	حله منظومه - شرح تحفه شاهدی
۲۵۸	خسرو و شیرین
۲۵۹	خلاصة الخمسة - انتخاب خمسة
۴۴۳	دیوان جامی
۴۲۶ تا ۴۳۱	دیوان حافظ
۴۶۰	دیوان صائب
۴۳۸	دیوان قاسمی - دیوان قاسم الانوار
۲۱	رساله الفیه
۱۳	رساله القضاء و القدر

۵۵	رساله بناء ایاصوفیه
۷۳ و ۷۴	رساله عروض - الرسالة الوافیة فی علم القوافیة - مختصر وافی - بقواعد علم قوافی
۶۵ و ۶۶	رساله مرغوبه
۳۶	رساله وجود
۲۸	زاد العارفین
۳۵	زبدة الطريق الى الله
۴۵۲ تا ۴۵۴	سبحة الابرار
۲۱۴ تا ۲۱۹	سبحة صبیان
۴۶۳	سرنامه
۳۰۸ تا ۳۲۵	سعادت نامه - شرح پندنامه
۴۵۱	سلسلة الذهب
۹۷ تا ۹۹	سلک الجواهر
۱۸۸	شرح التحفة الشاهدية
۱۰۲ تا ۱۰۶	شرح بحر الغرائب - لغت حلیمی - قائمه
۳۵۷ تا ۳۵۹	شرح بوستان
۴۴۹ و ۴۵۰	شرح بهارستان
۳۳۸	شرح پندنامه عطار
۱۸۵	شرح تحفه شاهدی
۱۸۶	شرح تحفه شاهدی
۱۸۷	شرح تحفه شاهدی
۳۴۵ و ۳۴۶	شرح جزیره مثنوی - لمحات البحر المعنوی
۴۲۱ تا ۴۲۳	شرح دیباجه گلستان
۴۳۲ تا ۴۳۶	شرح دیوان حافظ

۴۳۷	شرح دیوان حافظ
۴۵۵	شرح سبحة الابرار
۲۲	شرح فقه کیدانی
۴۵۶	شرح قصیده برده
۴۰۲	شرح گلستان
۴۰۶ تا ۴۰۳	شرح گلستان
۴۱۰ تا ۴۰۷	شرح گلستان
۴۱۹ تا ۴۱۱	شرح گلستان
۴۲۰	شرح گلستان
۴۴۲	شرح مثنوی
۴۴۳ و ۴۴۲	شرح مثنوی معنوی
۱۷	عقائد دینیة
۲۵۴	علم انشاده مستعمل اولان لغت
۲۵۵	علم انشاده مستعمل اولان لغت
۴۴۱	فصل از کتاب شرح الواصلین (فی نهایت احوال سید المرسلین)
۶۳	فصل فی التهجی
۵۲	فی احکام کون القمر فی البروج و اختیارات الامور
۲۴۷ تا ۲۴۵	قافیه
۴۵۹	قصائد عرفی
۹	کتاب اسوله واجوبه فی امرالدین
۲۰۸	کتاب التبیین
۳۹	کتاب الفواتح - فواتح الاسرار - فواتح سبعة - فواتح میبدی
۸۵	کتاب المصادر

زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین

۲۳۵	کتاب مرقات فارسی
۱۶	کشف الاسرار
۴۰۰ تا ۳۶۰	گلستان
۴۲۴	گنجینه عشق - عشق نامه - سی نامه
۲۴۸	لغت اصطلاحات تصوف
۲۰۷	لغت امیرحسین الیاسی
۲۵۰ و ۲۴۹	لغت فارسی
۲۳۷ و ۲۳۶	لغت گلستان
۱۹۷ و ۱۹۶	لغت لامعی
۲۵۳	لغت مختصر عربی فارسی
۲۵۲ و ۲۵۱	لغت مختصر فارسی
۲۵۶	لغت مختصر فارسی ترکی
۲۵۷	لغت مختصر فارسی ترکی
۲۰۶ تا ۱۹۸	لغت نعمة الله
۳۴۱ تا ۳۳۹	مثنوی معنوی
۴۶	مجموعه
۳۴۷	مجموعه اللطائف و مطمورة المعارف
۱۰۰	محمدیه - لؤلؤ قمقام ملاحات
۲۱۳	مختصر
۲۰	مختصر در بیان واجبات ضروریه از اصول و فروع
۱۹	مختصر در بیان واجبات و مندوبات نماز
۱۰	مرآة الجمال
۳۰	مرصاد العباد من المبدأ الى المعاد
۴۴۲	مشکوة المحبین

۳۴	مصباح الارواح
۴۵۸	مطلع العاشقين
۷۲	مفتاح البدائع
۱۰۷	مفتاح اللغة
۳۳۷ تا ۳۲۶	مفید - شرح پندنامه عطار
۵۶	مقدمة الادب
۸۳	مکالمه فارسی - لغت فارسی
۲۷	مناجاة الشيخ عبد الله الانصارى - رساله خواجه عبد الله انصارى
	نصیحت خواجه عبد الله انصارى
۲۶	مناجات زين العابدين
۲۶۱ تا ۲۶۳	منطق الطير
۴۴۰	مهرالقلوب
۴	نخبة المعراج
۸۶	نصاب الصبيان
۹۵ و ۹۶	نصیب الفتیان و نصیب التبیان
۴۴	نصیحتنامه سلیمانی
۲۳۸	نظم الاسامی
۳۷	نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص
۱۰۸ و ۱۰۹	وسيلة المقاصد الى احسن المراصد
۴۶۲	هفت منزل ترکانیه

کتابخانه غازی خسرو بیگ سارایوو

پیش از درج اطلاعات مربوط به کتابخانه، نظر به اهمیت و اعتبار غازی خسرو بیگ در تاریخ جمهوری بوسنی و هرزگوین و بنیادگذاری مجدد شهر سارایوو، ابتدا به معرفی مختصر این چهره برجسته تاریخی پرداخته می شود.

غازی خسرو بیگ در سال ۱۴۸۰ میلادی در شهر سرز Serez یونان به دنیا آمد. پدرش فرهاد بیگ که در هرزگوین متولد شده بود بر سر حکومت داشت. مادرش دختر و بهروایتی خواهر سلطان بایزید دوم بود. در سال ۱۵۲۱ به حکومت بوسنی منصوب شد و تا زمان وفاتش با استثنای مدتی کوتاه در آنجا اقامت گزید. پس از ورود به سارایوو بلافاصله دست به فعالیتهای عظیم ابنیه سازی زد و جنگهای متعدد وی در دالماسی و کرواسی و چند شهر دیگر هرگز مانع اقدامات وی نشد. به خاطر فتوحات نظامیش غازی لقب یافت و با پناهایی که در سارایوو و چند شهر دیگر بوسنی ایجاد کرد و نیز با موقوفاتی که از او باقی ماند بزرگترین و مهم ترین میراث تاریخی در بوسنی و هرزگوین را به یادگار گذاشت. او در سال ۱۵۴۱ در سارایوو وفات یافت و در جوار مسجدی که طی حکومت خود بنا کرده بود در بقعه ای به خاک سپرده شد.

در سال ۱۵۳۷ غازی خسروبیگ بنایی را به ساختمان «مدرسه» اختصاص داد و هفتصد هزار دراهم (واحد پول یونان) نیز به این منظور اهدا کرد. در وقفنامه مربوط به این مدرسه آمده است: «آنچه از مخارج ساختمان باقی می ماند صرف خرید کتابهای خوب برای این مدرسه شود تا طالبان علم بخوانند و استنساخ نمایند.» به این ترتیب کتابخانه غازی خسروبیگ همزمان با مدرسه غازی خسروبیگ در سال ۱۵۳۷ تأسیس شد.

کتابخانه غازی خسروبیگ حدود ۵۰۰۰۰ جلد کتاب، نشریه و سند به زبانهای شرقی، صربوکرواتی و بعضی زبانهای اروپایی دارد و به خاطر سوابق تاریخی و نسخه های خطی آن معروف است. کتابهای خطی این کتابخانه در نقاط مختلف دنیای اسلام، بخصوص در مراکز بزرگ اسلامی مانند مکه، مدینه، مصر، بغداد و بیش از همه در استانبول نوشته شده و یا استنساخ گردیده است. بعضی از این نسخه ها منحصر بفرد یا بسیار نادر بوده و به طرق مختلف به سارایوو راه یافته است: تعدادی را بازرگانان، برخی را زائرانی که از یوسنی عازم حج بودند و بیش از همه کسانی که برای تحصیل علوم به مشرق زمین سفر می کردند با خود آورده اند. به هر حال بیشتر آثار خطی در نقاط مختلف یوگسلاوی از جمله شهرها و روستاهای دوردست فراهم گردیده است زیرا ساکنان این نقاط که تشنه علم بودند هم کتابهای زیادی نوشته اند و هم از آثار موجود در تمامی زمینه های علمی آن زمان نسخه برداری کرده اند.

اطلاع از کتابهای اولیه این کتابخانه باسانی ممکن نیست زیرا تمام مصائب مختلف از جمله سیل، آتش سوزی و جنگ که در طول چهار قرن بر سارایوو حادث شد کتابخانه را نیز در گرفت. در جریان حمله اوگن ساوی در سال ۱۶۹۷ تعداد زیادی از کتابهای کتابخانه به یغما رفت. معذرا هنوز کتابهایی باقی مانده است که شرح و مهر دال بر اهدای این کتابها توسط شخص غازی خسروبیگ را می توان در آنها مشاهده کرد و کتابهای بسیاری هست که بر آنها نوشته شده که این کتابها در

مدرسه یا خانقاه غازی خسروبیگ استنساخ شده است.

قدیمی ترین کتاب خطی موجود در کتابخانه غازی خسروبیگ احیاء علوم الدین امام محمدغزالی است که در سال ۱۱۳۱ استنساخ شده است. دومین کتاب قدیمی فردوس الاخبار فی مآثور الخطاب، مجموعه ای از احادیث است که توسط ابوشجاع شیرویه ابن شهردار متوفی به سال ۱۱۱۵ تألیف شده و به وسیله عبدالسلام ابن محمدالخوارزمی در سال ۱۱۵۱ در مدرسه عمادیه همدان در ۴۱۷ ورق به خط قدیم نسخ نسخه برداری شده است. سومین کتاب قدیمی کتاب الکشف والبیان فی تفسیر القرآن از ابواسحق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعالبی النیشابوری است که در سال ۱۰۳۵ وفات یافته است. از این تفسیر تنها جلد سوم آن که به سوره های ششم و هفتم قرآن کریم مربوط می شود در کتابخانه موجود است. رونوشت این جلد توسط برکت ابن عیسی ابویعلا حمزه در سال ۱۱۷۶ به خط قدیم نسخ در ۱۲۵ ورق از روی نسخه دستنویس تهیه شده است. دواثر قدیمی دیگر در این کتابخانه جلد های ششم و هفتم تفسیرهایی است از قرآن کریم توسط ابوالقاسم جارا لله زمخشری که در سال ۱۲۶۲ به وسیله ابوالفضل اسماعیل بن موسی الرومی در بغداد رونوشت شده و بالاخره تفسیر فاتحه از فخرالدین ابو عبدالله محمد الرازی متوفی به سال ۱۲۰۹ را می توان نام برد که جزئی از تفسیر مفاتیح الغیب رازی موسوم به تفسیر الکبیر می باشد. اثر مذکور در سال ۱۲۹۱ به دست عمر بن میکائیل بن عبدالله القیصری نسخه برداری شده است. علاوه بر آثار نامبرده تعداد زیادی کتابهای خطی از قرنهای سیزدهم تا شانزدهم بخصوص از قرن شانزدهم در کتابخانه موجود است.

یکی از زیباترین نمونه های خوش نویسی مشرق زمین در این کتابخانه نسخه خطی دیوانی است به نام تحفة الازهار نورالدین عبدالرحمن جامی که به سال ۱۵۷۵ در مکه نگارش یافته است. این کتاب توسط حاج حافظ محمد حاجی مولیج، امام و خطیب مسجد غازی خسروبیگ و استاد مدرسه شریعتی قضا (متوفی به سال

۱۹۱۸) از مکه آورده شده و به کتابخانه اهدا گردیده است. اثر نادر دیگر نسخه‌ای خطی و مصور از دیوان خواجه حافظ شیرازی است. درین برخی از ابیات این دیوان نقاشیهایی رنگی به چشم می‌خورد که صحنه‌هایی را در ارتباط با موضوع ابیات نشان می‌دهد.

کتابخانه غازی خسروبیگ در طول چند دهه گذشته اقدام به انتشار فهرست نسخه‌های خطی خود نموده است. جلد اول فهرست این نسخه‌ها که شامل نسخ خطی عربی، ترکی و فارسی است در سال ۱۹۶۳ و جلد دوم در سال ۱۹۸۰ انتشار یافت. جلد اول ۷۹۵ اثر و جلد دوم ۱۱۶۲ اثر را دربر می‌گیرد. جلد اول حاوی دایرةالمعارفها، قواعد آموختن صحیح قرآن، تفسیر، حدیث، عقاید، کلام و دعاست. جلد دوم به حقوق اسلامی و شعب آن مربوط می‌شود.

از سال ۱۹۷۲ کتابخانه انتشار سالنامه‌ای را آغاز کرده است. این سالنامه اطلاعاتی در زمینه کتابخانه، بنیادهای دیگر غازی خسروبیگ و موضوعات مربوطه به تاریخ و فرهنگ مسلمانان بوسنی و هرزگوین را دربر می‌گیرد.

مسلمانان بوسنی و هرزگوین

باتوجه به حساسیت منازعات قومی در کشور یوگسلاوی که به شهادت تاریخ تاکنون حوادث و فجایع بسیاری آفریده است ابتدا به روابط مسلمانان، صربها و کرواتها، سه قوم عمده جمهوری بوسنی و هرزگوین اشاره می شود و سپس پاره ای از آداب و رسوم و سنن مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان مورد بررسی قرار می گیرد.

از ۴۳۵۵۰۰۰ نفر جمعیت بوسنی و هرزگوین مطابق سرشماری سال ۱۹۹۱، ۴۴٪ مسلمان، ۳۱٪ صرب و ۱۷٪ کروات هستند. باتوجه به این که شمار اقوام مذکور در سرشماری سال ۱۹۶۱ به ترتیب ۲۵٪، ۴۲٪ و ۲۱٪ بوده است افزایش جمعیت مسلمانان از ۲۵٪ به ۴۴٪ همزمان با کاهش جمعیت صربها و کرواتها به ترتیب به میزان ۱۱٪ و ۴٪ یکی از عوامل نگرانی صربها و دست کم بهانه ای برای تشدید اختلافات و تشنجات کنونی محسوب می شود چه از نظر صربها و کرواتها ادامه روند رشد جمعیت منجر به محو و اضمحلال آنان و قدرت یافتن روزافزون مسلمانان از نظر آرای و آماری خواهد شد. لازم به ذکر است که نگرانی مذکور بیشتر زائیده اندیشه و محاسبات سیاستمداران و رهبران قوم صرب می باشد و بخصوص

از ناحیه رهبری صربستان تقویت می شود. چنانچه دخالت عوامل سیاسی و رهبری صربها و کرواتهای بوسنی و هرزگوین در روابط اقوام این جمهوری منتفی باشد مسلمانان که بر حقوق قانونی مساوی برای هر سه قوم تأکید می نمایند هیچ گونه مشکلی از نظر همزیستی با صربها و کرواتها نخواهند داشت.

در حال حاضر تفاوت قومی چشمگیری در زندگی عادی و روزمره مردم سارایوو مشهود نیست بلکه دهها سال زندگی مشترک مسلمانان، صربها و کرواتها آنان را تا حدودی به اعضای یک خانواده بزرگ شبیه کرده است. در عموم ادارات و سازمانهای دولتی، کارخانجات، شرکتها و مؤسسات مختلف از هر سه قوم عضویت و فعالیت دارند ضمن این که صربها به خاطر قدرت و نفوذ در حزب کمونیست حاکم و دستگاههای دولتی از امتیازات بیشتری برخوردارند. با این همه روابط نزدیکی بین افراد هر سه قوم برقرار شده است مثلاً ازدواجهای قومی زیادی صورت گرفته و در بسیاری از خانواده های سارایوو اعضای صرب و مسلمان و کروات دیده می شوند. بین جوانان که ناظر برخوردها و منازعات سابق نبوده اند تضاد و اختلاف قومی به هیچ وجه احساس نمی شود.

توده مردم بوسنی و هرزگوین مایلند که این جمهوری با حفظ حقوق مساوی برای هر سه قوم به حیات مشترک سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهد و از جنگهای قومی که در اسلونی و کرواسی آغاز گردیده دور بماند. به همین دلیل در اواخر سال ۱۹۹۱ (از آغاز سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰) تظاهرات، اعتصابات و حرکتهای مردمی زیادی در شهر سارایوو و دیگر شهرهای بوسنی و هرزگوین با حضور مسلمانان، کرواتها و صربها به طرفداری از صلح و مخالفت با جنگ داخلی شروع شد. حتی زمانی که یکی از فرماندهان صربی پلیس سارایوو تصمیم به جدا کردن نیروهای صربی و تشکیل پلیس ویژه گرفت نیروهای پلیس هر سه قوم در مقابل کاخ مجلس در اعتراض به این تصمیم اقدام به تظاهرات کردند.

باتوجه به توضیحات فوق می توان تأکید کرد که هر چند اختلافات قومی در طول

زمان از مشکلات بزرگ ملت‌های یوگسلاو بوده است این مسئله از نظر آحاد سه‌ملت* مسلمان، صرب و کروات در جمهوری بوسنی و هرزگوین اهمیت خود را تا حدود زیادی از دست داده و مردم به‌زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر خو گرفته‌اند ولی منافع دولت صربستان و عوامل و گروه‌های سیاسی و نظامی مانع بزرگی در برابر این همزیستی به‌شمار می‌رود.

از آنجا که پیوند ملت مسلمان ایران و مسلمانان ارجمند بوسنی و هرزگوین برپایهٔ دین مبین اسلام استوار است و نیز به‌دلیل قرب و منزلی که مردم این خطه برای زبان و ادب و فرهنگ ایران قائل بوده و آن را با فرهنگ و ادب خود عجین کرده‌اند مسلمان ایرانی در بوسنی و هرزگوین، بویژه در مناطق مسلمان‌نشین این جمهوری همچون سارایوو و موستار انس و الفت زیادی با محیط و مردم مسلمان احساس می‌کند و خود را بیگانه نمی‌بیند.

اصولاً ساکنان بوسنی و هرزگوین در مقایسه با ساکنان نقاط دیگر کشور یوگسلاوی مردمی مهربان و با محبت به‌شمار می‌روند و در رفتار و کردار آنها نسبت به خارجی‌ان علاقه و محبتی احساس می‌شود که در نقاط دیگر به‌سختی می‌توان حس کرد. ضمناً این توجه و مهربانی در مسلمانان بیشتر ملموس است تا در دو قوم دیگر. نکتهٔ فوق‌نظر عموم ایرانیانی است که سالها در بوسنی و هرزگوین و نیز در جمهوریه‌های دیگر یوگسلاوی زندگی کرده‌اند و با روحیات اقوام و ملیتهای مختلف از نزدیک آشنایی دارند.

گذشته از ویژگی مذکور، مسلمانان مؤمن بوسنی و هرزگوین برای ایران و ایرانیان احترام خاص قائلند و این امر به‌دلیل علایق مذهبی آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران است. علاقهٔ مردم نسبت به حضرت امام خمینی رضوان الله علیه بسیار مشخص و مشهود است. علیرغم محدودیتهای فراوانی که کمونیستهای حاکم در

* در بوسنی و هرزگوین هرکدام از اقوام مسلمان، صرب و کروات یک ملت تلقی می‌شود.

مورد پخش اطلاعات مربوط به زندگی و مبارزات ایشان اعمال می‌کرده‌اند و با وجود تحریف‌های ناجوانمردانه حقایق بازهم اطلاعات موثق، هرچند محدود، به میان مسلمانان راه یافته است. شبی که برای نخستین بار به تکیه‌ای در نزدیکی محل سکونت رفتیم، پس از مراسم نماز، حاضران که متوجه حضور من به عنوان یک معلم ایرانی شده بودند محبت و احترام زیادی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی ابراز داشتند. سه نفر از آنان خوابهایی را که از امام خمینی دیده بودند تعریف کردند که نشان دهنده ارادت و اخلاص کامل آنان بود. سرودخوانها چند سرود مذهبی به عربی و فارسی خواندند که یکی از آنها درباره امام خمینی و دیگری مدح دوازده امام شیعیان بود. لازم به توضیح است که مسلمانان سارایوو اهل سنت و پیرو مذهب حنفی هستند.

علیرغم پیوند نزدیکی که با مردم یوسنی و هرزگوین برقرار است آداب و رسوم و سنن مسلمانان این منطقه و به طور کلی تفاوت‌های فرهنگی آنان جالب و چشمگیر می‌نماید. از این رو ادامه این گفتار به شرح برخی عبادات و مراسم مذهبی و آداب و سنت‌هایی که در میان مسلمانان سارایوو رواج دارد اختصاص یافته است.

نمازهای یومیه

مسلمانان سارایوو نمازهای یومیه را در پنج وقت متفاوت می‌خوانند و با توجه به عدم پخش اذان از رادیو و تلویزیون وقت نماز به کمک نور آفتاب و ساعت تعیین می‌شود. ضمناً در مسجدهایی که نماز جماعت برگزار می‌کنند مؤذنها در گلدسته‌ها اذان می‌گویند. در سه مسجد از مساجد سارایوو هر روز پنج بار نماز جماعت خوانده می‌شود. در بقیه مساجد فقط بعضی از نمازها را جماعت می‌خوانند. در تعدادی از مساجد هم اصولاً فعالیت به چشم نمی‌خورد. نمازگزاران از مهر استفاده نمی‌کنند و قنوت نمی‌خوانند. موقع ایستادن دستها را در جلوی هم قرار می‌دهند.

نماز صبح معمولاً پس از دو رکعت نماز مستحب خوانده می شود. قبل از نماز ظهر چهار رکعت مستحب و پس از آن نیز دو رکعت مستحب می خوانند. پیش از نماز عصر چهار رکعت مستحب خوانده می شود. نماز مغرب با دو رکعت مستحب همراه است که در خاتمه نماز می خوانند و بالاخره نماز عشا چهار رکعت قبل و دو رکعت بعد نماز مستحب دارد. پس از نماز عشا نماز وتر که سه رکعتی مستحب است خوانده می شود.

محتوای نمازهای دورکعتی در اینجا با نمازهای دورکعتی ما تفاوتی ندارد جز این که در رکعت اول قبل از شروع سوره حمد این دعای کوتاه خوانده می شود: «سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک اسمک و تعالی جدک و لا اله غیرک». در رکعتهای سوم و چهارم نمازهای واجب فقط سوره حمد را می خوانند.

نمازهای مستحب مانند نمازهای واجب است با این تفاوت که در رکعتهای سوم و چهارم سوره توحید هم خوانده می شود. به علاوه، در نمازهای مستحب عصر و عشا در ابتدای رکعت سوم دعای کوتاه فوق را نیز می خوانند.

نماز جمعه

نماز جمعه در تقریباً پانزده مسجد برگزار می شود. در زمان حکومت مسلمانان عثمانی این نماز به طور متمرکز در یک نقطه خوانده می شد. ترتیب مراسم نماز جمعه عبارت است از چهار رکعت مستحب + خطبه + دو رکعت واجب + چهار رکعت مستحب + چهار رکعت مستحب + دو رکعت مستحب (جمعاً ۱۰ رکعت مستحب).

خطبه حدود پانزده تا بیست دقیقه به صورت موعظه ایراد می شود ولی با حصول آزادیهای مذهبی و سیاسی اخیراً رنگ و بوی سیاسی یافته است. ترتیبات بعد از نمازها عبارت است از صلوات، آیه الکرسی، تسبیح، دعا، و فاتحه. آیت الکرسی را به صورت فردی و آهسته می خوانند. با تسبیح ۳۳ بار

سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ مرتبه الله اکبر می گویند. تسبیح در اندازه های کوچک و بزرگ فراهم می شود. از تسبیح های بزرگ که طولشان به بیش از دو متر می رسد اهل تصوف به صورت گروهی استفاده می کنند. صلوات به شکل معمول در ایران مرسوم نیست. تنها هروقت نام حضرت محمد (ص) ذکر می شود زیر لب و آهسته آن را ادا می کنند. شرکت زنان در نماز جمعه امر تازه ای است.

نماز تراویح

این نماز شامل بیست رکعت به صورت پنج نماز چهاررکعتی و مستحب مانند نمازهای مستحب عصر و عشا است که فقط در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود. توضیح این که استثنائاً در این ماه نماز مغرب به جماعت خوانده نمی شود. نماز تراویح با نماز عشا همراه است. موقع نماز عشا حدود دو ساعت بعد از نماز مغرب است. ترتیب نماز عشا و تراویح عبارت است از چهار رکعت مستحب فرادا + چهار رکعت واجب جماعت + دو رکعت مستحب فرادا + نماز تراویح + دعای امام با آمین نمازگزاران + سه رکعت وتر به صورت جماعت. در ساریو و حدافل یک مسجد هست که همراه با هر نماز تراویح یک جزء قرآن توسط امام خوانده می شود. نام این نماز، تراویح با ختم است.

نماز فطر

نماز فطر در مسجدهای مختلف در دو رکعت برگزار می شود. پس از نماز، امام خطبه می خواند، دعا می کند و عید را به هم تبریک می گویند. در نماز فطر زنان شرکت نمی کنند.

نماز تحیت المسجد

این نماز دو رکعت است و توسط کسی که اولین بار وارد مسجدی شده است در

آن مسجد خوانده می شود.

نماز میت

نماز میت در مسجد مرکزی و بزرگترین مسجد سارایوو که مسجد غازی خسروبیگ است برگزار می شود. در حال حاضر چون این مسجد در دست تعمیر است از مسجد تساروا استفاده می کنند.

روزه

قبل از آغاز ماه مبارک امسال رئیس جمهور مسلمان بوسنی و هرزگوین برای اولین بار در تلویزیون سارایوو ظاهر شد و شروع این ماه را به مسلمانان تبریک گفت. برای اولین بار پس از حدود نیم قرن شلیک توپ در سارایوو همه روزه زمان افطار را به مسلمانان خبرداد و هر غروب مراسم آتش بازی به اجرا درآمد. در طول ماه مبارک رمضان برنامه هایی در ارتباط با روزه از رادیو و تلویزیون سارایوو پخش شد و هدیه عید فطر تبلیغ گردید که هرگز سابقه نداشته است. به این ترتیب روزه نیز مانند نماز با احساس آزادی مذهبی همراه شده است.

هنگام سحری و افطار برنامه خاصی از رادیو و تلویزیون سارایوو پخش نمی شود. با روشن و خاموش شدن چراغهای گلدسته مسجد غازی خسروبیگ زمان شروع افطار و نیز موقع پایان سحری اعلام می گردد. مسجدهای دیگر نیز به تاسی از مسجد غازی خسروبیگ چراغهای گلدسته خود را روشن و خاموش می کنند.

یکی از برنامه های ویژه ماه مبارک رمضان در مسجدهایی که نماز جماعت برپا می شود مقابله قرآن کریم است که یک روز قبل از ماه مبارک شروع می شود و تا آخرین روز ماه ادامه می یابد. مقابله در سه موقع انجام می شود. مقابله سحر که از پایان وقت سحری شروع می شود. مقابله کنندگان پس از تلاوت یک جزء قرآن نماز

صبح می خوانند. مقابله ظهر که شروع آن یک ساعت قبل از ظهر است و با قرائت یک جزء قرآن و خواندن نماز ظهر پایان می یابد. مقابله عصر قبل از نماز عصر با قرائت یک جزء قرآن انجام می گیرد و با خواندن نماز عصر به پایان می رسد. اجرای برنامه مقابله را چند نفر از حافظهای قرآن که حق الزحمه دریافت می کنند برعهده دارند. هرکدام دو یا چند صفحه از قرآن را از حفظ تلاوت می کنند. حاضران، اعم از زن و مرد، به دور حافظها حلقه می زنند، مردها در جلو و زنها در پشت سر به تلاوت قرآن گوش می کنند و یا همزمان به قرآنی که در دست دارند نگاه می کنند. مقابله عصر به مسجد مرکزی اختصاص دارد. از سال ۱۹۵۶ یک مقابله مخصوص خانمها در سارایوو برگزار می شود که هنوز هم ادامه دارد.

برنامه دیگر ویژه ماه مبارک تلاوت مداوم قرآن کریم در ده شبانه روز آخرین ماه است. دوفنر قاری در یکی از مساجدی که هر پنج نماز جماعت در آن برگزار می شود مأمور تلاوت قرآن می شوند. جای کوچکی برای آنها در نظر می گیرند و این دو نفر به نوبت و گاه با هم از آغاز دهه سوم ماه تا موقع برگزاری نماز عید بلا انقطاع قرآن می خوانند و در این مدت مسجد را ترک نمی کنند. سحری و افطار را در همان محل برایشان می آورند. اعتقاد مسلمانان بر این است که خداوند متعال به خاطر اجرای این برنامه شهر را از مصیبت و بلا حفظ می کند.

نماز تراویح فقط در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود که شرح آن در قسمت نمازها آورده شد.

برنامه های وعظ و سخنرانی مذهبی فقط در طول ماه مبارک رمضان تقریباً همه روزه در بعضی از مساجد برقرار است.

پذیرایی از میهمانان در این ماه از نظر نوع غذا و ترتیب خاص آن جالب توجه است. ظروف اصلی غذا را در سینی بزرگی قرار می دهند. از بشقاب انفرادی استفاده نمی شود بلکه میهمانان هرچند نفر از ظرف واحدی غذا می خورند. افطار با نان سُمون و خرما شروع می شود. این نان توسط نانوا بیها فقط در ماه رمضان تهیه

می‌شود. پس از افطار، از مهمانان به ترتیب با این غذاها پذیرایی می‌کنند: چوریه (نوعی آش)، کباب، پیت (غذای ملی مردم بوسنی و هرزگوین از آرد، روغن، سیب‌زمینی و گوشت یا اسفناج و تخم‌مرغ یا پنیر و غیره که به شکل تافتون تهیه می‌کنند)، کدایف (نوعی شیرینی مانند باقلوا)، دلمه، خوشاب، بامیه، ژله، ماست، پلو و بالاخره قهوه. پس از این که غذایی تمام شد و یا مهمانان در حد علاقه و نیاز خود صرف کردند ظروف آن غذا جمع می‌شود و غذای بعدی آورده می‌شود. غذاهای نمکدار و شیرین را به تناوب می‌آورند تا اشتهای مهمانان بیشتر برانگیخته شود.

ایام مهم، جشن و سوگواری

اصولاً برنامه‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان سارایوویه دلیل تضیقات حزب کمونیست در نیم قرن گذشته به صورت محدود و مختصر برگزار می‌شود. عید فطر و عید قربان مهمترین اعیاد مسلمانان به شمار می‌آید و اهمیت این دو به یک اندازه است. عید فطر با نماز فطر شروع می‌شود. در روز عید قربان گوسفند ذبح می‌کنند و گوشت آن را بین مستمندان مؤمن، همسایگان و دوستان تقسیم می‌نمایند. ذبح گاو هم به صورت گروهی معمول است. در این دو عید شیرینی مخصوص باکلوا (باقلوا) و یا روزیتسه (شبهه باقلوا) درست می‌کنند. لباس نو می‌پوشند و به زیارت اهل قبور می‌روند. دید و بازدید جزو برنامه این دو عید است و به بچه‌ها معمولاً عیدی داده می‌شود. سایر اعیاد و مناسبت‌های مهم در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

ماه مبارک رمضان به طور کلی عید محسوب می‌شود.

روز اول ماه محرم، آغاز سال هجری قمری، عید سال نو می‌باشد.

روز تولد حضرت رسول اکرم «ص» عید گرفته می‌شود.

شبهای مهم و عزیز عبارت است از لیلۃ المعراج، لیلۃ البرات، لیلۃ الرغائب،

لیلة البدر (۱۷ ماه رمضان) و لیلة القدر (۲۷ رمضان)

در «شب عروس»*، ۱۷ دسامبر و تاریخ وفات مولانا جلال الدین رومی، مراسم مذهبی شامل قصیده و الهیه برگزار می کنند و ابیاتی از مثنوی به فارسی قرائت و به صربو کرواتی ترجمه و تفسیر می نمایند.

روز عاشورا در منزل آش مخصوصی با یاد حضرت نوح «ع» می پزند و در مساجد مصیبت شهادت حضرت امام حسین «ع» را ذکر می کنند.

هیچ گونه مراسم خاصی در سالگرد وفات حضرت رسول اکرم، حضرت امیرالمؤمنین و خلفای راشدین برگزار نمی شود و عزاداری غیر از ذکر مصیبت روز عاشورا معمول نیست.

تعطیلات

برای نخستین بار در حدود نیم قرن گذشته روز عید فطر امسال تعطیل رسمی اعلام شد. مسلمانان هیچ گونه تعطیلی اسلامی دیگری ندارند. تعطیلات رسمی کلاً ویژه کمونیستها و مسیحیان است. در طول حکومت کمونیستها مسیحیان کمتر از مسلمانان گرفتار محدودیتهای دینی بوده اند.

مراسم عروسی

دختران و پسران از نظر شناخت قبلی امکان و آزادی کامل دارند و براساس توافق آنان مراسم خواستگاری انجام می شود. روز عقد فامیل عروس ماشین داماد را در منزل عروس با گل تزئین می کنند. عقد هرگز در منزل برگزار نمی شود بلکه دختر و پسر ابتدا به محضری که محل ثبت رسمی ازدواج مسلمانان، مسیحیان و پیروان دیگر مذاهب است می روند و سپس برای عقد شرعی به جمعیت اسلامی

* عبارت «شب عروس» با همین تلفظ و به معنی شب شعر در زبان مسلمانان به کار می رود. عروس از کلمه عروض عربی به معنی شعر به جا مانده است.

مراجعه می‌نمایند.

در بعضی خانه‌های مسلمانان یک برنامه ویژه مذهبی به نام نکاح انجام می‌شود که فقط زنان در آن شرکت می‌کنند. وقتی عروس وارد می‌شود در دست راست قرآن و در دست چپ نان دارد. در این مراسم سوره یوسف خوانده می‌شود و عروس ضمن ورق‌زدن قرآن پس از هر دو صفحه «سلام قول من رب الرحیم» را ذکر می‌کند. عقد در روزهای چهارشنبه و شنبه معمول است. بزرگترها و کسانی که دوباره ازدواج می‌کنند و یا کسانی که مایلند مراسم ساده‌ای داشته باشند روز چهارشنبه عقد می‌کنند. عقد شنبه با مراسم مفصل عروس‌کشی با اتومبیل و بوق‌زدن در طول روز همراه است.

اسامی مسلمانان

مسلمانان معمولاً اسامی اسلامی آشنا دارند. برخی از رایجترین اسامی پسران عبارت است از محمد که به صورت موحامد تلفظ می‌شود، علی به صورت عالیا، اساد (اسد)، عامیر، نیهاد، آحمید، امیر، نجاد، ایزت (عزت)، عثمان، حسین، عبدالله، بچیر (بشیر) و فهیم. و این چند نمونه از نامهای رایج دختران است: آمینا، امینا، ملیحه، عذرا، آیدا (عائده)، عایشا، فاطمه، فهمه، صالحه.

در سالهای اخیر تمایلی به اسامی جدید و بعضاً نامفهوم و غیراسلامی مشاهده شده است از جمله نامهای ایسما، روسمیر، عانر، آنس، آدمیر برای پسران و اسامی ایریس، شیدا، سائلا، میرلا، مینلا و آنسا برای دختران.

سلام و خدا حافظی

مسلمانان بین خود معمولاً سلام و خدا حافظی اسلامی می‌کنند. سلام رسمی عبارت است از «سلام علیکم» یا «سلام علیکم» و یا «السلام علیکم» و جواب آن «علیکم السلام» است که گاه با «و رحمة الله و برکاته» همراه می‌شود. ممکن است

کلمه «مرحبا» نیز پس از سلام به کار رود. معمولترین خداحافظی اسلامی عبارت است از «الله إمانت» و در جواب همین تکرار می شود. علاوه بر آن هنگام خداحافظی «سلام علیکم» هم می گویند که جواب آن «علیکم السلام» است. در هنگام غروب و اوایل شب می توان گفت «اَکْشَمُ خیراولا» (از ترکی به معنی شب بخیر) که جواب آن خواهد بود «الله راضی اولا» (خدا از تو راضی باشد) و صبح بخیر می شود «صبح خیراولا» و جواب آن باز هم «الله راضی اولا» است. جوانترها ممکن است کلاً موقع سلام و خداحافظی «چاو» ایتالیایی را به کار برند. مسلمانان درارتباط با پیروان ادیان دیگر از سلام و خداحافظی صربی استفاده می کنند.

عقاید خرافی

در میان مسلمانان یوگسلاوی نیز مثل سایر جوامع اعتقاداتی بی ریشه کم و بیش رواج دارد که عده ای معمولاً از مسن ترها بدان پای بندند. پاره ای از این اعتقادات به شرح زیر است:

اگر شنبه لباس بشویی سه فرشته به سراغت می آید. یکی برای گرفتن جان، دومی برای گرفتن مال و سومی برای گرفتن اولاد. از این سه فرشته آن که زودتر برسند موفق می شود.

آب روی آب ریختن در لیوان خوب نیست. اول باید باقیمانده آب لیوان را خورد.

تخم مرغ را نباید با تخم مرغ شکست.

گرفتن ناخن دست و پا باید با فاصله انجام شود نه در یک روز.

سه شنبه و چهارشنبه نباید ناخن گرفت.

صابون را نباید به دست کسی داد. باید خودش بردارد. در غیر این صورت تنفر ایجاد می شود.

بعد از اذان عصر جارو کردن خوب نیست.
جمعه نباید آشغال بیرون برد.
برای عوض کردن رولحافی روزهای دوشنبه و چهارشنبه خوب است.
وقتی با دست گلو را لمس می کنید بعد باید به دست فوت کنید.

بوگومیلیسم، آیین پیش از اسلام

در بوسنی و هرزگوین

آیین بوگومیل که مسلمانان بوسنی و هرزگوین قبل از روی آوردن به اسلام از پیروان آن بودند یکی از مظاهر فرهنگی و اجتماعی قرون وسطی است که در حدود نیمه قرن دهم میلادی شکل گرفت و به کشورهای متعدد اروپایی بویژه در شبه جزیره بالکان راه یافت و مدت پنج قرن نظام فتودالی اروپا را تکان داد. از آنجا که کل حیات فرهنگی و اجتماعی قرون وسطی تحت سیطره کلیسا قرار داشت تعلیمات بوگومیلها الزاماً شکل مذهبی به خود می گرفت. از این دیدگاه بوگومیلیسم فرقه مذهبی خاصی بود که کلیسای مسیحیت آن را بدعت محض می دانست و به خاطر مصالح خود رسماً با آن به مقابله پرداخت. این آیین با اصول و نظریات روشن خود تعلیمات اجتماعی و فرهنگی خاصی را دربر داشت که از اوضاع فتودالی و اجتماعی قرون وسطی نشأت می گرفت. پس به عنوان فرقه ای مذهبی که مورد مخالفت قرار داشت به صورت جنبشی برای اصلاحات اجتماعی درآمد و

به خاطر گرایش عمدتاً اجتماعی خود به سرعت انبوهی از پیروان را در میان پایین‌ترین اقشار بویژه دهقانان جذب کرد و با تبلیغ برابری و مقابله با اعمال ناروای فئودالها آنان را به شورش بر علیه قدرتهای فئودالی برانگیخت. به این ترتیب بوگومیلیسم راه بسیاری از شورشهای دهقانان را نه تنها در بالکان بلکه در کل اروپا هموار ساخت.

بوگومیلها پیشنهاد می‌کردند که از زمینها و اموال صومعه‌ها، کلیساها و اعیان سلب مالکیت شود، امتیازات طبقاتی منسوخ و اموال شخصی منصفانه توزیع گردد. به این ترتیب با حفاظت و دفاع از منافع توده‌ها این آیین در ردیف یکی از پیشرفته‌ترین حرکت‌های اجتماعی قرار گرفت.

از مطالعه اندک منابع مکتوبی که از بوگومیلها بازمانده و بخصوص از منابع متعلق به دشمنان آنان چنین برمی‌آید که جنبش بوگومیل در سال ۹۳۵ م در مقدونیه که تابع حکومت بلغارستان بوده پدید آمده و بنیان‌گذار آن، بوگومیل، به معنی حبیب الله و یا محب الله نام داشته است. بوگومیل در یکی از شهرها یا روستاهای جنوب غربی مقدونیه در یک خانواده اصیل اسلاو به دنیا آمد. در این ناحیه، روستایی به نام بوگومیلا وجود دارد و شایع است که بوگومیل در آن روستا متولد شده است.

کشیش بوگومیل نسبت به زمان خود شخصی بسیار با فرهنگ شمرده می‌شد و تمام هنرها و علوم را که مدرسه بیزانس می‌توانست در قرون وسطی بیاموزد می‌دانست. پیروانش قیافه جدی و عبوسی داشتند. موی سرشان بلند بود. جبه می‌پوشیدند و کلاهی به نشانه مذهب بر سر می‌گذاشتند که تا روی چشمانشان می‌رسید. بوگومیل خود سیمایی جدی داشت و بسیار ساده لباس می‌پوشید. خطابه‌هایش تأثیری شگرف داشت و بزودی انبوهی از پیروان وفادار دور او گرد آمدند. آنها به نقاط مختلف شبه جزیره بالکان سفر کردند و به تبلیغ عقاید جدید پرداختند.

آیین بوگومیل در مقدونیه از اختلافات داخلی نظام فتودالی که حکومت بلغارستان به وجود آورده بود و مورد حمایت کلیسای مسیحیت قرار داشت سود برد. بزودی در سراسر کشور بلغارستان رایج گردید و سپس به صربستان، دالماسی، بوسنی، هرزگوین، آلبانی و بعد به اروپای غربی راه یافت. به این ترتیب، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم مقدونیه در اواسط قرن دهم میلادی یعنی استعمار فتودالی - کلیسایی در قلمرو حکومت بلغارستان عامل اولیه ظهور این آیین مذهبی - اجتماعی است. بُعد مسافت منطقه مقدونیه تا پایتخت بلغارستان سوء رفتار مقامات عالی کلیسایی و فتودالی را تشدید می کرد به طوری که وضعیت اجتماعی - اقتصادی مقدونیهای تحت سیطره آنان دائماً رو به وخامت می رفت.

بوگومیلها که احساسات و علایق محرومترین طبقات جامعه فتودالی آن زمان را بیان می کردند در مدتی کوتاه پیروان بسیاری یافتند. حتی مخالفت کلیسای بین المللی مسیحیت نتوانست آنها را از توده مردم جدا سازد. برعکس، قدرت کلیسا که از قرنهای پیش سازمان و تحکیم یافته بود هرگز مانند آن زمان آسیب ندیده بود. هرچه اقدامات تنبیهی بر علیه بوگومیلها در کشوری شدیدتر می شد تعلیمات آنها در سرزمینهای جدید ریشه های محکمتری می یافت. بوگومیلیسم با در نظر گرفتن شرایط سیاسی - اجتماعی موجود و تطبیق تعلیمات خود با آن شرایط زندگی عموم مردم در اروپا را پربار ساخت و این آیین در حقیقت از تعلیمات مذهبی - اجتماعی اولیه بزودی به صورت نیروی سیاسی عمده ای درآمد که تاحدی زیر پوشش مذهب قرار داشت.

هنگامی که بوگومیلیسم بلغارستان را فراگرفت و در بیزانس رواج یافت برای حکومتها به صورت مشکلی جدی و خطری واقعی درآمد زیرا مردم مقدونیه را به طغیان بر علیه نظام بلغارها وامی داشت و به این دلیل بلغارستان و بیزانس، علیرغم دشمنیهای بین خود، برای سرکوب حرکت بوگومیل به اقدامات مشترکی مبادرت ورزیدند. اسناد زیادی از جمله کتاب روایت بوگومیلها، تألیف یوتیمیوس

زیگاونوس، نویسنده روحانی نیمه اول قرن دوازدهم گواه بر آزار و اذیت بوگومیلها، تفتیش عقاید و قتل آنهاست. با این همه، احکام اعدام نتوانست در طی پنج قرن که از تعلیمات بوگومیلها می گذشت افزایش سریع تعداد پیروان این آیین را متوقف سازد. جنبش بوگومیل از قرن دوازدهم تا سیزدهم در کشورهای بالکان و بعضی کشورهای اروپایی دیگر بسیار قدرتمند بود.

زمانی که بوگومیلیسم بالاخره از صحنه سیاسی - اجتماعی اروپا خارج شد تنها چند اثر مکتوب از آن باقی ماند. ماشین تفتیش عقاید که برای نابودکردن هرچیز مخالف با کلیسا به حرکت درآمده بود آثار بی شمار نویسندگان بوگومیل را به خاکستر تبدیل کرد. وقتی نوشته های بوگومیلی مخفیانه جابجا می شد تا به دست دشمنان نیفتد توده های مردم یاد گرفتند که آنها را در خاطر خود حفظ نمایند و به این ترتیب ادبیات مردمی و پرمایه ای به وجود آمد.

دایرة المعارف شوروی درباره خاموش شدن شعله های آیین بوگومیل می نویسد: «... بتدریج عناصر انتقاد اجتماعی در بوگومیلیسم رو به ضعف نهاد و تا قرن چهاردهم به صورت فرقه ای مذهبی درآمد که بیشتر در میان روحانیون و جمعیت روستایی نفوذ داشت. بوگومیلها تا قرن هفدهم باقی ماندند.»

اصول اعتقادی بوگومیلیسم

بوگومیلیسم آیینی است مبتنی بر ثنویت که از مسیحیت نشأت یافته و ملهم از مانویت، پولی سیانیسم Paulicianism* و مسیانيسم Messianism** است.

* پولی سیانیسم فرقه ای از مسیحیت مبتنی بر ثنویت است که در قرن هفتم میلادی در ارمنستان ظهور کرد و از عوامل پیدایش بوگومیلیسم بود. پیروان این فرقه که از قرن دوازدهم تقریباً از میان رفت به دواصل خوبی و بدی اعتقاد داشتند. ماده را شر و آفریننده عالم مادی را اهریمن شریری می دانستند که باید بین او و خداوند که روح را آفریده و بر آن حکومت دارد تمایز قائل شد. رد و انکار تجسد، عهد عتیق، صلیب و شمایلهای مؤید این تمایز است.

** مسیانيسم عبارت است از اعتقاد به ظهور مسیح و نجات بخش عالم و بویژه دلالت دارد بر

می باشد. بوگومیل به وجود دواصل نهان در جهان معتقد بود که دارای قدرت برابر بوده و تا ابد با هم درجنگند و عبارتند از نیک و بد. خداوند و فرزندش عیسی سمیل نیکی، و شیطان، فرزند بزرگ خدا، نشانه بدی است. تا قبل از حضور عیسی ابناء بشر در معرض اصل بدی قرار داشتند و به همین دلیل کشیش بوگومیل عهد عتیق، اسفار پنجگانه، موسی و دیگر پیامبرانی را که از طریق آنها نه خداوند بلکه اصل بدی یعنی شیطان سخن رانده بود رد می کرد.

اعتقاد بوگومیل و پیروان او بر آن بود که تا زمان ظهور عیسی مسیح، شیطان اصل شکست ناپذیر و اصل نیرومند جهان است و شیطان، نه خداوند، انسان را آفرید ولی توان دمیدن روح را در او نداشت. از این رو به خداوند متوسل شد و به این ترتیب خداوند صاحب روح انسان شد و شیطان مالک تن او.

مهمترین قانون بوگومیلیسم پرهیز از ماده به عنوان آفریده روح شیطان است. هر عملی که با این قانون در تضاد باشد گناه است. بنابراین، بوگومیلها مجاز به داشتن اموال شخصی نبودند. آنها کارهای سودآور را به صورت دسته جمعی و یا انفرادی انجام می دادند ولی در هر حال سود حاصله را به صندوق مشترک تسلیم می کردند. بوگومیلها با هر نوع زینت در داخل و خارج کلیسا مخالف بودند و اعتقاد داشتند که مؤمن می تواند در هر جا و در هر نقطه خدا را عبادت کند. پرستشگاه خداوند آنجاست که ایمان خالص و طبیعی وجود دارد. آنها با عشاء ربانی نیز مخالف بوده و صلیب را تحقیر می کردند.

بوگومیلها به سلسله مراتب مذهبی اعتقاد نداشته بلکه معتقد بودند که هر مرد یا زن بالغی می تواند به تبلیغ مذهب پردازد. پیروان این آیین را دسته های مختلف تشکیل می دادند: کامل، نیمه کامل و مستمعین ساده. هر دسته موظف به رعایت قوانین سختی بودند. بوگومیلهای کامل مجاز به ازدواج و مال اندوزی نبودند اولاً

جنیش یا نظامی اعتقادی که در آن نجات بخشی که می تواند فرد، گروه و یا اندیشه ای باشد ظهور نموده و انسان را به رستگاری هدایت می کند.

به این دلیل که مال مخلوق روح شیطانی است ثانیاً این که مؤمن را به امور مادی تنزل می دهد و او را به وسوسه می کشاند. این بوگومیل های کامل خود را در راه رستگاری جهانیان فدا می کردند. با مظلّم جهانی مبارزه می کردند و آرامش ابدی را توصیه می نمودند.

برخی اعتقادات دیگر بوگومیلها عبارت است از: برابری و برادری و فرزندى همه انسانها از یک پدر (خداوند) - قائل نبودن تمایز بین ملتها و وجود مرزها - گیاهخواری - هر سال سه مرتبه و هر مرتبه چهل روز روزه گرفتن - مخالفت با خشونت و جنگ (جز برای دفاع) - پرهیز از مراسم ازدواج و درعین حال گرایش محکم به عفت و پاکدامنی - نداشتن جشن - کار مداوم - حکومت عشق و محبت در زمین.

فهرست مأخذ

آرنولد، سرتوماس. ۱۳۵۸. تاریخ گسترش اسلام. ترجمه دکتر ابوالفضل عزتی. تهران: دانشگاه تهران.

امین ریاحی، محمد. ۱۳۵۰. نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی. ج ۴. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

بوگدانویچ، دیان. ۱۳۴۵. ادبیات فارسی در یوگسلاوی. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران.
حقی اوزون چارشلی، اسماعیل. ۱۳۷۰. تاریخ عثمانی. ترجمه دکتر وهاب ولی. ج ۲. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مهرین شوشتری، عباس. ۱۳۵۲. تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران. تهران.
Nurigiani, Giorgio. 1972. *The Macedonian Genius through the Centuries*.

London: David Harvey Publishers.

Tihic, Smail. 1966. *Tourist Guide through Sarajevo*. Beograd: Turistička Štampa.

Trako, Salih. 1986: *Katalog Perzijskih Rukopisa*. Orijentalnog Instituta u

Sarajevu. Sarajevo.

The Encyclopaedia of Islam. Vol 1. London: Luzac & Co. 1975.

The Ghazi Khusraw Beg Library Sarajevo. Sarajevo. 1982.

Great Soviet Encyclopedia. Vol 3. U.S.A.: Macmillan Educational Corporation. 1973.

Higher Education in Yugoslavia. Belgrade: Ministry of Higher Education. 1987.

Islamski Teološki Fakultet Sarajevo. Nastavni Plan i Program. Sarajevo. 1989.

Islamski Teološki Fakultet Sarajevo. Vodić Kroz Fakultet. Sarajevo. 1988.

Ro Filozofski Fakultet u Sarajevu. Nastavni Plan i Program. Sarajevo. 1989.

Univerzitet u Sarajevu - odbor za obilježavanje 40 godina. Sarajevo. 1989.

The World Book Encyclopedia. U.S.A.: World Book Inc. 1988.

PERZIJSKI JEZIK I KNJIZEVNOST
U
BOSNI I HERCEGOVINI

Autor

Dr A. SAFFAR MOGHADDAM



Ministarstvo za kulturu i visoko obrazovanje
Institut za kulturološke studije i istraživanja

Teheran: 1993



Persian Language and Literature

in

Bosnia and Herzegovina

by

A. Saffar Moghaddam, Ph.D.



***Institute for Cultural
Studies and Research***

Tehran: 1993

